



وزارت آموزش و پرورش  
 مرکز نشریات و پرورش نیروی انسانی  
 دفتر انتشارات کمک آموزشی  
[www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)  
 ISSN: 1606-9226



# رشد آموزش و پرورش ریشه‌ها

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای دبیران  
 دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش

دوره هفدهم،  
 آذر ۱۳۹۰، شماره بی‌درپی ۹۳  
 ۴۸ صفحه، ۳۵۰۰ ریال



کلاس عاشورا  
 گزارش و گزارش نویسی  
 از موهن‌های جهانی تیمز و پرلز

# کلاس عایشا





# ماهنامه آموزشی - تحلیلی و اطلاع‌رسانی راهنامه راهنمای

ماهنامه آموزشی - تحلیلی و اطلاع‌رسانی  
برای دبیران، معلمان و کارشناسان آموزش و پرورش

دوره هفدهم - آذر ۱۳۹۰ - شماره ۹۳

مدیر مسئول: محمد ناصری

سر دبیر: محمدرضا حشمتی

شورای برنامه‌ریزی و کارشناسی: علی‌رضا صادقی میاب

منصور ملک‌عباسی، علی‌اصغر جعفریان

فرحناز حدادی و لیلی محمدحسین

مسیر داغنی: فاطمه محمودیان

ویراستاز: فریدون حیدری ملک‌میان

طراح گرافیک: مهدی کریم‌خانی

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی: ۱۶۵۹۵-۱۷۹

تلفن: ۸۸۲۹۰۲۳۲

نمابر: ۸۸۲۰۱۲۷۸

وبگاه: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)

رایانامه: [rahnamayi@roshdmag.ir](mailto:rahnamayi@roshdmag.ir)

تلفن پیام‌گیر نشریات رشد: ۸۸۲۰۱۲۸۲

کد مدیرمسئول: ۱۰۲ کد سر دبیر: ۱۱۵ کد مشترکین: ۱۱۴

نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن امور مشترکین: ۷۷۲۳۶۶۵۶ - ۷۷۲۳۶۶۵۵

شمارگان: ۱۷۰۰۰ نسخه

چاپ: شرکت اقتس (سهامی عام)

روی جلد: مهدی کریم‌خانی

فائل کوچه نویسندگان و مترجمان محترم

- مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.
- مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید.
- مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و روی سی‌دی یا از طریق رایانامه مجله ارسال شوند.
- نشر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی دست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود.
- محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود.
- مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود.
- کلمات حاوی مفاهیم نمایی (کلیدواژه‌ها) از متن استخراج شوند.
- مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد.
- معرفی‌نامه کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود.
- مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است.
- مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود.
- آرای مترجم در مقاله ضرورتاً بین رای و نظر مسئولان مجله نیست.

فردای بهتر با پژوهش / محمدرضا حشمتی / ۲

کلاس عاشورا / دکتر محمدرضا سنگری / ۳

مبلمان راحت یادگیری / ثمانه ایروانی / ۶

ارزش و نحوه انتقال آن / پروین داعی پور / ۸

مسئولیت‌پذیری / اسمانه آزاد / ۱۱

گزارش و گزارش نویسی / جعفر ربانی / ۱۴

افسردگی دانش آموزان / ترجمه حبیب یوسف‌زاده / ۱۶

موج سواری / اسپیده شهیدی / ۲۰

یادگیری یعنی تغییر رفتار / ترجمه معصومه خیرآبادی / ۲۲

ویژگی‌های معلم برتر / محمد شاکر، مهدی رضاییان / ۲۴

جدول موضوعی رشد برهان راهنمایی / ۲۶

تعریف حق یا حقوق / فیروزه فلاح، مهسا رضوی، بهاره خلیل‌زاده / ۲۷

حل تعارضات (کشمکش‌ها) / لیلی محمدحسین / ۳۲

من کیستم! / دکتر محمدرضا اسدی یونسی، مرضیه سپاهی / ۳۶

طلوع گفت‌وگو، فروغ کشمکش / دکتر فرحناز حدادی / ۳۹

آزمون‌های جهانی تیمز و پرلز / زهرا شعبانی / ۴۲

عشق به زندگی / محمدعلی قربانی / ۴۷

چرا ما وقتی عصبانی هستیم داد می‌زنیم؟ / علی‌اصغر جعفریان / ۴۸

# فردا با پژوهش

محمد رضا حشمتی

## هفته پژوهش: نیازها و کاستی‌ها

هفته پژوهش سبب خیری است که هر ساله از رهگذر آن، توجهات همگان به این موضوع و نقش آن در توسعه کشور در ابعاد مختلف جلب می‌شود. یکی از اهداف پژوهش در آموزش و پرورش، فرهنگ‌سازی نسبت به امر تحقیق است تا بدین وسیله حساسیت مسئولان درباره پژوهش، نیازها و کاستی‌های آن برانگیخته شود. در سال ۸۸ «با مطالعه و پژوهش تصمیم‌گیری کنیم» شعار هفته پژوهش بود. به عبارت دیگر، «فردای بهتر با پژوهش در آموزش و پرورش» نیز جمله تکراری مسئولان وقت آموزش و پرورش محسوب می‌شد. حال سؤال اساسی این است که در برنامه‌ها و تصمیم‌گیرهای جدید، به چه میزان مطالعه جدی (و نه شعاری) و پژوهش انجام گرفته است؟

در عصر حاضر، پژوهش به عنوان بنیاد و بستر توسعه جوامع به شمار آمده است؛ به نحوی که بخشی از توسعه‌یافتگی جوامع را با نشانگرهای پژوهش محک می‌زنند. فراموش نکنیم پژوهش در آموزش و پرورش نسبت به سایر نهادهای جامعه از اهمیت مضاعفی برخوردار است. زیرا آموزش و پژوهش در ماهیت خود از یک سنخ هستند و فرایند و نتیجه آموزش از پژوهش جدانشدنی است. در این شماره از مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی نتایج دو پژوهش و تحلیل را که می‌تواند در فرهنگ و آموزش و پرورش ما تأثیرگذار باشد، برای شما همکاران محترم آماده کرده‌ایم: یکی گفتاری از دکتر محمد رضا سنگری درباره حادثه کوتاه، اما ماندگار عاشورای امام حسین (ع) و دیگری گفت‌وگو با دکتر عبدالعظیم کریمی در زمینه آزمون بین‌المللی تیمز و پرلز. امید است بتوانیم از نتایج این پژوهش‌های ارزشمند که حاصل زحمات شبانه‌روزی پژوهش‌گران بزرگوار است، برای شناخت بهتر رسالت خود بهره لازم را ببریم. پژوهش گنج‌نهدانی است که متأسفانه هنوز ارزش واقعی آن را نمی‌دانیم و اکتفا کردن به حرکتی نمادین مانند به صدا درآمدن زنگ پژوهش به تنهایی نمی‌تواند ما (معلمین) و دانش‌آموزان را پژوهش‌گر و مسئولان را پژوهش‌باور نماید. آن‌چه از ضروریات تحول در آموزش و پرورش به شمار می‌رود، تغییر نگاه سیاست‌گذاران و مسئولان به مقوله پژوهش است تا آن را صرفاً یک فرایند تشریفاتی و لوکس نپنداریم بلکه باور کنیم کیفیت پژوهش‌ها تأثیر ماندگار و قطعی‌تری بر برنامه‌های ما خواهد داشت.

# کلاس عاشورا



دکتر محمدرضا سنگری

کربلا، یک کلاس فشرده تاریخ است

## اسوه‌های تاریخی

همه ما می‌دانیم که در زبان قرآن، پیغمبر (ص) به عنوان اسوه معرفی شده است: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه» یعنی یک سرمشق، یک الگو و کسی که می‌شود به او تأسی جست و رفتار خود را با او بنا کرد، مثل او شد و از او آینه‌ای برای تماشای خود و حقیقت ساخت. همین ویژگی اسوه را خداوند برای حضرت ابراهیم (ع) هم برشمرده است و طبیعی است که همه انسان‌ها در هر موقعیتی که باشند، نیازمند اسوه هستند. تنها کسی که در تاریخ اسلام خودش، خود را اسوه معرفی کرد، حضرت اباعبدالله (ع) در کربلا بود. او در کربلا گفت: «لکم فی اسوه» من برای شما اسوه هستم. کل کربلا یک فلش، جهت و آیه است که شیوه زندگی کردن را به ما می‌آموزد.

## جامعه عاشورا

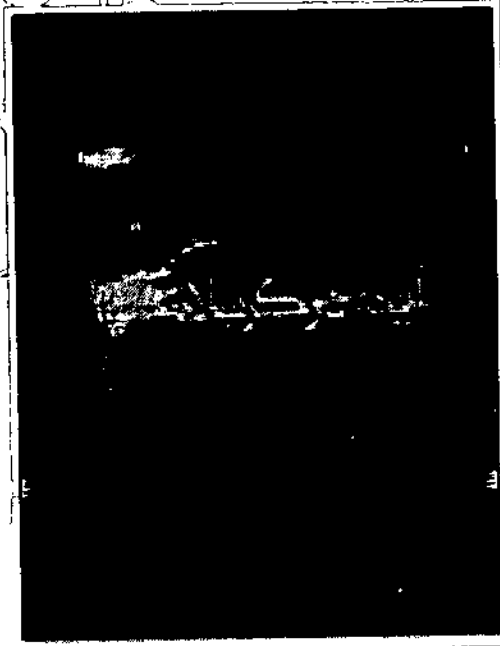
کربلا و عاشورای حسین (ع) همه تیپ‌ها را در خود دارد و از این جهت یک اسوه تمام است. شما هر که باشید و در هر موقعیتی، می‌توانید مثل خود و هم‌سن‌وسالان خود را در کربلا پیدا کنید، که این یک استثناست. زیرا ما در تاریخ اسلام نمی‌توانیم نمونه‌ای پیدا کنیم که همه بتوانند مشابه سنی خود را در آن بیابند: زن، مرد، کودک، نوجوان، پیر و جوان. ما در کربلا کودکی داریم که تازه متولد شده بود و امام داشت در گوشش اذان می‌گفت که او را به شهادت

زساندند. بالای ۸۰ سال هم داریم. مثل حبیب بن مظاهر اسندی، مسلم بن عوسجه اسدی، عابس، سدید بن عمرو بن ابی المطاع و... دختر بچه‌های ۳، ۷ ساله و دختران ۱۱، ۱۲، ۱۷ ساله داریم. در کربلا سیاه داریم، سفید داریم، آزاد داریم، بنده داریم. شاغل داریم، بیکار داریم. پس کربلا یک نسخه کامل، یک الگوی تمام و یک اسوه بی‌بدیل است که هر کس می‌تواند خود را در آن بیابد.

## کلاس تاریخ

شگفت این است که این قصه، قصه‌ای کوتاه است. شاید در کل تاریخ اسلام، حادثه‌ای کوتاه‌تر از کربلا نداشته باشیم. امام (ع) دوم محرم وارد کربلا می‌شوند و دهم به شهادت می‌رسند و کل جنگ کربلا، هفت ساعت و نیم بیشتر نیست. جنگ نزدیکی ۸ صبح شروع می‌شود و ۵-۴/۵ بعدازظهر همه چیز به اتمام می‌رسد و دیگر دشمن است و خیمه‌های بی‌پناه و زنان و کودکانی که ۸۴ نفرند و آن‌ها را روز بعد به اسارت می‌برند.

از نظر تعداد هم نهضت عاشورا کمترین تعداد در تاریخ اسلام است. اگر قول امام محمد باقر (ع) را بیشترین تعداد بگیریم، ۱۴۵ نفر می‌شود. اما همین واقعه همه درس‌ها، عبرت‌ها و آموزش‌ها را درون خود دارد و من آن را به «یک کلاس فشرده تاریخ» تعبیر می‌کنم؛ عالی‌ترین مدرسه



کس حرف او را زمین نخواهد گذاشت، زینب است. سکینه و تعدادی از بچه‌ها به سمت خیمه حضرت زینب حرکت کردند و سکینه آرام پرده خیمه را کنار زد و دید علی اصغر در آغوش حضرت زینب از فرط تشنگی ناآرام و حضرت زینب نگران وضعیت کودک است. تا سکینه این صحنه را می‌بیند، آرام برده را می‌اندازد و خطاب به بچه‌ها می‌گوید: عمه اگر آب داشت قطعاً اول به این کودک می‌داد. حال اگر از او آب طلب کنیم، چون خودش آب ندارد ما او را شرمنده می‌کنیم و این کار شایسته نیست.

### گروه آموزشی در کربلا

بریری می‌گوید وقتی این صحنه را دیدم، نزد دوستم رفتم و گفتم وای بر ما که نشسته‌ایم و بچه‌ها این‌طور تشنه‌اند. سپس با دعوت از دوستان دیگر یک حلقه مشورتی ایجاد شد. (همین خود یک درس آموزشی است که این معلم کربلا برای هر تصمیم‌گیری از مشورت دوستان استفاده می‌کند) فردی پیشنهاد کرد که بچه‌ها را جلو بیندازیم و سمت آب حرکتشان دهیم. این‌گونه از آب سیرابشان می‌کنیم و برمی‌گردانیم. دیگری گفت که شاید نگهبانان فرات بچه‌ها را هدف قرار دهند؛ این کار صحیح نیست. در هر حال، حاصل گفت‌وگوها این شد که خودشان مشک بردارند. به سمت آب بروند و مشک‌ها را از آب پر کنند و بازگردند. بریری می‌گوید وقتی کنار شط رسیدیم، نگهبانان جلو ما را گرفتند. ولی یکی از آن‌ها که با من آشنا بود، گفت حق آب خوردن دارید ولی حق آب بردن ندارید. بریری می‌گوید سعی کردیم با صحبت با نگهبان حواسشان را پرت کنیم و کمی آب برداریم. وقتی نزدیک آب شدم، شدیداً تشنه بودم. آدمم آب بخورم که یاد سکینه افتادم. به خودم گفتم: بریری! تو معلمی اما این‌جا شاگرد باش. امروز بیاموز که اگر دیگران تشنه‌اند تو حق

آموزشی تاریخ. و همه کسانی که در این مدرسه هستند نیز آموزگاران بزرگند که به ما درس‌های بزرگ می‌دهند.

### معلمان در کربلا

اما در این میانه کسانی در کربلا اصلاً معلم هستند. کار معلمی و آموزشی کرده‌اند و بعضی‌هایشان از سر کلاس به کربلا آمده‌اند. یکی از این‌ها شخصی است به نام بریر بن خضیر همدانی. در کوفه او را سیدالقرآء می‌نامیدند. چون هم زیبا قرائت می‌کرد، هم زیبا تفسیر می‌کرد، هم ابعاد و اضلاع قرآن و مسائل روایی را به هم گره می‌زد و هم روش‌های شیرین آموزش را می‌دانست. این معلم بزرگ در کوفه بود که به او اطلاع دادند حسین (ع) به کربلا آمده است. در آن لحظه لوح جلویش بود و داشت می‌نوشت. قلم را کنار گذاشت و گفت من می‌روم تا درس بعدی را با خون بر سطح خاک بنویسم و آمد در کربلا به حضرت اباعبدالله (ع) پیوست.

بریری می‌گوید در شب تاسوعا یا عاشورا، تشنگی اهل خیمه‌ها را خیلی اذیت کرده بود. به خصوص کودکان خیلی در رنج بودند. چون از روز هفتم آب در کربلا قطع شده بود. از خیمه بیرون آمدم و دیدم اطراف خیمه‌ها زمزمه‌هایی است. دیدم مقداری بچه جمع شده‌اند و با هم گفت‌وگو می‌کنند. به گونه‌ای که مرا نبینند، سعی کردم به آن‌ها نزدیک شوم و ببینم بحث آن‌ها درباره چیست. دیدم این بچه‌ها در حلقه یک دختر ۹ یا حداکثر ۱۳ ساله جمع شده‌اند. این دختر کسی جز سکینه نیست. بچه‌ها دارند سؤال می‌کنند که ما چه‌طور می‌توانیم به آب دسترسی پیدا کنیم؟ از چه کسی می‌توانیم بخواهیم تا برای ما آب تهیه کند؟ سرانجام به این نتیجه رسیدند، کسی که از هر که آب طلب کند، هیچ

در چند روزی که همگی در کربلا هستند، اسلم بن عمرو حلقه‌ای ایجاد می‌کند و به تدریس می‌پردازد

شماره ۳ آذر ۹۰  
دوره ۱۷



### کربلا و عاشورای حسین (ع) همه تیپ‌ها را در خود دارد و از این جهت یک اسوه تمام است

نداری آب بنوشی، مشک را پر کرد و بازگشت. (به یاد آوریم روش‌های جدید آموزش را که می‌گوید یادگیری دو سویه است.)

معلم دیگری در کربلا داریم که اتفاقاً ایرانی است. نام او «اسلم بن عمرو» و یا «واضح» است، گاهی او را سلیم یا سلیمان هم نامیده‌اند. اهل منطقه گیلان تا قزوین بوده است. در مدینه به حضرت اباعبدالله پیوسته و سرانجام با او به کربلا آمده است. ایشان دبیر بوده و نیز به ترکی، عربی و فارسی شعر می‌گفت که متأسفانه جز چند شعر عربی از او چیزی به دست ما نرسیده است. قصه‌گو هم بود. در چند روزی که همگی در کربلا هستند، اسلم بن عمرو حلقه‌ای ایجاد می‌کند و به تدریس می‌پردازد. تصور کنید که یاران امام در محاصره هستند. اوایل در محاصره حدود چهار هزار نفرند که تا روز عاشورا حلقه محاصره به سی و سه هزار نفر می‌رسد. این افراد گاه‌گاه جنگ روانی به راه می‌اندازند و دیگران را آزار می‌دهند. یاران اباعبدالله در محاصره حلقه‌ای از بی‌رحم‌ترین آدم‌ها هستند. آن‌ها این قدر قساوت دارند که پس از شپید کردن یاران امام حتی از تاختن اسب بر پیکرشان نیز پرهیز نمی‌کنند. بعد از این همه کشته به کودکانه رحم نمی‌کنند. ما در کربلا کم شاهد کودک‌کشی نیستیم. بچه ۷ ساله را به اسم سعید بن ابی عقیل، کنار خیمه‌ها قطعه قطعه می‌کنند و... این‌ها پس از پیروزی ظاهری دست به جنایت‌های جنگی فراوانی می‌زنند. حالا ببینید در کدام صحنه، کسی می‌آید، بچه‌ها را جمع می‌کند و درس می‌دهد!

### ویژگی‌های معلمان عاشورا

اسلم بن عمرو قدیبلند، خوش‌سایما و سفیدرو بود. در کربلا بچه‌ها را جمع می‌کرد و برایشان قصه می‌گفت. نامه‌های امام را او و بربر می‌نوشتند که خیلی هم خوش خط بود. خیلی مهم است که معلم خط زیبایی داشته باشد، زیرا یکی از ابزارهای ارتباطی معلم خط اوست گاهی که یک جمله پایین برگه بچه‌ها نوشته می‌شود بسیار تأثیر گذار است و بچه‌ها نسبت به آن بسیار حساس هستند. ابزار دیگر کلام معلم است. ساخته و ساخته حرف زدن، به جا و زیبا گفتن برای یک معلم خیلی مهم است. وقتی اسلم بن عمرو روز عاشورا وارد میدان شد، رجز می‌خواند. رجز یعنی شعری که فرد در میدان برای ایجاد جنگ روانی و شکست دادن دشمن قرائت می‌کند.

تصور کنید که بخواهند از کلاس معلمی بازدید کنند، این قضیه بر روی روش تدریس، صدای معلم و... اثر می‌گذارد. حال تصور کنید کسی به میدان می‌رود و شعر می‌خواند که در مقابلش، شمشیر، نیزه و تیر فراهم کرده‌اند و کشته شدن قطعی است. او در موقعیتی سخن می‌گوید که می‌داند چند لحظه بعد کشته خواهد شد و بدنش قطعه قطعه می‌شود!

یک معلم چه قدر باید تسلط بر نفس، اعتماد به خود و آرامش درونی داشته باشد. که بتواند در این موقعیت‌ها به راحتی حرف خود را طرح کند!

چه چیز می‌تواند به من معلم آرامش دهد، وقتی که وارد کلاس می‌شوم؟! کلاس همیشه آماده نیست. گاهی کلاس دستخوش طوفان است و معلم باید بداند که در این بحران چگونه عمل کند؛ آن جاست که توانایی‌های یک معلم آشکار می‌شود و نه در شرایط آرام.

اسلم از کنار بدن‌های قطعه قطعه عبور می‌کند و به میدان می‌رود و اگر کسی از من پرسد زیباترین رجز کربلا کدام است، باید بگویم که به گمانم زیباترین رجز تصویری - از نظر فرم - رجز این معلم ایرانی کربلا، اسلم بن عمرو است:

البحر من طعنی و ضربی یصطلی  
والجو من سهمی و نبلی یمتلی  
اذا حسامی فی یمینی ینجلی  
ینشق قلب العاسد المجل

دریا از جزرومد شمشیر من آتش می‌گیرد، وقتی شمشیر می‌کشم دریا را شعله‌ور می‌کنم.

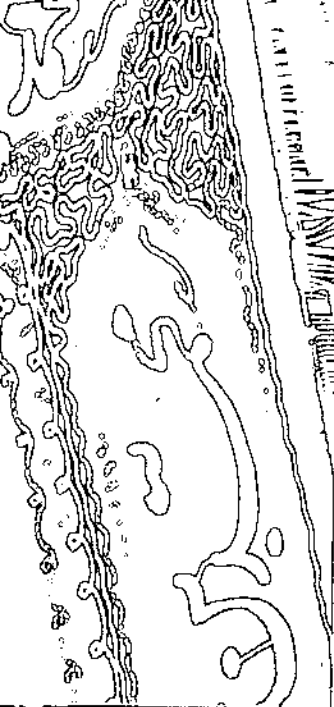
می‌دانید که دریا ضد آتش است. اما او می‌گوید من دریا را شعله‌ور می‌کنم و فضا را از بارش تیرهای خودم پر می‌سازم، یعنی ابری از تیر در فضای میدان به وجود می‌آورم. وقتی شمشیر در کف من درخشش آغاز کند، من با برق شمشیرم قلب تاریک حوودان خودپرست و خودپسند را روشن خواهم ساخت.

او با رجزش دشمن را رسوا و روشنگری می‌کند که چه انگیزه‌ای موجب شد تا در مقابل حقیقت شمشیر کشند. پس معلم حتی در میدان جنگ هم روشنگری می‌کند.

وقتی رجز خواند با شتاب از میدان برگشت. پرسیدند چرا برگشتی؟ گفت از دوستان کوچکم - بچه‌هایی که هر روز برایشان قصه می‌گفتم - خدا حافظی نکردم. بچه‌ها را جمع کرد و در این موقعیت با آنان خوش‌وبش کرد، آن‌ها را خندانند و دوباره به میدان برگشت. آن قدر جنگید تا دست‌هایش به شدت آسیب دید و افتاد. امام خودش را بالای سرش رساند. ببینید حرمت‌گذاری به معلم از نگاه امام حسین (ع) چه قدر اهمیت دارد. امام خون از چهره‌اش پاک کرد. اسلم به امام گفت خیلی دوست دارم دستانم را به گردن تو بیاویزم. اما چون دستانت شکسته بود نمی‌توانست. پس امام دست‌های او را به گردن خود انداخت. آن گاه اسلم گفت: من چه خوشبختم که آفتاب را در آغوش گرفتم! و در آخرین لحظه گفت: اوفیت یابن رسول‌الله؟ ای پسر پیامبر آیا وفا کردم؟

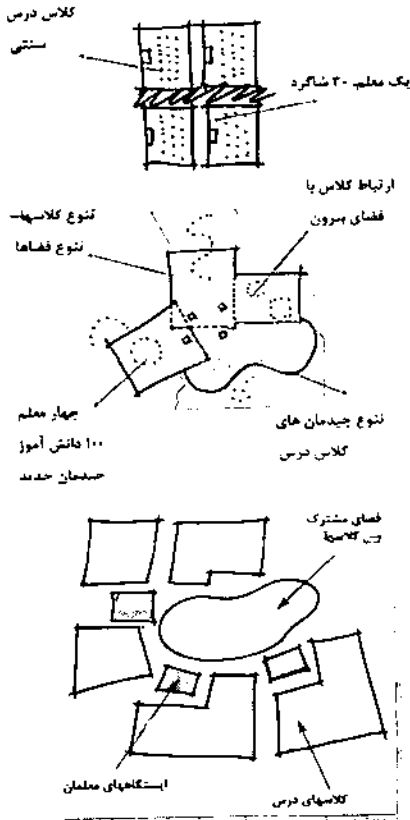
امام فرمود: «عم انت امامی فی الجنه، بله تو پیش‌تر از من به بهشت رسیدی.»

امام با این معلم همان‌گونه رفتار کرد که با علی‌اکبر، یعنی گونه بر گونه‌اش گذاشت و او را نوازش کرد. و من یقین دارم که همه معلمان اهل بهشتند...

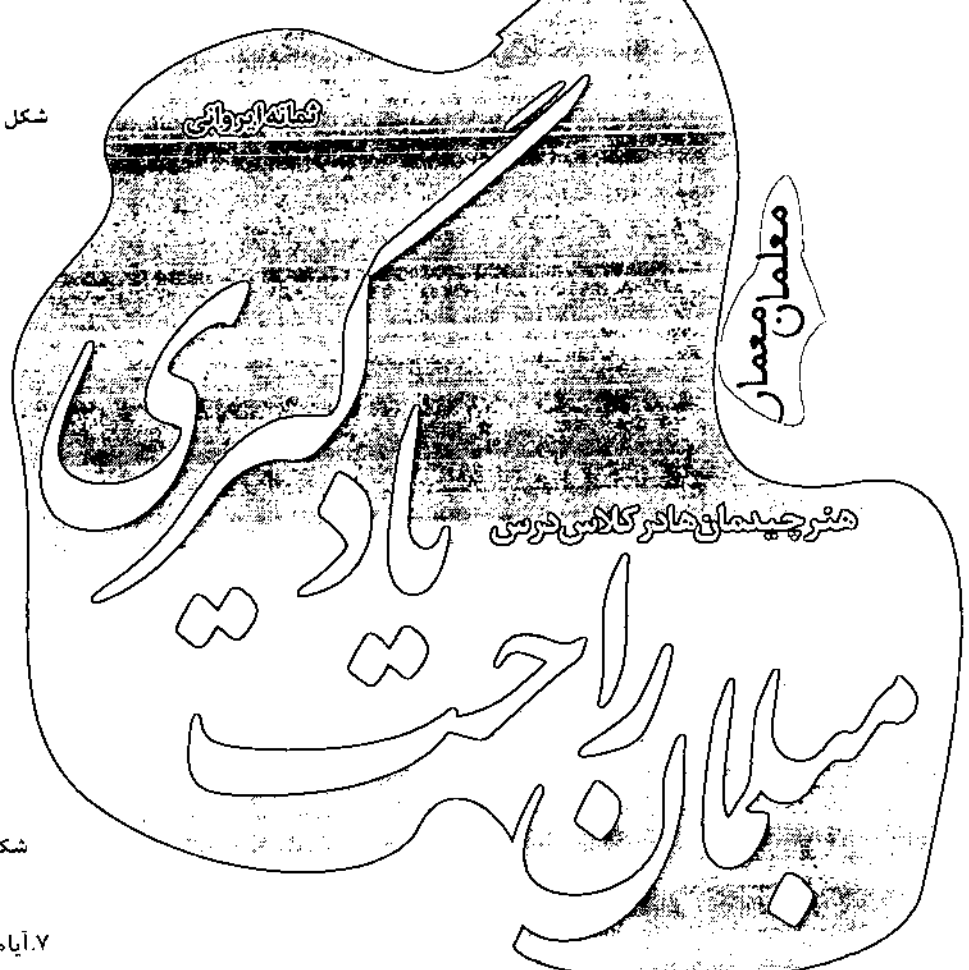


مجله  
روزگار  
شماره ۳ آذر ۹۰  
دوره ۱۷

شکل ۳



شکل ۲



۷. آیا معلمان خلاق که مخاطب مادر این مقاله هستند،

هر بار موظفانند این چیدمان‌ها را تجربه کنند و آن را در کلاس خود پیاده نمایند؟ آیا این چیدمان‌ها مخصوص کلاس درس است؟

### راه‌های حل مشکلات

خب بیایید از معلم شروع کنیم و به جای این که پاسخ این پرسش‌ها را بدهیم، بگوئیم مشکل‌های این چیدمان‌ها را برای خودمان حل کنیم. اولین مشکل این است که جایگاه معلم و میز و نیمکت او را کجا تعیین کنیم؟ این طور که از این چیدمان‌ها برمی‌آید، معلم نمی‌تواند حوزه مشخصی را مانند مدل کلاس‌های سنتی قبل داشته باشد و باید سعی کند با بچه‌ها در این چیدمان‌ها ادغام شود. این یعنی با بچه‌ها بنشیند و در تراز آن‌ها قرار گیرد؛ گاهی کنار فلان گروه بنشیند و گاهی به طرف گروه بعدی برود و دائم مانند عضوی شناور در کلاس عمل نماید. اما این سؤال پیش می‌آید که وسایلتش را، فرضاً کتاب‌هایش، ورق‌های بچه‌ها و وسایل کمک آموزشی را در کجا قرار دهد؟ خوب برای این کار نیز می‌توانیم راه‌حل مناسبی داشته باشیم. مثلاً به‌ازای دو یا سه کلاس، ایستگاه‌های معلم (فضاهای مشترک) درست کنیم که به این کلاس‌ها بی‌واسطه ارتباط داشته باشند؛ ضمن این که فضاهای تعریف شده و جدایی برای استراحت یا نشستن معلم یا گذاشتن وسایل همان درس را داشته باشد (شکل ۲). خوب مشکل معلم تا حدودی حل شد. حال پرسش بعدی این است که تکلیف تخته سیاه یا سفید کلاس چه می‌شود؟

### تخته سیاه

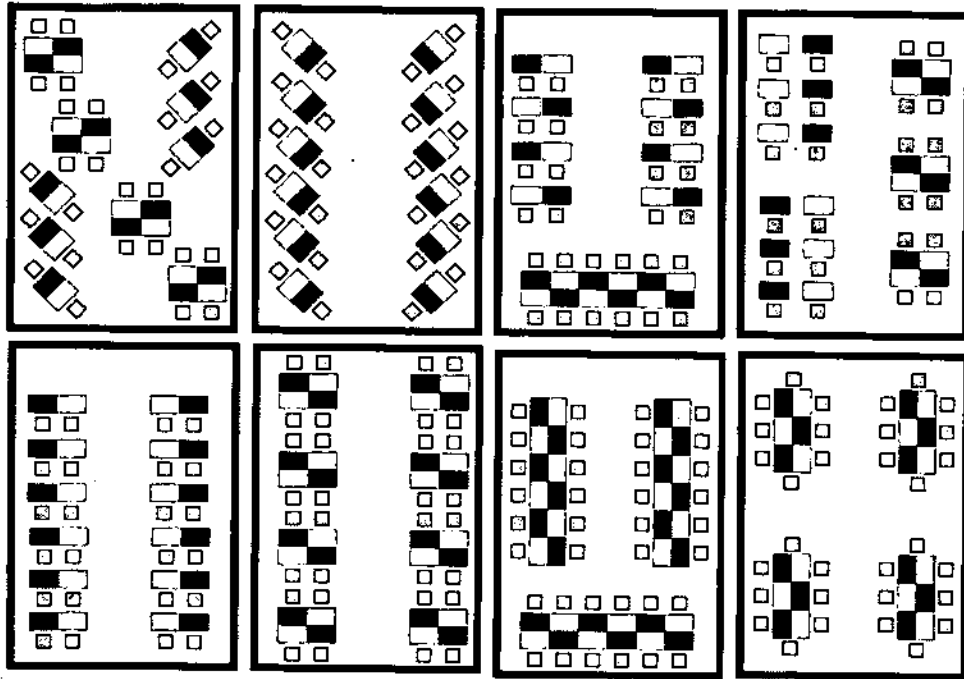
در کلاس‌هایی که هنوز چیدمان معلم محوری دارند، می‌توان تخته سیاه را بر دیوار نصب کرد. ولی در چیدمان‌های

در شماره پیش، چندین آرایش مبلمان کلاس درس را نشان دادیم که اولین آن تأکید بسیار زیادی روی معلم محوری داشت و چیدمان‌های آخر بر روی دانش‌آموز محوری تمرکز کرده بودند و عملاً معلم نقش هدایت‌کننده در کلاس را عهده‌دار بود. برای مرور کلی چیدمان‌ها می‌توانید به شکل ۱ نگاهی گذرا بیندازید. در آخر مقاله نیز این چیدمان‌ها برای همه ما پرسش‌هایی را به وجود آورد که مایلیم در این مقاله بیشتر راجع به آن صحبت کنیم و درک کنیم که چه طور می‌شود از این چیدمان‌ها در کلاس‌های مدرسه بدون هیچ مشکل یا اتلاف وقتی استفاده نمود.

### بار دیگر پرسش‌ها را مرور می‌کنیم:

- چرا تخته سیاه در این چیدمان‌ها گم شده است؟ کدام دیوار برای نصب تخته سیاه مناسب است؟ بچه‌ها باید به کدام سمت نگاه کنند؟ قسمت جلو این فضا کجاست؟ آیا این فضا بدون استفاده است؟
- میز معلم کجاست؟ او دقیقاً در کجا قرار می‌گیرد؟ کجا بنشیند؟ و کجا بایستد؟ چرا میز و نیمکت معلم در این چیدمان‌ها رها شده‌اند؟
- آیا معلم هر بار باید برای روش‌های تدریس متفاوت خود در کلاس درس این چیدمان‌های گوناگون را ایجاد نماید و کلاس خود را اداره کند؟ آیا تغییر دادن مبلمان کلاس موجب اتلاف وقت فراوان نمی‌شود؟
- انواع هوش (نظریه هوش‌های چندگانه گاردنر) و توانمندی‌های دانش‌آموزان در این چیدمان‌ها چه جایگاهی دارند؟
- دانش‌آموزان با توانایی‌های خاص (معلولان جسمی و نیمه‌بینایان و نیمه‌شنوایان) چه جایگاهی در این چیدمان‌ها دارند؟ آیا می‌شود آن‌ها را در کلاس‌های مدرسه‌های عادی به جای مدرسه‌های استثنایی جای داد؟
- بچه‌های ضعیف‌تر نسبت به بچه‌های قوی‌تر در این آرایش‌ها چگونه دیده می‌شوند و چگونه معلم می‌تواند از این چیدمان‌ها به بهترین روش استفاده نماید؟





شکل ۱

با آرایش گروهی، می‌توان از تخته‌های بسیار استفاده کرد؛ یعنی به واسطه تغییر چیدمان کلاس، می‌توان تخته کلاس را حرکت داد. با این کار، گویی هم تخته را در هر جایی داریم و هم آزادی عمل بیشتری به کارگروهی دانش‌آموزان و معلمان می‌دهیم. حال برای هدر نرفتن وقت معلم و این که لازم نباشد هر بار چیدمان کلاسش را مطابق با روش تدریسش عوض کند، تصمیم گرفته‌ایم برخی از کلاس‌ها را یک جور چیدمان کنیم و برخی را به گونه‌ای دیگر. با این تنوع چیدمان در کلاس‌های مختلف، گویی میلمان‌های متفاوتی را در آن واحد داریم که با هماهنگی معلمان می‌توان از هر کلاس در هر زنگ درسی استفاده خاصی کرد. مثلاً معلمی برای فلان درس، از یک چیدمان استفاده می‌کند و برای درس بعدی، چیدمان دیگری را انتخاب می‌کند. با برنامه‌ریزی بین درس‌ها و معلمان می‌توان از کل کلاس‌ها استفاده‌های مطلوبی کرد.

### فضای دیده شدن

در این تنوع چیدمان و فضا، دانش‌آموزان بیشتر از همه آشکار هستند و وقتی آن‌ها بیشتر دیده شوند یعنی توانایی‌هایشان بیشتر دیده می‌شود و این یعنی قادریم بفهمیم کدام یک از دانش‌آموزان ما چه توانایی‌های بالقوه یا بالفعلی دارد (نظریه انواع هوش گاردنر). وقتی تنوع چیدمان داشته باشیم، پس حتماً قادر خواهیم بود تنوع جنس میلمان نیز داشته باشیم. مثلاً به جای دو یا سه نیمکت از کلاس، دو سه میلمان نرم در بخشی از کلاس قرار دهیم. این کار باعث می‌شود، بچه‌هایی که توانایی‌های ویژه یا مشکل‌های جسمی دارند از این میلمان‌ها استفاده نمایند. حتی ممکن است برخی از دانش‌آموزان که شاید تعداد آن‌ها در یک مدرسه کمتر از ده نفر باشد، نیاز به معلم همراه داشته باشند. مانند دانش‌آموزان نیمه‌شنوا و نیمه‌بینا که مایلند در مدرسه‌های عادی درس بخوانند اما به دلیل یکسان بودن میلمان و یک شکل بودن کلاس‌ها به سختی در این آرایش قرار می‌گیرند و نه آن‌ها در کلاس درس راحت هستند و نه معلمان و بچه‌های عادی.

### قطار یادگیری

به همین دلیل با تنوع چیدمان و تنوع جنس میلمان مشکل ادغام بچه‌های با مشکلات ویژه و دانش‌آموزان عادی نیز حل می‌شود. حال یک نگاه کلی به کلاس درس بیندازیم مادر این کلاس میز معلم را حذف کردیم. تخته سیاه را در صورت لزوم سیار کردیم. چیدمان‌ها را مدام عوض کردیم و هر کلاس سعی کرد بتواند به جای هشت مدل تغییر در چیدمان یکی یا دو مدل داشته باشد تا بتوانیم تمام این چیدمان‌ها را در یک زمان دارا باشیم. تنوع فضایی را برای بچه‌ها ایجاد کردیم. بچه‌ها گاهی می‌توانند فضاهای گوناگون را برای درس‌های گوناگون یا برای روش تدریس‌های متنوع تجربه کنند. بیشتر بچه‌ها را توانستیم ببینیم و مقوله «یادگیری» در این کلاس‌ها بیشتر دیده می‌شود. ایستگاه‌های کاری معلم را اضافه کردیم و عملاً

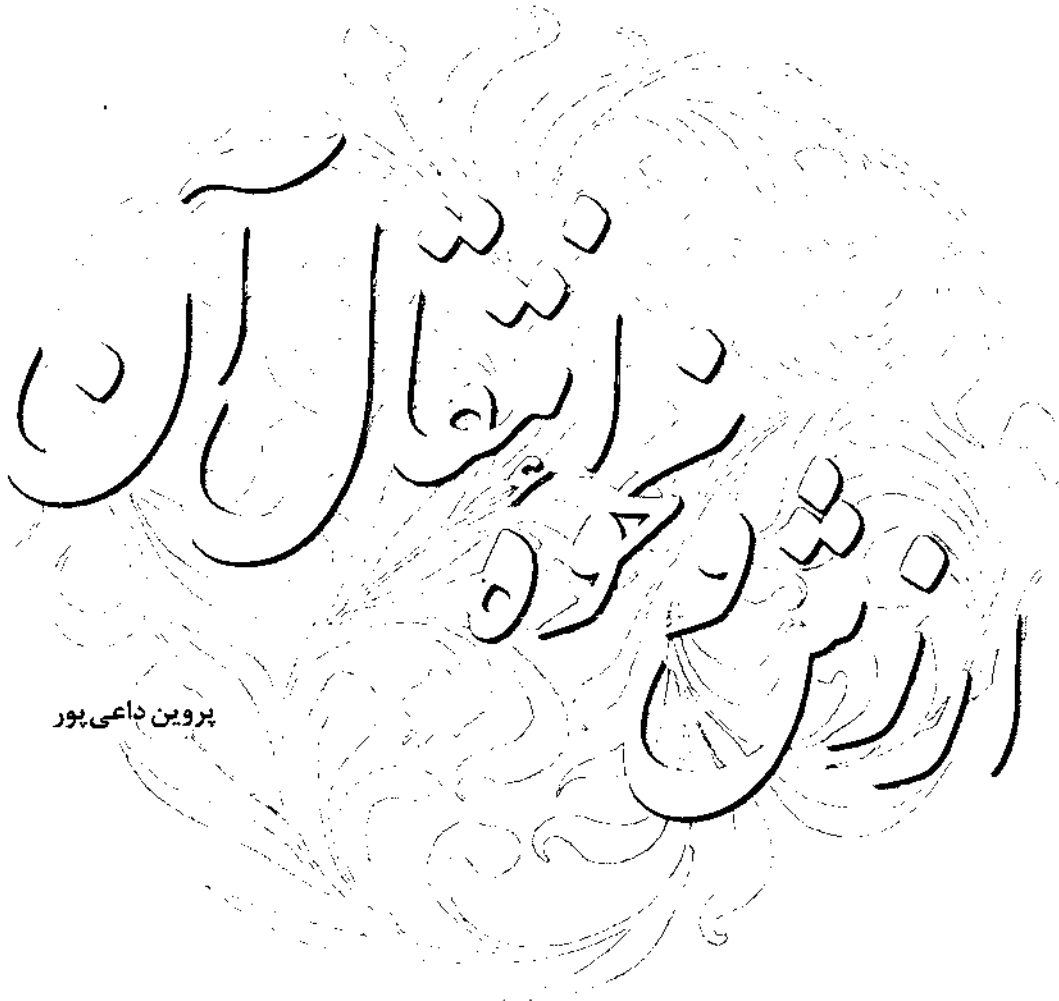
یا ناخواسته باعث شدیم که سه یا چهار کلاس با هم کار کنند و در جریان کارهای یکدیگر قرار بگیرند. این باعث شد بخشی از راهروها که جلوی درب این کلاس‌ها بود، فعال‌تر شوند و به فضاهای پاتوقی مناسبی برای زمان‌های تفریح تبدیل شوند. پس کلاس با فرم قبلی چه می‌شود؟ آیا چیزی هم از آن باقی مانده است؟ واقعیت مطلب این است که اگر ما بخواهیم با روش‌های نوین تدریس کار کنیم، همه آن‌ها را در قالب مدرسه‌های فعلی (یک راهروی طولانی با کلاس‌هایی که در دو طرف آن به صورت قطاری کنار هم چیده شده‌اند) نمی‌توانیم تجربه کنیم. این قالب تنها مناسب روش معلم محوری است. چیزی که از کلاس درس سنتی باقی می‌ماند، همان چهار دیواری است که در برخی موارد مجبور خواهیم شد این دیوارها را نیز جابه‌جا کنیم.

### بت‌شکنی

دوباره این پرسش را تکرار می‌کنم: اگر ما این همه تغییر را در یک کلاس لحاظ کنیم، آیا لزومی به حفظ کلاس درس با شکل سنتی داریم؟ آیا نباید برای تغییرات اساسی، ساختارهای رنگ و رو رفته را کنار زده و به مدل‌های جدیدی برسیم؟ وقتی کلاس درس سنتی را کنار می‌گذاریم، در حقیقت آن چه را که از محیط فیزیکی یک «مدرسه» در ذهن خود تجسم کرده بودیم، شکست می‌خوریم. آن چیزی که باعث می‌شد فکر کنیم، تمامی یادگیری‌ها، درس دادن‌ها و آموزش در یک مدرسه در کلاس درس انجام می‌شود. وقتی شما این بت را در ذهن خود شکستید، می‌توانید برخی از این چیدمان‌ها را که به سختی در کلاس درس جای می‌گرفت در جاهای دیگر مدرسه استفاده کنید؛ (شکل ۳) یعنی فضاهای جدید آموزشی به غیر از کلاس درس، کتاب‌خانه، آزمایشگاه و... تعریف کنید. یعنی معلم خلاق ما توانمندتر از گذشته می‌شود و می‌تواند از تمامی فضاهای یک مدرسه در جهت آموزش بهره‌بردار. منتظر شماره بعدی ما باشید.

ما باید چیدمانی داشته باشیم که بتوانیم همه دانش‌آموزان را با توانایی‌های متفاوت ببینیم

تهدید، اجبار، تلقین یا متقاعد کردن؛ کدام یک؟



پروین داعی پور

ارزش چیست؟

اتفاقات زیادی، والدین و اولیای تربیتی را نگران و متحیر می‌سازد که بالاخره کی فرزند یا دانش‌آموز ما بزرگ می‌شود یا کی یاد خواهد گرفت که مسئولیت‌هایش را مهم بشمارد و کارهایش را بدون تذکر یا فشار ما انجام دهد. این احساس زمانی شکل می‌گیرد که بزرگسالان با رفتاری از نوجوان خود روبه‌رو می‌شوند که منعکس‌کننده احترام یا پای‌بندی آن‌ها به اصول و امور مهم والدین یا معلمان نیست. به عبارت دیگر، ارزش‌های خانوادگی یا اعتقادی آن‌ها رعایت نشده است. بهترین مثال در این باره، زمانی است که بچه‌ها به وظایف و مسئولیت‌های خود بی‌اعتنایی می‌کنند یا متفاوت عمل نمایند. تذکر «پاشو، وسایلت را جمع کن!» یا پاسخ «باشه، الان...» سرسری گرفته می‌شود

گوش‌ها از کلمه ارزش پر است و خیلی‌ها درباره نحوه انتقال آن چیزی نمی‌دانند. نه این که ادعا داشته باشیم در این هنگامه دقیقاً به مفهوم و نوع انتقال ارزش واقف هستیم، اما چون برای خود ما سؤال پیش آمد، خواندیم، فکر کردیم و آن را با دیگران در میان گذاشتیم، برایمان گفتند و نوشتند تا به نکات کوچک کاربردی رسیدیم که به نظر می‌رسد دانستنش به اولیای تربیتی کمک می‌کند تا حداقل بدانند اصلاً ارزش یعنی چه و نحوه انتقالش چگونه است. شاید در پی خواندن آن به اهمیت این موضوع بیشتر پی ببرند، فکر کنند و خود به راه‌های بهتری دست یازند.

و با یادآوری مجدد و در بعضی مواقع قیل و قال، کار با کراهت انجام می‌شود و شاید هم نشود. این جاست که والد می‌ماند تا کی بایستی وظایف کوچک را یادآوری کند؟ پس فرزند او کی احساس مسئولیت پیدا می‌کند. یا معلمی که مدام بایستی به گوش شاگردانش بخواند، به طوری که اگر تذکر داد و دنبال کرد نتیجه‌اش را می‌بیند؛ اما به محض این که رها می‌سازد، سطح رفتار یا توان تحصیلی به همان نقطه اول برمی‌گردد. در این صورت معلم درمی‌ماند که تا کی بایستی مدام این شاگرد را کنترل و مدیریت کنم؟ چرا متوجه خیر و صلاح و آینده خودش نیست؟

احساس مسئولیت، رعایت حق دیگران، احترام به خود و دیگران، اهمیت به قواعد خانوادگی و اجتماعی، انجام وظایف محوله و دهها مورد دیگر، ارزش‌هایی محسوب می‌شوند که خانواده یا مدرسه واجد آن هستند و مایلند این ارزش‌ها را در فرزندان و شاگردان خود نیز ببینند

### ارزش یا عقاید

ارزش‌ها، همان عقاید، باورها و اصولی هستند که از نظر فرد پررنگ می‌تمایند. همان کیفیات و ایده‌هایی هستند که افراد احساس عمیقی در مورد آن‌ها دارند و اگر از خیلی امور بگذرند از این‌ها نمی‌توانند دست بردارند. ارزش مفهومی است که فرد آزادانه انتخاب می‌کند؛ هر چند تعالیم خانوادگی و تجارب متعدد بر روی آن تأثیر زیادی دارند. مجموعه ارزش‌هایی که فرد از منابع متعدد کسب می‌کند، «نظام ارزشی» او را می‌سازد. با تکیه بر این نظام ارزشی است که فرد با یک موضوع موافقت یا مخالفت می‌کند، درباره اتفاقات یا دیگران دست به قضاوت می‌زند، مطابق با آن‌ها تصمیم می‌گیرد، رفتار خود را هدایت می‌کند، هم‌صحبت خود را برمی‌گزیند، افرادی را به عنوان دوست یا شریک زندگی انتخاب می‌کند و... یعنی ارزش و نظام ارزشی تقریباً همه جوانب زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

خانواده مهم‌ترین و قوی‌ترین منبع کسب ارزش‌ها محسوب می‌شود. بچه‌ها ارزش‌های شخصی و اجتماعی را در وهله اول از خانواده فرا می‌گیرند. بعد بر اثر تعاملی که با مدرسه، اطرافیان، فرهنگ و تعالیم مذهبی پیدا می‌کنند، آن را تکمیل ساخته یا تغییر می‌دهند. ارزش‌ها در افسراد متفاوت‌اند و به همین لحاظ نسبی‌اند؛ یعنی با گذر زمان و شرایط می‌توانند تغییر

کنند. انسان‌ها اعمالی را انجام می‌دهند که ارزش‌هایشان با آن مطابقت دارد و از اعمالی که با ارزش‌هایشان در تضاد و تعارض است، پرهیز می‌کنند. انسان‌ها درباره ارزش‌هایشان با یکدیگر به گفت‌وگو می‌پردازند و از آن دفاع می‌کنند و اگر براساس آن عمل نکنند، دچار احساس گناه می‌شوند. افراد براساس ارزش‌هایشان رفتار می‌کنند، تصمیم می‌گیرند، دست به قضاوت و ارزیابی می‌زنند و خلاصه کلام زندگی می‌کنند.

برای مثال، اگر در خانواده‌ای «رسیدن به تحصیلات عالیه برای دختر و پسر» یک ارزش باشد، آن‌گاه به دنبال بهترین مدرسه‌اند؛ هزینه می‌کنند، در صورت لزوم معلم می‌گیرند، شرایط خانه را به سود خود تغییر می‌دهند، تشویق می‌کنند و...

یا اگر برای کسی «حفظ سلامتی» ارزش باشد، آن‌گاه به طور منظم ورزش می‌کند، رژیم غذایی مناسب را در پیش می‌گیرد، از مواد مخدر، سیگار و الکل دوری می‌جوید و به مصرف درست میوه و سبزیجات روی می‌آورد.

### پی‌ریزی ساختمان ارزش‌ها

آرزوی اولیای تربیتی آن است که فرزندان‌شان را پای‌بند ارزش‌هایشان ببینند. شروع جدی شکل‌گیری نظام ارزشی هم‌زمان با دوره نوجوانی یا همان دوره «هویت‌یابی» است. نوجوانان با دقت در رفتار اولیای خود و متناسب با شخصیت و تجارب خود تعدادی از ارزش‌ها را می‌پذیرند و ممکن است در مقابل تعدادی دیگر مقاومت نشان دهند. در مواقعی هم نوجوانان به علت فشار گروه هم‌سالان، تقلید، سرکشی در مقابل بزرگ‌سالان و یا حتی فشارهای اجتماعی برخلاف ارزش‌هایشان عمل می‌کنند. بنابراین بایستی صبور بود و اجازه داد تا فرایند شکل‌گیری این نظام به پایان رسد. به طور معمول، انتظار می‌رود با پایان دوره نوجوانی و با شناختی که او از خود پیدا کرده، نظام ارزشی نیز شکل گرفته باشد.

### مراحل تدریجی انتقال ارزش‌ها

نکته و سؤال مهم برای اولیای تربیتی چگونگی انتقال ارزش‌هاست؛ این که چگونه بدون فشار یا تهدید یا اجبار یا تلقین و القا و حتی تقلیدهای کورکورانه می‌توان نوجوان را در پیروی از ارزش‌ها متقاعد کرد؟ تا وقتی که بالاخره درمی‌یابند راهش آرام آرام خوراندن، چکه چکه ریختن،

نوجوانان با دقت در رفتار اولیای خود و متناسب با شخصیت و تجارب خود تعدادی از ارزش‌ها را می‌پذیرند

کم کم فهماندن، به تدریج دادن و آهسته آهسته تزریق کردن است.

اولین قدم در انتقال ارزش‌ها، شناخت آن‌هاست. به عبارت دیگر، مربی باید بداند دقیقاً چه مسائلی برایش مهم است و ترتیب و اولویت رعایت آن‌ها در نزد خودش چیست. پیداست که یافتن و فهرست کردن این ارزش‌ها مستلزم اندیشیدن به آن‌هاست. در مواردی که فرد یا افراد دیگری در این انتقال ارزش‌ها به فرزند او شریکند، آن‌گاه بایستی آنان را هم شریک نامید و با هم فهرست کرد. یعنی در خانه، پدر و مادر هر دو بایستی به ارزش‌های خود بیندیشند و با هم به توافق برسند که کدام از نظر آن‌ها مهم بوده و مایلند آن را به فرزندشان انتقال دهند. از سوی دیگر، اولیای یک مدرسه ابتدا بایستی با هم به توافق برسند که به عنوان مثال در رفتار فلان دانش‌آموز چه ارزش‌هایی را مایلند ببینند، تا آن را به کمک هم فهرست کنند و با افراد مؤثر مانند معلمان در میان بگذارند.

برای مثال در خانواده آقای فلانی پدر و مادر هر دو اهل مطالعه‌اند و مطالعه برایشان مهم است؛ یعنی برای هر دو ارزشی مهم است و مایلند این ارزش را به فرزندشان نیز منتقل کنند. این دو در این مورد صحبت و توافق کرده‌اند که برای تحقق این موضوع با هم کار کنند.

#### ارزش‌های مدرسه‌ای

در مدرسه، اولیای مدرسه‌ای در جمع‌بندی تجارب و نظرات معلمان خود به این نتیجه رسیده‌اند که اخیراً احترام لازم و کافی از جانب دانش‌آموزان نسبت به معلمان رعایت نمی‌شود؛ از این‌رو درونی کردن این ارزش، یعنی احترام به بزرگ‌ترها خصوصاً به معلمان و اولیای مدرسه از ارزش‌هایی است که در فهرست انتقال به دانش‌آموزان قرار گرفته است.

این اولین قدم در نحوه انتقال ارزش به فرزندان یا دانش‌آموزان است. اما تجربه نشان داده که گاهی افراد در تشخیص ارزش‌های خود دچار سردرگمی می‌شوند یا در یافتن آن مرعوب جو یا تابع جمع هستند. بایستی وقت گذاشته انتظار نداریم با کمی فکر کردن سریعاً به فهرست برسیم. در گفت‌وگو با معلمان و اولیا گاهی برای این که نقطه شروعی برای فکر کردن در گروه داشته باشیم، از سوالات خیالی استفاده می‌کنیم. این سوالات ساده فانتزی، به طور غیرمستقیم نظام ارزشی فرد را به چالش می‌گیرد

و کمک می‌کند به آن چه برایش مهم است بیندیشد. نمونه سوالات در خاتمه زیر ارائه شده است. اگر قادر باشید تا شماره بعد که دیگر مراحل انتقال نیز گفته می‌شود، با خود خلوتی داشته باشید و ببینید ارزش‌هایتان چیست و به عنوان یک والد و یک معلم دوست دارید کدام ارزش را به فرزند یا دانش‌آموز خود انتقال دهید، از سوالات زیر می‌توانید برای شروع استفاده کنید.

#### به این سوالات پاسخ دهید.

۱. به شما یک روز آزاد و فارغ از هرگونه مسئولیت و کار اعطا می‌شود؛ دوست دارید در چنین روزی چه بکنید؟
۲. اگر مبلغ ۱۰۰ میلیون به شما می‌دادند و شما مجبور به خرج کردن آن در ۲۴ ساعت بودید، با آن چه چیز(ها) را تهیه می‌کردید؟
۳. اگر شما را به یک جزیره متروکه انتقال می‌دادند و می‌گفتند فقط سه چیز می‌توانید به همراه خود ببرید، چه چیزهایی را با خود می‌بردید؟
۴. اگر به شما بگویند سه آرزو کنید، حتماً برآورده می‌شود، شما چه آرزوهایی می‌کردید؟
۵. سه خصوصیت رفتاری و اخلاقی که در دیگران می‌پسندید و مایلید بیشتر در خود رشد دهید، چیست؟
۶. اگر دور از جهان (ان‌شاءالله که هزارساله باشید) به شما بگویند که فقط دو روز از عمرتان باقی مانده، کدام یک از اعمال عقب افتاده‌تان را انجام می‌دادید؟
۷. اگر اجازه سه درخواست از فرزند/شاگردتان می‌داشتید و آن‌ها ملزم به اجابت بودند، آن سه درخواست چه می‌بود؟
۸. اگر می‌توانستید یک چیز را در دنیا تغییر دهید، آن چیز چه بود؟

انسان‌ها اعمالی را انجام می‌دهند که ارزش‌هایشان با آن مطابقت دارد

شماره ۳ آذر ۹۰

# مسئولیت پذیری

گزارش: سمانه آزاد

رفتار مسئولانه یعنی ما به گونه‌ای به هدفمان برسیم که مانع فرد دیگری برای رسیدن به هدفش نباشیم

راه حل در مغز بچه‌هاست



نقش گزارش‌دهنده

در شماره قبل آموختیم که هر رفتاری از چهار جزء فکر، عمل، احساس و فیزیولوژی تشکیل شده و ما به عنوان معلم برای دعوت به مسئولیت‌پذیری و تغییر رفتار، باید از مؤلفه‌های فکر و عمل شروع کرد، اما سؤال مهم این است که باید متوجه باشیم که فرصت انتخاب را از دانش‌آموزان سلب نکنیم. در ادامه این گزارش، به تفاوت‌ها بین معلمان و دانش‌آموزان و چگونگی ایجاد هماهنگی بین آن‌ها می‌پردازیم.

به تفریح و خوش‌گذرانی فکر می‌کنند. در چنین موقعیتی، ما و بچه‌ها اختلاف ارزش داریم یا اختلاف خواسته؟ صاحبی به این سؤال چنین جواب داد:

تفاوت ارزش با خواسته؟ گاه ما به عنوان معلم یا سرپرست در موقعیت خاصی قرار می‌گیریم. مانند زمانی که به فکر تدریس و پیشرفت بچه‌ها هستیم، در حالی که آن‌ها

ما با بچه‌ها اختلاف ارزش نداریم، اختلاف خواسته داریم؛ علاقه‌های ما با هم تفاوت دارد



است، کنترل کنیم (یعنی به قالبی که ما می‌پسندیم درآوریم) یا گاهی اوقات بچه دست به روان‌شناسی کنترل بیرونی می‌زند و می‌خواهد معلم یا والدین را کنترل کند (یا به قالب خود درآورد).

اگر نظریه انتخاب را بدانیم، می‌توانیم یا کسی که نیازش با ما در تعارض است، گفت‌وگو کنیم. چون کنترل بیرونی مانند مواد مخدر در کوتاه مدت اثربخش است. انتقاد، سرزنش، خشم، تنبیه و تهدید که معمولاً والدین یا معلم انجام می‌دهند، در بلند مدت اثر مثبتی نخواهد داشت.

حتماً برای شما نیز پیش آمده که دلیل پر خاشگری یکی از دانش‌آموزانتان را محیط متشنج خانوادگی‌اش بدانید صاحبی اعتقاد دارد که گرچه نمی‌توان منکر تأثیر محیط بود، اما در نهایت محیط تعیین‌کننده رفتار نیست: «دانش‌آموز ما، حتماً در نظام خانواده زندگی می‌کند و قطعاً از آن تأثیر می‌پذیرد، اما نظام رفتار او را تعیین نمی‌کند. ما در نظریه انتخاب نمی‌گوییم محیط و گذشته بر رفتار ما تأثیر نمی‌گذارد، بلکه می‌گوییم محیط رفتار ما را تعیین نمی‌کند. بین تأثیر گذاشتن و تعیین کردن رفتار، تفاوت وجود دارد.

حتی درباره جنبه وراثتی نیازها هم باید گفت، گرچه وراثت، گونه نیازهای شما را تعیین کرده‌اند، اما رفتار شما را تعیین نکرده است. برای مثال، این که شما انسانی بیش از اندازه آزادی‌خواه یا قدرتمند هستید، موضوعی است که ژنتیک شما آن را تعیین کرده، اما رفتار شما را تعیین نکرده است. یعنی ظرف نیاز به آزادی به شما داده شده است، اما این که چگونه آن ظرف را پر کنید، به خودتان بستگی دارد. ژن ممکن است برای ما محدودیت‌هایی ایجاد کند، اما این محدودیت‌ها ظرفیتی هستند نه رفتاری. یعنی «ظرف نیاز» به خودی خود نمی‌تواند رفتاری را در شما ایجاد و شما را محدود کند.

اما اگر دانش‌آموز یا فرزندمان تمام وقت و انرژی‌اش را به ارضای تنها یکی از نیازهایش (مثل نیاز به آزادی) معطوف کرد و به نیازهای دیگرش توجه نکرد، چه کنیم؟ این جا ما باید به عنوان معلم، مربی یا والد، بدانیم که دانش‌آموز یا فرزندمان چه نیازهایی دارد. حتی گاهی خود نیز به نیازهایش آگاه نیست. آن‌گاه باید در معرض فعالیت‌هایی قرارش دهیم که نیازهای گوناگون تأمین شود.

### ارزیابی شخصی: نقطه اصلی تغییر

یکی از پرسش‌های اساسی این است که نظریه انتخاب چه راهکارهایی به معلمان ارائه می‌دهد تا بتوانند به دانش‌آموزان کمک کنند که رفتاری مسئولانه داشته باشند؟ صاحبی اعتقاد دارد با چند پرسش می‌توان بچه‌ها را به ارزیابی شخصی رساند؛ همان جایی که نقطه اصلی تغییر است: «ما معتقدیم، وظیفه روان‌شناسی آموزش به

«ما هیچ تفاوت ارزشی با دانش‌آموزان و فرزندانمان نداریم. ارزش اگر واقعاً ارزش باشد، همان است که در ادبیات جهان آمده است و همه مذاهب هم به آن صحنه گذاشته‌اند. ۱۲۰ ارزش جهانی وجود دارد و همه آثار مذهبی، اخلاقی و فلسفی آن‌ها را تأیید کرده‌اند. البته می‌توان ارزش‌ها را اولویت‌بندی کرد.

### تفاوت خواسته‌ها

بنابراین، ما با بچه‌ها اختلاف ارزش نداریم، اختلاف خواسته داریم. علاقه‌های ما با هم تفاوت دارد. یعنی آن چه ما می‌خواهیم، با آن چه مدنظر آن‌هاست، متفاوت است. چون نیاز ما به عنوان معلم یا پدر و مادر، هم پیشرفت و هم فکر کردن به کیفیت است، در حالی که بچه‌ها به شوخی و تفریح و خوش گذرانی در مدرسه می‌اندیشند. یعنی در یک زمان خاص، به دو نیاز گوناگون فکر می‌کنیم. به همین دلیل هم می‌گوییم معمولاً دو نوع تعارض در زندگی ما به وجود می‌آید:

۱. زمانی که میان نیازهای خودمان تعارض ایجاد می‌شود. در این صورت، اگر نظریه انتخاب را بدانیم، میان نیازهایمان گفت‌وگو برقرار می‌کنیم تا به گونه‌ای با هم کنار آمده و ارضای یکی را برگزینیم.
۲. زمانی که خواسته ما با خواسته فرد دیگر در تعارض قرار می‌گیرد. مثلاً یکی می‌خواهد یاد بگیرد یا یاد بدهد و به دنبال یادگیری و پیشرفت است، ولی من به آزادی نیاز دارم و نمی‌خواهم سر کلاس باشم. این جاست که نیازهایمان در تعارض قرار می‌گیرد. گلسر معتقد است، ما معمولاً در این موارد به روان‌شناسی کنترل بیرونی متوسل می‌شویم و می‌خواهیم بچه‌ای را که نیازش با ما در تعارض

شما نمی‌توانید تصاویر دنیای کیفی هیچ کسی را با شکنجه، زور، تهدید یا حتی تشویق، از او بگیرید یا تغییر دهید. تنها از طریق گفت‌وگو می‌توانید این کار را انجام دهید

افراد است. گلسر می گوید ما مردم را درمان نمی کنیم، بلکه فقط آموزش می دهیم. برای مثال، دانش آموزی را در نظر بگیرید که در محیط خانوادگی دائماً دعوای پدر و مادر را می بیند یا حتی کنک می خورد، در محل هم با او بدرفتاری می شود یا در مدرسه به خاطر مشخصه های ظاهری اش، مطلوب بچه های دیگر نیست. به یاد داشته باشید، این دانش آموز مانند دیگران پنج نیاز اساسی دارد که می کوشد آن ها را با رفتارهایش تأمین کند. اما گاهی این رفتارها غیرمسئولانه یا نامؤثر هستند. رفتار مسئولانه یعنی ما به گونه ای به هدفمان برسیم که مانع فرد دیگری برای رسیدن به هدفش نباشیم. این که ما نیاز خودمان را با هزینه دیگران تأمین می کنیم، پیامدهای بدی دارد. این رفتار در نظریه انتخاب نکوهیده است. به همین دلیل نیز این نظریه اخلاق مدار نامیده شده است.»

### مسئولیت پذیری

هدف ما در نظریه انتخاب این است که به فرزند و دانش آموزمان یاد بدهیم از طریق مسئولیت پذیری بیشتر نسبت به رفتار و خواسته های خود و نیز ارزیابی شخصی، برای ارضای نیازهای برنامه و نقش های جدید و مؤثر داشته باشد. چرا که تنها زمانی فرد رفتارش را تغییر می دهد که خودش به این ارزیابی برسد که «رفتاری که من انجام می دهم، مرا به آن چه می خواهم نمی رساند.» برای همین گلسر می گوید، نقطه اصلی تغییر، ارزیابی شخصی است. برای رسیدن به این نقطه، باید از راهکارهای واقعیت درمانی استفاده کرد.

با چند پرسش، می توانید فرد را به جایی برسانید که خودش را ارزیابی کند: من چه می خواهم؟ یا به دنبال چه هستم؟ برای رسیدن به آن چه می خواهم چه کاری انجام می دهم؟ آیا این کار مؤثر است؟ اگر نیست، پس چه کار دیگری می توانم انجام دهم؟ برای این کار به طرح و برنامه جدید نیاز دارم.

در اجرای این برنامه جدید، شما هم باید هم پای دانش آموز، بر اجرای دقیق برنامه نظارت داشته باشید.

### راه حل در مغز بچه ها است

صاحبی در جمع بندی سخنان خود گفت: «به یاد داشته باشید که همه بچه ها می خواهند نیازهایشان را تأمین کنند. هدف ما هم این است که به آن ها یاد دهیم به گونه ای نیازهایشان را تأمین کنند که: ۱. با قوانین و مقررات مغایرت نداشته باشد؛ ۲. مانع نیازهای دیگران نشود؛ ۳. به پیشرفت خودشان ضربه نزند و پیامدهای منفی کوتاه مدت یا بلند مدت برای آن ها و دیگری در پی نداشته باشد. برای رسیدن به این هدف، لازم است که کلاس درس

را به کلاس نظریه انتخاب تبدیل کنیم. به این ترتیب، بچه ها برای رسیدن به هدفشان، رفتارهای مؤثر و مناسب تری انتخاب می کنند. شما به عنوان معلم یا پدر و مادر مطمئن باشید که تمام رفتار بچه ها هدف دارد، هدف هم تأمین خواسته است. خواسته هم یعنی یکی از نیازها. شما فقط باید بدانید که دانش آموز به دنبال کدام خواسته اش، این رفتار را بروز می دهد. گاهی بچه ها به اشتباه فکر می کنند رفتارشان به تأمین خواسته شان می انجامد. در حالی که آن رفتار ممکن است برای کودک مشکل آفرین باشد. از بچه ها به گونه ای پرسش کنید که بتوانند خودشان را ارزیابی کنند که «آیا رفتاری که انجام می دهم، مرا به آن چه می خواهم می رساند یا نه؟» این را بدانید که راه حل در مغز و فکر بچه ها وجود دارد. ما فقط باید با پرسیدن پرسش های گلسری به آن ها کمک کنیم تا راه حل را پیدا کنند. در کلاسی که به روش نظریه انتخاب اداره می شود، از آن جا که بچه ها خودشان رفتارشان را انتخاب می کنند، می دانند که مسئول پیامدهای آن هم هستند. اما آزاد نیستند که در هر زمانی هر انتخابی داشته باشند. ضمن این که نباید هزینه انتخاب هایشان بر دوش دیگران باشد. به این ترتیب، بچه ها در عین این که با ما هم می آشنایند، می توانند به آزادی که ازادی در هیچ جامعه و زمانی مطلق نیست و آزادی ما برای برآورده شدن نیازهای خودمان و دیگران محدود می شود.

### نظریه انتخاب و محیط مثبت مدرسه

نکته ای که بر گزیدن نظریه انتخاب را برای معلمان راحت می کند، این است که این نظریه به شما توضیح می دهد که معلم و نظام مدرسه باید به گونه ای با بچه ها ارتباط برقرار کند و محیط مثبتی را بسازد که مدرسه، مربیان و معلمان، در دنیای مطلوب دانش آموز قرار گیرند. در آن صورت، مدرسه جزئی از خواسته های بچه ها قرار می گیرد. زمانی که مدرسه بخشی از دنیای مطلوب دانش آموز نیست، شما چه تنبیه کنید و چه تشویق، فرقی ندارد. شما نمی توانید تصاویر دنیای کیفی هیچ کسی را با شکنجه، زور، تهدید یا حتی تشویق، از او بگیرید یا تغییر دهید. تنها از طریق گفت و گو می توانید این کار را انجام دهید.»

البته وقتی از پیاده کردن نظریه انتخاب صحبت می کنیم، یعنی همه نظام باید بر این اساس عمل کند؛ علاوه بر مدرسه، خانواده نیز باید در جریان آموزش های این نظریه باشد. چون اگر بچه ها در مدرسه براساس این نظریه تربیت شوند، ولی در خانه و خانواده، کنترل بیرونی بر آن ها اعمال شود، دچار تعارضاتی می شوند که آزارشان خواهد داد. هدف مدارس گلسری این است که این آموزش ها از دوره پیش دبستان شروع شود، چون در این صورت، در آینده مشکلات کمتری خواهیم داشت.

گلسر می گوید ما مردم را درمان نمی کنیم، بلکه فقط آموزش می دهیم

تمام رفتار بچه ها هدف دارد، هدف هم تأمین خواسته است



# گزارش و گزارش‌نویسی

جعفر ربانی

نوشتن و کارکرد آن در مدارس بسیار زیاد است. می‌دانید که گزارش و گزاردن در لغت به معنی خیر دادن و پیام رساندن است، و مسلم است که خبررسان یا پیام‌گزار هم باید صادق باشد یعنی چیزی را خلاف آن چه که روی داده است نباید گزارش کند. بنابراین از یک خیر ساده روزنامه یا رادیو گرفته تا آن چه یک گزارشگر ورزشی در یک ساعت به همه مخاطبان اطلاع می‌دهد، گزارش نام دارد. البته منظور ما در این نوشته گزارش مکتوب و نوشته شده است نه گزارش شفاهی.

آن چه وجه مشترک همه گزارش‌ها را تشکیل می‌دهد، این است که همه مبتنی بر مشاهداتند. به عبارت دیگر، گزارشگر همان مشاهده‌گر است که نتیجه مشاهدات و یافته‌ها و تجربه‌ها و دیده‌ها و شنیده‌ها و کرده‌های خود را به صورت مکتوب در می‌آورد و به مخاطب می‌رساند. بنابراین گزارش با تفسیر و تحلیل و استدلال و مقاله‌نویسی و... متفاوت است. به همین دلیل است که هیچ کس یک گزارش را نمی‌تواند تغییر دهد، مگر این که به طریقی مطمئن شود گزارنده گزارش یا نویسنده آن، موردی را به اشتباه نوشته است. گزارش‌نویسی امروزه تا آن جا اهمیت یافته که خود یکی از رشته‌ها یا درس‌های روزنامه‌نگاری در دانشگاه‌ها شده است.

هرگاه از معلمان می‌خواهیم که تجارب ارزشمند خود را برای آگاهی سایر همکارانشان بنویسند با کمی خجالت می‌گویند «نوشتن کار سخت و دشواری است.» در حالی که حق مطلب این است که «هر معلمی باید نویسنده باشد» بر این اساس از شما دعوت می‌کنیم تا در «کلاس نوشتن» حضور پیدا کنید تا با یادگیری این مهارت بنیادی، میراث ماندگاری از خود بر جا بگذاریم. در دو بخش پیشین، از نوشتن «خاطره» و «مشاهده و تجربه» گفتیم و اکنون به چگونگی «گزارش‌نویسی» می‌پردازیم.

از یاد نبریم که در اولین نوشتار از قول دکتر نادر وزین‌پور آوردیم که: برای نوشتن باید سه گام برداشت: و گام دوم این بود: اعتمادبنفس و اجتناب از بیم و هراس بیهوده که یادگار دوره تحصیل در مدرسه است. در شماره پیش هم به شما یادآور شدیم که از خواندن سفرنامه‌ها غافل نشوید و به ویژه سفرنامه ابن بطوطه را نام بردیم. و اما گزارش و گزارش‌نویسی، این که ما نوشتن درباره «گزارش و گزارش‌نویسی» را در این مجموعه آوردیم به دلیل آن است که سوره‌های این نوع



## انواع گزارش

گزارش دو نوع است: فردی یا شخصی و غیرفردی یا رسمی.

گزارش فردی مطالبی است که شخص برای خودش - به صورت خاطره، یادداشت، روایت و... - می‌نویسد و در مورد نوشتن آن به کسی پاسخگو نیست. مگر این که آن را در معرض مطالعه دیگری یا انتشار عمومی قرار دهد که طبعاً دیگر نمی‌توان آن را گزارش فردی داشت.

اما گزارش رسمی، نوشته‌ای است که نویسنده ملزم به ارائه آن به دیگران است. به عبارت دیگر، گزارش رسمی، وظیفه‌ای است که بر دوش کسی نهاده می‌شود اعم از این که دبیر جلسه‌ای در مدرسه باشد یا مربی مدرسه که همراه بچه‌ها به سفری می‌رود و یا دانش‌آموزی که باید شرح کارهای انجام داده‌اش را برای معلم بنویسد. به گزارش زیر که نوشته یک دانش‌آموز سال دوم ابتدایی است و من سال‌ها پیش آن را بر حسب تصادف یافتم، دقت کنید:

### خمیر نان

«آقای قاسمی به ما گفته بودند که ما می‌خواهیم طرز درست کردن خمیر نان را به شما یاد بدهیم. نوید ادهم آرد و مقانی مخمر آورده بودند. ما به رحیمی پور گفتیم که برود پایین و آب بیاورد و رفت و آورد. ما کمی آرد در آب ریختیم و هنوز خیلی شل بود. بلاغی گفت: باز هم! باید آب بریزیم و دوباره آرد ریختیم و سفت‌تر شد و دوباره آرد ریختیم و خمیر نان سفت شد. آقای قاسمی آمدند و گفتند حالا مخمر بریزیم (بریزید!) و ریختیم و هم زدیم. آقای قاسمی به مهدوی گفتند برود پایین و کمی نمک بیاورد و رفت و آورد. آقای قاسمی آمدند سر هر میز و گفتند ببینید چه بوی خوبی می‌دهد و ما بو کردیم. و خمیر نان را پلاستیک کشیدیم و پشت پنجره گذاشتیم.»

همان‌طور که می‌بینید، گزارش بسیار ساده و صادقانه نوشته شده و خواننده به راحتی درمی‌یابد که اگر بخواهد خمیر نان درست کند، چه موادی لازم دارد و چگونه باید عمل کند. در دستورالعمل‌هایی که در کتاب‌ها و رساله‌ها در مورد گزارش‌نویسی آورده‌اند، می‌گویند گزارش سه رکن دارد: موضوع، هدف و مخاطب؛ که البته همین‌طور است. ولی ضرورتی ندارد که ما در هر گزارشی سعی کنیم براساس این دستور گزارش بنویسیم. زیرا کسی که گزارش می‌نویسد خود به خود معلوم است که چه، چیزی را، چرا و برای چه می‌نویسد. به قول مولوی:

چون کسی بیلجی به دست بنده داد

بی سخن معلوم شد او را مراد

پس بهتر است راجع به شرایط و چگونگی نوشتن گزارش بنویسیم. بیشترین گزارش‌هایی که معلمان با آن سروکار دارند، گزارش دادن از وضع تحصیلی، اخلاقی و رفتاری

دانش‌آموزان خود - اعم از گزارش مثبت یا منفی - است و این امر به ویژه در دوره راهنمایی مرسوم و از اهمیت بیشتری هم برخوردار است. چرا که دانش‌آموزان در این سنین، خلاق‌تر، فعال‌تر و جویاترند و به همین دلیل خود را در هر زمینه‌ای بروز می‌دهند و مسئله می‌آفرینند. علاوه بر این، گزارش‌هایی از بازدیدها، سفرها، مسابقات ورزشی، مسابقات علمی و... هم معمولاً در کانون توجه قرار دارند. در روزنامه‌های دیواری که بچه‌ها در مدرسه درست می‌کنند می‌توان بعضی از این گزارش‌ها را دید که خود دانش‌آموزان نوشته‌اند.

## اتحاد و جنبه‌های گزارش

گزارش اگر ساده یعنی در حد یک خبر یا یکی دو صفحه نباشد، باید براساس قواعدی تنظیم شود که به شرح زیر است:

۱. مقدمه: شامل نگاه کلی به موضوع، هدف از نوشتن گزارش و اشاره اجمالی به آن‌چه در گزارش خواهد آمد.

۲. پرهیز از سخن‌پردازی و استفاده از لغات و عبارات ادبی غیرلازم؛ گزارش باید ساده و رسا باشد (همان‌طور که در خمیر نان خواندید). در عین حال نویسنده (معلم، مدیر و...) باید تا آن‌جا که می‌تواند از کلمات و واژه‌های مناسب (نه سبک و پیش پا افتاده) در نوشته خود سود ببرد.

۳. توجه به عناصر اصلی در مشاهداتی که مبنای گزارش است (منظور از مشاهدات اعم از دیده‌ها و شنیده‌ها و یافته‌هاست)؛ برای مثال اگر قرار است گزارش مسابقه فوتبال بین دو مدرسه نوشته شود، عناصر آن می‌تواند این‌ها باشد: بازی کتان شاخص، داور، مربی و تماشاگران؛ نه آن‌چه در حاشیه این‌ها می‌گذرد.

۴. سیر منطقی؛ گزارش باید توالی زمانی داشته باشد و وقایع پشت سر هم روایت شوند.

۵. نتیجه‌گیری؛ گزارش باید به گونه‌ای تهیه شود که منتج به نتیجه شود.

این نتیجه را گزارش‌نویس خود می‌تواند بگیرد یا گزارش را طوری بنویسد که قابل نتیجه‌گیری روشنی باشد.

نکته مهم در گزارش‌نویسی، رعایت دقت و در مواردی که ماجرا دو یا چند طرف دارد (مثل مسابقات) رعایت عدل و انصاف است. در واقع گزارش صحیح آن است که اگر چند نفر آن را دور از یکدیگر بنویسند، تفاوت اساسی با هم نداشته باشد چه رسد به این که متناقض باشد.

## اکنون شما

۱. یک یا دو نمونه از بهترین گزارش‌هایی را که دانش‌آموزان شما نوشته‌اند، انتخاب کنید.

۲. موضوعی را در مدرسه یا خارج آن دست‌مایه نوشتن یک گزارش قرار دهید.

نتیجه را برای مجله بفرستید.



گزارشگر همان مشاهده‌گر است که نتیجه مشاهدات و یافته‌ها و تجربه‌ها و دیده‌ها و شنیده‌ها و کرده‌های خود را به صورت مکتوب در می‌آورد و به مخاطب می‌رساند



نقش اولیای مدرسه برای  
صرفه جویی در هزینه‌های فردا

آر. مارک آ. کراندول و کیم کیلوا  
ترجمه: حبیب یوسف زاده

# افسردگی دانش‌آموزان

معدود کسانی که با ریتا رابطه نزدیک داشتند، به علائم هشدار دهنده‌ای اشاره می‌کردند. ریتا به معلم تاریخ خود، خانم شانون<sup>۲</sup> گفته بود، والدین وی دایم دعوا می‌کنند و او علاوه بر احساس بی‌کسی، نگران است که نتواند از عهده انتظارات مدرسه بر بیاید. احساس می‌کرد در خانه تکیه‌گاهی ندارد. پدر و مادرش شاغل بودند و با وجود برادرها و خواهرها، باز هم در خانه احساس تنهایی می‌کرد. او حتی به خانم شانون گفته بود که برای خلاص شدن از این تنهایی به مرگ هم فکر کرده است.

شرایط ریتا نشان‌دهنده علائم بارز افسردگی شایع در کودکان و نوجوانان بود: حالت ناراحتی و کج خلقی مداوم، رخوت بی‌میلی به فعالیت‌های روزانه، حس بی‌هودگی و گناه، حس طردشدگی و احتمالاً میل به خودکشی. افسردگی در کودکان و نوجوانان هم‌چنین ممکن است با تغییر اشتها، کاهش یا افزایش وزن، بدخوابی، پر خاشگیری، رفتارهای تلافی‌جویانه و عدم تمرکز همراه باشد.

وقتی معلمها افسردگی را در یک دانش‌آموز تشخیص می‌دهند و با مداخله مشفقانه در کارها حمایتش می‌کنند، آن دانش‌آموز احساس قدرت و یادگیری بهتری خواهد داشت.

یکی از شاگردانم به نام ریتا<sup>۱</sup> که چهارده سال داشت، در ترم اول سال تحصیلی درس‌هایش حساسی اُفت کرده بود و علاقش را نسبت به بیشتر فعالیت‌های روزانه از دست داده بود. چنان‌که با کوچک‌ترین حرفی اشکش جاری می‌شد و تمرکز نداشت. نمره‌هایش نسبت به قبل خیلی کم شده بود. هیچ دوستی نداشت و با کسی معاشرت نمی‌کرد. بسیار خجالتی بود و هیچ‌یک از علایق معمول دختران نوجوان را نداشت.

آزادی‌های نسبی  
در محیط کلاس به  
دانش‌آموز افسرده  
کمک می‌کند  
تسلط بیشتری بر  
خلق و خوی متغیر  
خود داشته باشد

ارتباط دارد و هر چه میزان افسردگی بیشتر باشد، میل به ادامه تحصیل کمتر است. هم چنین تحمل این افراد در مواجهه با خستگی روحی و افکار منفی پایین است. دانش آموزان افسرده خیلی زود از انجام تکالیف سخت ناامید می شوند و به سرعت در توانایی خود نسبت به انجام مستقل فعالیت های درسی و حل مسائل تردید می کنند. هم چنین، حافظه، فعالیت های حرکتی و قدرت برنامه ریزی آن ها ممکن است کاهش یابد.

اغلب بچه های افسرده بی حالند، به زحمت حرف می زنند و در بیان افکارشان مشکل دارند. قضیه ریتا، سه مسئله را در خصوص تشخیص افسردگی روشن می کند:

۱. علائم افسردگی در نوجوانان به اندازه بزرگسالان قابل تشخیص است و در هر دو گروه سنی نشانه های یکسانی دارد.

۲. آثار زودرنجی و کج خلقی در نوجوانان بیشتر از بزرگسالان به چشم می خورد.

۳. معلم ها اغلب از دانش آموزان افسرده غافل می شوند. زیرا علائمی مانند بد خلقی یا بریشانی اغلب درونی هستند و نمود بیرونی چندانی ندارند. از طرفی دانش آموزان افسرده معمولاً به دلیل افکار منفی خود، درخواست کمک نمی کنند و پیش خود می اندیشند؛ هیچ کس به احساسات من اهمیت نمی دهد. هیچ کس نمی تواند کمکی به من بکند و...

### کمک به دانش آموزان افسرده

از آن جا که افسردگی می تواند فعالیت های تحصیلی دانش آموزان را به طور وسیع تحت تأثیر منفی قرار دهد، مدارس باید امکانات و آموزش هایی برای مربیان در نظر بگیرند تا آن ها بتوانند میزان موفقیت این قبیل دانش آموزان را افزایش دهند. **جدول شماره ۲** اقدامات مؤثر برای مقابله با افسردگی کودکان و نوجوانان را نشان می دهد.

بهترین روش برای این کار، درمان انفرادی است که باید با درایت اولیای مدرسه و درگیر ساختن والدین و مشاوران مدرسه همراه باشد تا روند درمان به صورت تیمی پی گیری شود.

### فراهم کردن یک «سنگ صبور»

ترتیبی داده شد که ریتا با خانم هونت<sup>۱</sup>، کتابدار مدرسه، به طور هفتگی دیدار کند تا در بهبود وضعیت تحصیلی و رفتارهای اجتماعی اش از کمک های او برخوردار شود. دلیل انتخاب خانم هونت این بود که وی به عنوان کتابدار مدرسه به راحتی می توانست با سایر



### تشخیص مشکل ریتا

افسردگی بیشتر یک عارضه بزرگسالانه تلقی می شود و در بین کودکان کمتر به چشم می خورد؛ اما دوره نوجوانی زمانی است که معمولاً اولین نشانه های افسردگی در افراد بروز می کند. تحقیقات نشان داده است که هر چه سن بروز افسردگی پایین تر باشد، شدت آن بیشتر خواهد بود. همان طور که در **جدول شماره ۱** ملاحظه می شود، علائم افسردگی از منظر معلمان، در کودکان و نوجوانان متفاوت است.

در صورتی که افسردگی زود تشخیص داده شود و تحت درمان قرار گیرد، نوجوانان مبتلا، در مدرسه و زندگی اجتماعی شرایط بهتری خواهند داشت.

به عبارت دیگر، کار اولیای مدرسه بسیار حساس است و آنان در تشخیص و درمان افسردگی نقش اساسی دارند. معلمان، مشاوران و سایر کارکنان مدرسه باید در خصوص افسردگی اطلاعات کافی داشته باشند، چرا که این ناهنجاری می تواند نسبت به فعالیت های تحصیلی و روابط فردی شخص افسرده در مدرسه تأثیر سوء داشته باشد. افسردگی به طور معنی داری با نمره های تحصیلی

مسئولان باید سازوکاری فراهم کنند که از عمیق تر شدن مشکل و هزینه های گزافی که در آینده می تواند بر جامعه تحمیل کند، پیشگیری شود

افسرده کمک می کند تسلط بیشتری بر خلق و خوی متغیر خود داشته باشد. از آن جا که افسردگی می تواند بر حافظه تأثیر سوء بگذارد، به ریتا اجازه داده شده بود، مباحث کلاس را ضبط کند تا سر فرصت بتواند آن ها را دوباره مرور کند. هم چنین وقتی قرار می شد دانش آموزان تکالیفی را سر کلاس انجام دهند، معلم ها توجه ویژه ای به ریتا داشتند و سعی می کردند با راهنمایی های مکرر و حساب شده، او را در انجام تکالیفش یاری دهند.

### فرصت تعامل اجتماعی

دانش آموزان مبتلا به افسردگی به دلیل خلق و خوی بی ثبات خود، معمولاً در ایجاد رابطه دوستی و حفظ آن مشکل دارند. برای ایجاد فرصت معاشرت و تعامل اجتماعی، معلم های ریتا دانش آموزان را به گروه هایی تقسیم کردند و آن هایی را که قرار بود در گروه ریتا قرار بگیرند، با دقت زیادی انتخاب نمودند تا لذت همکاری با گروه را به او بچشانند. زیرا دانش آموزان افسرده معمولاً از این که کارهایشان را به طور مستقل انجام دهند، هراس دارند و این تجربه های گروهی می تواند اعتماد به نفس آن ها را تقویت کند. البته معلم نباید گروه را به حال خود رها کند. باید با سرکشی های مکرر مطمئن شود که دانش آموز افسرده در فعالیت های گروه مشارکت فعال دارد.

بدیهی است که تمام این کارها باید با هماهنگی خانوادگی صورت گیرد. چرا که اقدامات هماهنگ می تواند روند بهبود را سرعت بخشد. برای این منظور، کتاب دار مدرسه، دفتر ثبت ویژه ای با عنوان «دفتر خانه و مدرسه» در نظر گرفته بود و روند پیشرفت و بهبود ریتا را به طور روزانه در آن ثبت می کرد تا بتواند بازخورد دقیق تری برای خانواده او فراهم کند.

### یک نکته اساسی

انجام آن چه درباره ریتا گفته شد، عملاً در مدارس امکان پذیر است که از کیفیت و استانداردهای قابل قبولی برخوردار باشند. به عبارت دیگر، این گونه حمایت از دانش آموزانی مانند ریتا، مستلزم آن است که معلم ها از پشتیبانی مطلوبی برخوردار باشند و انگیزه این همه صرف وقت و انرژی برای آنان فراهم گردد. به هر حال افسردگی، حالتی است که بهبود آن در گرو تلاش و توجه خاص اولیای خانه و مدرسه بوده و چون آینده یک انسان در میان است، مسئولان باید سازوکاری فراهم کنند که از عمیق تر شدن مشکل و هزینه های گزافی که در آینده می تواند بر جامعه تحمیل کند، پیشگیری شود.

معلم ها هماهنگ باشد. آن ها دوشنبه ها با هم می نشستند و تکالیفی را که ریتا در تعطیلات آخر هفته انجام داده بود، مرور می کردند؛ به ویژه در چهار مورد که دانش آموزان افسرده را بیشتر تحت تأثیر قرار می دهد: تکمیل تکالیف، ارائه تکالیف، تعامل اجتماعی و فعالیت های جسمی.

این گروه منجم معلمان که خانم هونت در رأس آن قرار داشت، به این نتیجه رسیدند که ریتا باید در هدف گذاری های خود و دستیابی به آن اهداف نقش فعال تری ایفا کند. این کار کمک می کرد که او با مهارت های «مدیریت بر خویش» آشنا شود تا در ادامه بتواند نشانه های افسردگی خود را رفع کند و با انجام تکالیف دشوار، به اهداف خود برسد.

در این میان، خانم هونت صبورانه نقش یک واسطه منعطف را بین ریتا و سایر معلم هایش - که در برخوردهای خود با ریتا، از راهنمایی های خانم هونت بهره می بردند - ایفا می کرد.

معلمان، مشاوران و سایر کارکنان مدرسه باید در خصوص افسردگی اطلاعات کافی داشته باشند

دانش آموزان افسرده خیلی رود در انجام تکالیف سخت ناامید می شوند



### ملاحظات ویژه

معلم های ریتا توجه شده بودند که ضمن حوصله، ملاحظه شرایط او را بکنند. از این رو، اجازه می دادند که او در وسط کلاس چند لحظه بیرون برود و هوایی تازه کند. برای این منظور او را در یکی از نیمکت های نزدیک به ورودی کلاس جا داده بودند تا بتواند بدون جلب توجه تردد کند. آن ها عوارض جانبی داروهایی را که ریتا برای درمان افسردگی استفاده می کرد، مدنظر داشتند و اجازه می دادند همیشه یک بطری آب یا آبمیوه روی میزش باشد تا هر وقت احساس تشنگی کرد، جرعه ای بنوشد. این گونه آزادی های نسبی در محیط کلاس به دانش آموز

جدول شماره ۱، نمونه‌هایی از علائم  
افسردگی در کودکان و نوجوانان

نشانه‌های آن در مدرسه	علائم افسردگی در کودکان
کسالت، غایب بودن، عدم مشارکت در یادگیری و خواب‌آلودگی	شکایت از دردهای جسمی و عصبی
انزوای طلبی، ضعف مهارت‌های اجتماعی، نافرمانی	کم‌خلاقیت
کم‌توجهی به انجام تکلیف	مشکل عدم تمرکز بر روی تکالیف و فعالیت‌ها
گنبدی در انجام کارها	حالات چهره که نشان‌دهنده افسردگی و ناراحتی است
گریه، پرخاش، رنجش به خاطر مسائل بی‌اهمیت	زودرنجی
بی‌توجهی، بی‌قراری، بی‌ثباتی وضعیت تحصیلی	حواس‌پرتی و فراموش کاری
گریه، غیبت مکرر، بی‌علاقگی به مدرسه، شکایت از دردهای جسمی	هراس ناشی از دوری والدین
نشانه‌های آن در مدرسه	علائم افسردگی در نوجوانان
ایراد سخنانی دال بر خودکم‌بینی	اعتماد به نفس پایین و حس بی‌هودگی
نافرمانی از مسئولان مدرسه، ناسازگاری با همسالان و میل به مشاجره	زودرنجی خفیف
سخنان بدبینانه و فکر کردن به انتحار	قضاوت منفی درباره گذشته و حال
انزوا، عوض کردن مکرر دوستان	طرد همسالان
انزوا و طردشدگی	بی‌علاقگی به فعالیت‌هایی که قبلاً از آن‌ها لذت می‌برد
بدخلاقیت و سرکشی	خستگی روحی
دزدی، روابط ناسالم جنسی، گرایش به مواد مخدر، گریز از مدرسه	رفتارهای پرخطر و ناگهانی
خواب‌آلودگی در کلاس، بی‌نواکتی	مصرف مواد مخدر

جدول شماره ۲، روش‌های کمک به  
دانش‌آموزان افسرده

در خصوص عملکرد اجتماعی، رفتارها و مسائل درسی‌اش مرتب به او بازخورد بدهید.
به دانش‌آموز یاد دهید که چگونه برای خودش هدف‌گذاری کند و کارهایش را اداره نماید.
مهارت‌های حل مسئله را به او آموزش دهید.
از طرق مختلف دانش‌آموزان را در برنامه‌ریزی و انجام تکالیف روزانه و هفتگی یاری دهید.
امکاناتی فراهم کنید که خلق و خوی متغییر او درک شود و توانایی‌اش در تمرکز و عوارش جانبی داروهایی که مصرف می‌کند مدنظر قرار گیرد. شخصی را تعیین کنید که با او تماس بیشتری داشته باشد و با مداخله مشفقانه در کارها یاری‌اش کند.
فرصت مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی را برای او فراهم کنید.
پیوسته مراقب گرایش او به انتحار باشید.
یک نظام ارتباطی کارآمد بین خانه و مدرسه ایجاد کنید تا اطلاعات مربوط به وضعیت تحصیلی، اجتماعی، رفتارهای عاطفی، عوارض جانبی داروها و چیزهایی از این دست به راحتی ردوبدل شود.

دانش‌آموزان افسرده  
معمولاً به دلیل افکار  
منفی خود، درخواست  
کمک نمی‌کنند

بی‌نوشته

R. Mare A. Crundwell and Kim Killa  
Rita  
Shunron  
Hunt

منبع  
Educational Leadership, October  
10

نشر  
موسسه آموزشی و پژوهشی

# نوع سواری

استفاده از بازی‌های رایانه‌ای در کلاس



کنیم که بیشترین اثربخشی را برای دانش‌آموزان داشته باشد. در زیر به بعضی از نکات کلیدی که باید مورد توجه قرار گیرند، اشاره می‌کنیم:

### نکات تکنیکی و زمینه‌ای

- اگر بازی همراه با صداست و جنبه مشارکت در گروه را هم ندارد، بهتر است دانش‌آموزان از گوشی هدفون استفاده کنند.

- نور کلاس باید برای کار با کامپیوتر مناسب باشد.  
- بسته به نوع بازی و اهداف آموزشی، می‌توان دانش‌آموزان را گروه‌بندی کرد که باعث همکاری و

در دو شماره گذشته به مزایای استفاده از بازی‌های رایانه‌ای در کلاس درس پرداخته شد و انواع این بازی‌ها و ویژگی‌های هر یک با ذکر مثال‌هایی بررسی گردید. در این شماره به چگونگی اجرای یک طرح درس موفق، با به کارگیری بازی‌های رایانه‌ای می‌پردازیم.

### چگونه کلاس را سازمان‌دهی کنیم؟

پس از آن که بازی را کاملاً بررسی کردیم و از سودمند بودن آن به عنوان یک منبع آموزشی اطمینان حاصل نمودیم، باید روند کلاس را به گونه‌ای طراحی

برای اجرای طرح درس، ابتدا اهداف را توضیح داده، سپس بازی را به بچه‌ها نشان دهید و بگویید که چگونه باید کارهای معمول بازی را انجام دهند

مشارکت بهتر آنان خواهد شد.

- پس از هر ۴۵ دقیقه بازی، دانش‌آموزان باید ۵ دقیقه استراحت کنند.

### نکات آموزشی

برای این که بتوانید کلاس را به نحو مؤثرتری برگزار کنید، بهتر است قبل از شروع کلاس، اهداف آموزشی‌تان را مشخص کنید که کدام بخش یا مرحله از بازی، هدف‌های شما را بهتر تأمین می‌کند؛ زیرا انجام همهٔ قسمت‌های یک بازی، گاه نه‌تنها برای اجرای طرح درس لازم نیست، بلکه ممکن است با دور کردن بچه‌ها از مسیر اهداف تعیین شده، باعث اتلاف وقت کلاس شود. راهنمای بازی را به طور کامل بخوانید و خودتان چند بار آن را انجام دهید تا به پیچ و خم‌های بازی آشنا شوید. هم‌چنین بهتر است فهرستی از اهداف آموزشی و نیز راهنمای بازی (یا ترجمهٔ آن در صورت نیاز) را کپی کنید و در اختیار دانش‌آموزان قرار دهید.

برای اجرای طرح درس، ابتدا اهداف را توضیح داده، سپس بازی را به بچه‌ها نشان دهید و بگویید که چگونه باید کارهای معمول بازی را انجام دهند. (مثلاً چگونگی دسترسی به قسمت راهنمای بازی، استفاده از منوهای بازی، حرکت دادن شخصیت اصلی بازی و...) قبل از شروع بازی، بهتر است یک کاربرگ حاوی پرسش‌ها و اطلاعاتی را که دانش‌آموزان باید در حین بازی جمع‌آوری کنند، در اختیارشان قرار دهید. پس از بازی از آن‌ها بخواهید، اطلاعات مزبور را به شما تحویل دهند تا بتوانید در مورد آن‌ها به بحث و گفت‌وگو و جمع‌بندی بپردازید.

### درک عمومی بازی

پس از انجام یک بازی رایانه‌ای، دانش‌آموزان باید درک مناسبی از اهداف بازی به دست بیاورند. چنین پرسش‌هایی، به دانش‌آموزان کمک می‌کند که درک خود را از بازی ارزیابی کنند:

- صحنهٔ بازی کجا و چه وقت اتفاق می‌افتد؟
- هدف بازی چیست؟
- شخصیت اصلی بازی کیست؟
- چالش‌های اصلی که برای این شخصیت پیش می‌آید، چیست؟

- برای موفقیت در بازی به چه چیزهایی نیاز دارید؟
- چه چیزی از رسیدن شما به هدف جلوگیری می‌کند؟ (مثلاً شخصیت‌ها، اتفاق‌ها و...)

● مشکلات اصلی مطرح شده در این بازی چیست؟

### درک کلی از فضای مطرح شده در بازی

وقتی مطمئن شدید که دانش‌آموزان اهداف کلی بازی را درک کرده‌اند، باید ببینید آیا آن‌ها ایده‌ها یا نکات اصلی بازی را فهمیده‌اند و می‌توانند بین بازی و موضوع تدریس ارتباط برقرار کنند یا نه. پرسش‌های زیر می‌تواند مفید باشد:

- موضوع اصلی بازی چیست؟
- آیا اتفاق‌های بازی، بعضی از دانسته‌هایتان را به خاطر شما می‌آورد؟
- اهمیت این موضوع (موضوع مورد تدریس و بازی) چیست؟

### ○ از این بازی چه چیزهایی یاد گرفتید؟

ارزیابی و تقویت دانش‌آموزان با گرفتن گزارش بازی‌های رایانه‌ای می‌تواند بسیاری از مهارت‌های شناختی را ارتقاء بخشد، اما بعضی از مواردی که برای ارتباط بین بازی و برنامهٔ درسی لازم است مثل مهارت‌های تفکر، مشاهده، پیش‌بینی یا نظریه‌سازی همیشه در بازی‌های رایانه‌ای مستقیماً در نظر گرفته نمی‌شود و این معلم است که باید آن‌ها را به گونه‌ای مرتبط با بازی، در طرح درس خود بگنجانند. بنابراین گرفتن گزارشی که در آن دانش‌آموزان بتوانند دربارهٔ بازی تفکر کنند و دانسته‌ها و یافته‌های خود را با هم به اشتراک بگذارند، بسیار ضروری است. دانش‌آموزان هم‌چنین می‌توانند در مورد احساسات‌شان هنگام بازی و پیروزی‌ها یا شکست‌هایشان صحبت کنند. در این جلسه معلم باید بچه‌ها را ترغیب کند تا تجربه‌هایشان در بازی و درس را به هم ارتباط دهند و راجع به آن چه در هنگام بازی یاد گرفته‌اند صحبت کنند. فعالیت‌های این جلسه به طور خلاصه می‌تواند به صورت زیر باشد:

- مرور اهداف آموزشی؛
- پرسش و پاسخ مقدماتی؛
- به اشتراک گذاشتن تجارب دانش‌آموزان؛
- برقراری ارتباط بین تجارب بازی و اهداف آموزشی؛
- خلاصه کردن و جمع‌بندی یافته‌ها.

منبع

Digital games in schools; Dr. Patrick Felicia, Department of Computer Science, Waterford Institute of Technology, Ireland; June 2009

گرفتن گزارشی که در آن دانش‌آموزان بتوانند دربارهٔ بازی تفکر کنند و دانسته‌ها و یافته‌های خود را با هم به اشتراک بگذارند، بسیار ضروری است

شماره ۳ آذر ۱۳۸۰  
دوره ۱۷

# یادگیری معنی

ترجمه: معصومه خیرآبادی

بعد از یک ماه، کاملاً واضح بود که این کلاس جبرانی نه عملکرد دانش‌آموزان در درس ریاضیات را ارتقا داده و نه بر انگیزه آن‌ها تأثیر گذاشته بود. با هم‌فکری دو نفر دیگر از معلمان به نام‌های راشل نات<sup>۱</sup> (معلم پشتیبانی یادگیری) و کارن ارلی<sup>۲</sup> (معلم دانش‌آموزان دارای مشکلات شنیداری) به الگویی جدید رسیدیم که نام آن را «کلوپ ریاضی»<sup>۳</sup> گذاشتیم تا به دانش‌آموزان کمک کنیم ضمن یادگیری ریاضی، از خواندن آن لذت ببرند.

## آموزش گروهی

همان‌طور که گفته شد، دانش‌آموزان ما از درس ریاضی نمره‌های بسیار پایینی گرفته بودند. با در نظر گرفتن این موضوع، براساس عملکرد کلاسی و شاخص نمره‌ها، آن‌ها را به سه گروه تقسیم کردیم؛ سه معلم نیز در طرح شرکت کردند. در هر مرحله، جای کلاس‌ها و معلمان با هم عوض می‌شد. یکی از معلمان، مسئول ارتقای مهارت‌هایی بود که آموزش آن‌ها در برنامه آمده بود، معلم دیگر عهده‌دار معرفی مفاهیم مرتبط بود و معلم سوم مهارت‌های مهمی را که دانش‌آموزان در آن‌ها ضعف داشتند، دوره می‌کرد. برای اجرای این طرح، دو کلاس طوری مورد استفاده قرار

در مدرسه مکانیکزبرگ<sup>۱</sup> تعدادی از دانش‌آموزان در درس ریاضی ضعیف بودند و باید برای ارتقای توانایی آن‌ها در این درس تدبیری اندیشیده می‌شد. از آن‌جا که بیشتر آن‌ها در اثر شکست‌های قبلی اعتمادبه‌نفس خود را از دست داده بودند، لازم بود الگویی ارائه شود که نه تنها به لحاظ درسی سودمند باشد، بلکه نگرش دانش‌آموزان نسبت به درس ریاضی را نیز تغییر بدهد. پس از بحث و تبادل نظر با دیگران، الگویی ارائه و اجرا شد.

## تکالیف اجباری

در ابتدای سال تحصیلی ۲۰۰۸-۲۰۰۷م وظیفه آموزش به دانش‌آموزانی که براساس نظام ارزیابی مدرسه‌های پنسیلوانیا<sup>۲</sup> (PSSA) نمره‌های آن‌ها پایین‌تر از شاخص اولیه بود، بر عهده من گذاشته شد. ۱۸ دانش‌آموز شامل این طرح شده بودند و دو بار در هفته به کلاس جبرانی می‌آمدند. این دانش‌آموزان هیچ‌گونه حق انتخابی در مورد تکالیفشان نداشتند. بنابراین، حتماً می‌توانید تصور کنید که برای شرکت در یک کلاس ریاضی اضافی، تا چه حد اشتیاق داشتند!





## مشارکت دادن دانش آموزان در فعالیت‌های گروهی، طرح خوبی است

قابل توجهی افزایش یافته است. آن‌ها به درس ریاضی علاقه‌مندتر شده‌اند و معتقدند که مفهوم‌های ریاضی را بهتر می‌فهمند. اعتماد آن‌ها نسبت به آموخته‌هایشان باعث شده است که مشارکت کلاسی‌شان افزایش یابد. این اعتماد، هم‌چنین باعث خطرپذیری بیشتر دانش‌آموزان در فعالیت‌های انفرادی شده است.

این تجربه موفقیت‌آمیز بود و نشان داد که نگرش‌های منفی و شکست‌های پیشین، بر عملکرد دانش‌آموزان تأثیر منفی می‌گذارد. مشارکت دادن دانش‌آموزان در فعالیت‌های گروهی، طرح خوبی است، زیرا احساس توانستن را در آن‌ها بیدار می‌کند و نگرش‌شان را دربارهٔ درس‌هایی که در آن ضعف دارند، تغییر می‌دهد.

بی‌نوشته

1. Mechanicsburg
2. Pennsylvania System of School Assessment
3. Rachel Nolt
4. Karen Farley
5. Math Club
6. Study Island

منبع

مطلب فوق از مقاله‌ای با عنوان «همراه کردن بچه‌ها: داستانی از یک کلوب ریاضیات موفق» (Catching kids up: A math club success story) نوشتهٔ آشلین ریم (Ashlyn Rehm) معلم ریاضی مدرسهٔ راهنمایی مکانیکزبرگ پنسیلوانیای آمریکا ترجمه شده و برگرفته از پایگاه اینترنتی [www.learningfirst.org](http://www.learningfirst.org) است.

گرفته بود که دانش‌آموزان می‌توانستند آزادانه حرکت کنند و در کلاس شرکت فعال داشته باشند. هم‌چنین، موقعیت‌های زیادی برای فعالیت‌های گروهی فراهم آوردیم. بنابراین، دانش‌آموزان مجبور نبودند تمام مدت روی صندلی بنشینند و به دهان معلمشان نگاه کنند. این فعالیت‌ها به دانش‌آموزان فرصت داد که فکرها و الگوهایی را که برای فرایند حل مشکل به ذهنشان خطور می‌کرد، ابراز کنند.

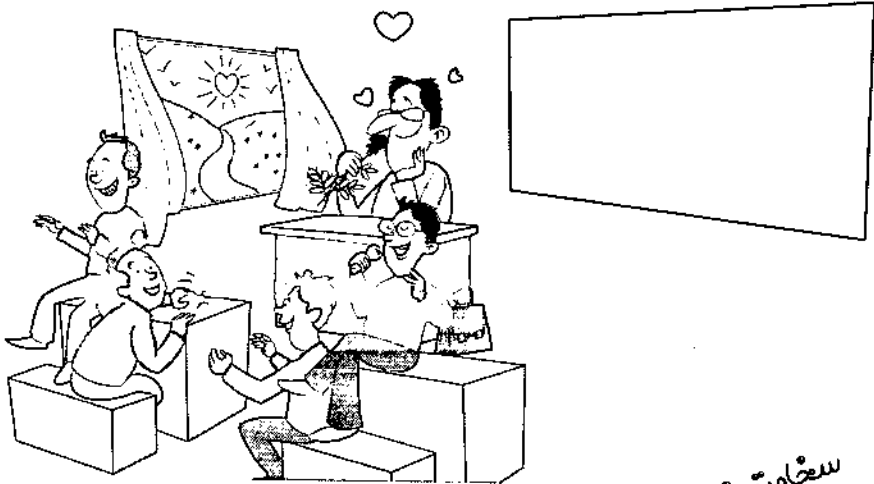
ویژگی مهم دیگر کار گروهی، ارزیابی سازنده است. ما به طور هفتگی، پیشرفت مهارت‌های دانش‌آموزان را با استفاده از برنامه‌ای استاندارد و مبتنی بر وب به نام «جزیرهٔ مطالعه»<sup>۱</sup> ارزیابی می‌کردیم. سپس از اطلاعات به دست آمده از نتایج ارزیابی، برای ارائهٔ دستورالعمل و گرفتن تصمیم‌های بعدی استفاده می‌کردیم.

## دنیای جدید

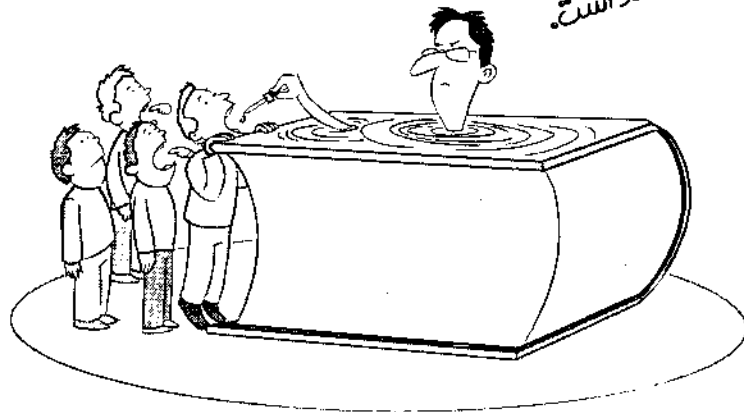
از دستاوردهای مهم این طرح می‌توان به گرفتن نمره‌های بالا در آزمون نهایی توسط بیشتر شرکت‌کنندگان و افزایش نمره‌های کلاسی اشاره کرد. اما بزرگ‌ترین دستاورد آن، تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به درس ریاضی است. حالا رفتار دانش‌آموزان در کلاس ریاضی جای تأمل دارد. در کلاس‌های ریاضی، توجه دانش‌آموزان به دستورالعمل‌ها، به میزان

به کوشش: محمد شاکر  
مهدی رضاییان

عاشق است.



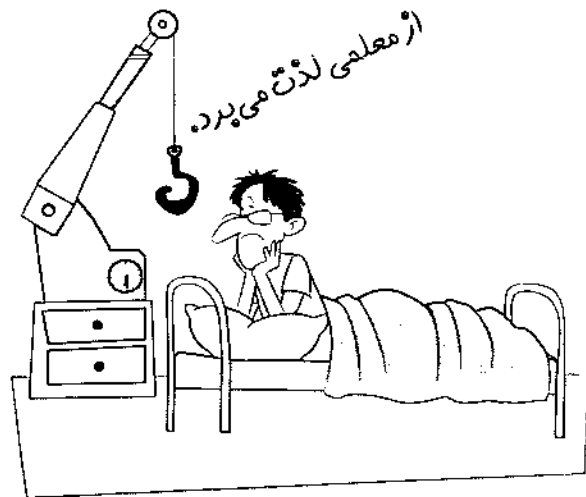
سخاوت مند است.



روابط عمومی پلاپی دارد.



از معلمی لذت می برد.





# جدول موضوعی رشد برهان راهنمایی

راهنمایی، در صفحه ۴۸-آم این مجله، جدولی شامل موضوع هر مقاله و هدفهای آموزشی آن برای استفاده بهتر معلمان محترم ریاضی از مطالب مجله برهان راهنمایی چاپ شده است. جدول زیر در هر شماره مجله، حاوی اطلاعات کلی در مورد مطالب همان شماره است که راهنمای عمل مناسبی برای معلمان عزیز به منظور استفاده بهتر از این مجله در کلاسهای درس ریاضی محسوب می شود.

## فهرست مهارت های ریاضی

۱. شمارش؛ ۲. اندازه گیری؛ ۳. تخمین و تقریب عددی؛ ۴. محاسبات عددی و عملیات ذهنی؛ ۵. الگویابی، پیش بینی و مدل سازی؛ ۶. استفاده از نمودارها و شهود هندسی؛ ۷. فرضیه سازی، نظریه پردازی؛ ۸. کشف و استدلال؛ ۹. استفاده از ابزار و تکنولوژی؛ ۱۰. حل مسئله.

قابل توجه معلمان محترم ریاضی، دوره هفدهم (سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰) رشد برهان ریاضی (دوره راهنمایی تحصیلی) به چاپ می رسد. اهداف این مجله عبارتند از: گسترش فرهنگ ریاضی؛ افزایش دانش عمومی و تقویت مهارت های دانش آموزان در راستای برنامه درسی؛ توسعه تفکر و خلاقیت؛ توجه به فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی در بستر فرهنگ ریاضی جهانی؛ توجه به کاربرد ریاضی در زندگی، علوم و فناوری؛ تقویت باورها و ارزش های دینی، اخلاقی و علمی.

در این دوره نیز مجله به بخش هایی تقسیم شده است که عبارتند از: ریاضیات و مدرسه، ریاضیات و فناوری، ریاضیات و باری، ریاضیات و کاربرد، ریاضیات و مسئله، گفت و گو، معرفی کتاب و...

علاوه بر این از شماره ۵۹ (دوره جدید) مجله رشد برهان



فهرست مقالات	موضوع کلی	ارتباط با زندگی	مهارت های ریاضی
نشانی نقطه ها، مختصات قطبی	آشنایی با مختصات در صفحه و شیوه های مختلف آن		۱-۸-۶
اتم کاندیدی	کاهش و رشد توانی	✓	۱-۸-۷-۵-۲-۳
کلاً شانس فهمیدم که ...	احتمال ۵۰ درصد و تکرار آزمایش ها و آمارگیری	✓	۴-۵
این را که از قبل می دانستیم	اثبات هندسی و باطل بودن دور در اثبات		۱-۸
مجموعه ها و نمودار ون (بخش نخست)	معرفی نمودار ون با رویکرد شمارش حالت های ممکن		۸-۶-۱
نگاهی به آینده به شیوه ریاضی دانان	تابش و بازتابش و تساوی مثلث ها	✓	۲-۱-۸-۷
به مانس حساب خود در محاسبه کمک کنید	استفاده از حبر برای به کارگیری ماشین حساب در محاسبه ابعاد بزرگ	✓	۸-۱-۴-۹
استفاده از لوگو برای ترسیم اشکال هندسی	معرفی محیط برنامموسی LOGO و استفاده از آن در ترسیم اشکال هندسی		۵-۱-۹
باری فکری کوارتو	معرفی یک بازی شری روش و قانون های باری و طرح مسائل مربوط به بهتر بازی کردن		۱-۸-۷
بازی حاصل ضرب ها	معرفی یک بازی ریاضی درباره تقسوم علیه و مضرب		۸-۲
بازل از نوعی دیگر مسیر پیچ در پیچ	معرفی یک نوع بازل عددی		۱-۸
سرمه دور دنیا با مان لولش	محاسبه مقدار مان مصرف شده در ایران در یک سال و حرکت هر گی اعداد	✓	۸-۲
زاویه شش تن	بررسی زاویه شش تن با رویکرد سلامت	✓	۲
سؤالات مسأله ریاضی استرالیا (AMC)	طرح سؤالات و پاسخ ها مسأله AMC ۲۰۱۰		۱۰
گفت و گو با حسن نصیرنیا همکار قدیمی مجله	گفت و گو و آشنایی با یک همکار قدیمی		
معرفی کتاب	معرفی کتاب های مناسب برای دانش آموزان مختلف مجله		



منبع  
کتاب راهنمای ندرس ریاضی دوره راهنمایی، دهم برنامه ریزی و تألیف کتب درسی

# تعریف حقوق

بدین ترتیب برای زندگی فردی در جامعه آمادگی یابد. لذا برای او این شرایط را تحت عنوان حقوق فردی - اجتماعی و خانوادگی تعریف کرده اند که در طول زمان دچار تحول شده است.

شناخت حقوق انسانی  
برابر برای آحاد افراد جامعه  
و رعایت آن از وظایف اصلی  
هر حکومتی است.

## قوانین مدنی و حقوق کودک و نوجوان

در قوانین مدنی جمهوری اسلامی ایران، منظور از حقوق کودک، «بحث از حقوقی است که کودک به مناسبت خردسال بودنش دارد یا از آن محروم است. بنابراین آن قسمت از قوانین که سن افراد تأثیری در آن‌ها نداشته و در مورد همه اعم از خردسال و بزرگسال یکسان اجرا می‌شود، در محدوده حقوق کودک نمی‌گنجد».

لذا کودک یا صغیر در اصطلاح حقوقی به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به رشد جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد.

مطابق ماده ۹۵۸ قانون مدنی، «هر انسان، متمتع از حقوق مدنی خواهد بود ولیکن هیچ کس نمی‌تواند حقوق خود را اجرا کند، مگر آن که برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد».

کسی اهلیت قانونی برای اجرای حقوق مدنی دارد که ممنوع و محجور از تصرف در اموال و حقوق مالی خود نباشد.

مطابق ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی «اشخاص ذیل محجور و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند»

۱. صغار (افراد صغیر)
۲. اشخاص غیر رشید
۳. مجانین (دیوانه‌ها)

با توجه به آن چه گفته شد، منظور از حقوق نوجوان و جوان، امتیازات و حمایت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و قضایی است که آن‌ها به مقتضای سن خود از آن بهره‌مند می‌شوند و طی زندگی در سطح جامعه و خانواده مورد حمایت قرار می‌گیرند.

زیربنای حق یا حقوق بیش از هر چیز، اعتقاد به ارزش‌های انسانی و عزم برای بهبود معیارهای زندگی بهتر است.

شناخت حقوق انسانی برابر، برای آحاد افراد جامعه و رعایت آن از وظایف اصلی هر حکومتی است. افراد بدون هر گونه تبعیض از نظر سن، نژاد، رنگ، زبان، مذهب، عقاید سیاسی، جایگاه اجتماعی یا ملی در تمام حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی صاحب حق هستند.

بدیهی است، در این میان، کودکان و نوجوانان می‌بایستی از مساعدت‌های بیشتر بهره‌مند باشند تا بتوانند مسئولیت‌های خود را در جامعه به خوبی ایفا کنند.

از سوی دیگر، خانواده می‌تواند به عنوان جزء اصلی جامعه، محیط مناسب و طبیعی برای رشد و رفاه اعضای خود فراهم سازد تا کودک و نوجوان برای رشد کامل و متعادل شخصیتی خود از آن بهره‌مند شود و

با توجه به آن چه که گفته شد. افراد از حمایت حقوقی خانواده و جامعه بهره مند هستند و به طریق اولی، افراد صغیر لازم است حقوقشان توسط سرپرست خانواده و جامعه جدی تر رعایت گردد.

### حقوق کودک و نهادهای بین المللی

حقوق کودک، بخشی از موضوعات حقوق بشر است که نیاز به حمایت جدی از سوی جامعه بین المللی دارد. با توجه به ضرورت عنایت به مباحث حقوق کودک در سطح جامعه، نوشتار حاضر به بررسی نکاتی پیرامون حقوق کودک که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد، با عنوان «کنوانسیون حقوق کودک» مصوبه سال ۱۹۸۹م که گامی مؤثر در جهت حفظ حقوق کودکان محسوب می شود، می پردازد. علاوه بر آن، در این نوشتار به موقعیت برخی از کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران نسبت به کنوانسیون حقوق کودک اشاره شده است.

انسان برای زندگی اجتماعی خویش، نیازمند امنیت جسمی، روحی و اقتصادی و... است. کودکان نیز که رشد جسمی، عقلی و اجتماعی آنان از همان سال های نخست زندگی آغاز می شود، با توجه به وضعیت خاص آنان به لحاظ جسمانی و روحی، نیاز به حمایت ها و مراقبت های ویژه ای دارند. این اقدامات باید مفهوم و قالب مناسبی یافته و با توجه به ناتوانی کودکان برای استیفای مستقیم حقوق خویش، از جنبه های حمایتی وسیعی برخوردار گردد، به گونه ای که بزرگسالان الزامی ناشی از حمایت آنان را کاملاً احساس کنند.

توجه به حقوق کودک فقط بحث جوامع امروزی نیست بلکه در دین مبین اسلام هم نسبت به حقوق کودک توجه شده است (احترام و تکریم کودک، پرهیز از خشونت و بدرفتاری با کودکان، رعایت عدالت و پرهیز از تبعیض).

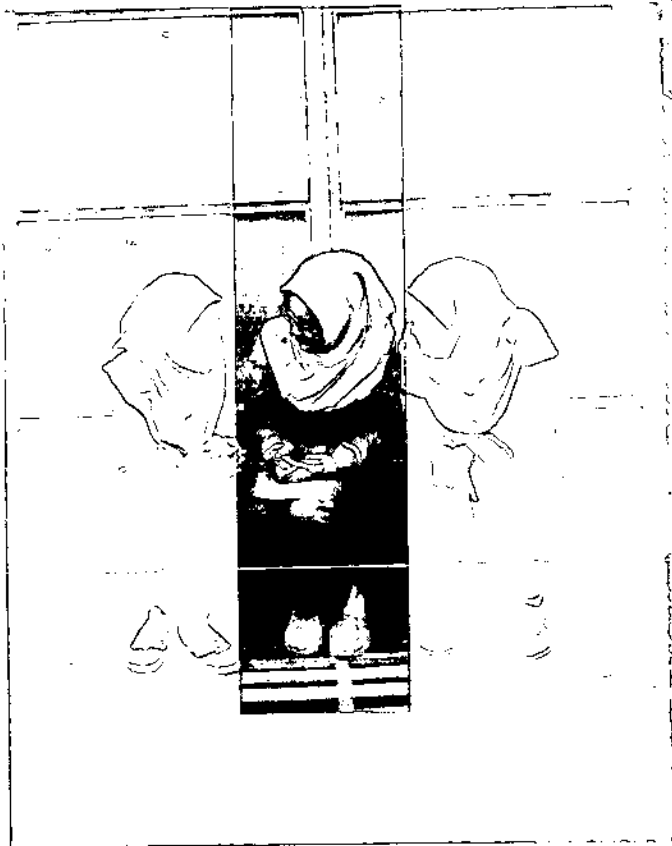
بر اساس اطلاعات منتشره، وضعیت کودکان در جوامع فعلی نگران کننده است. بر اساس آمار یونسف (۱۹۹۰-۱۹۸۹)، هر روز چهار هزار کودک زیر پنج سال به علت سوء تغذیه و بیماری های قابل پیشگیری، جان خود را از دست می دهند. نزدیک به صد میلیون کودک از برنامه های تحصیلات ابتدایی محروم اند. نیمی از بچه ها در کشورهای در حال توسعه به آب آشامیدنی دسترسی ندارند. سالانه نیم میلیون نفر از مادران، در موقع حاملگی و زایمان جان خود را از دست می دهند. بیش از صد میلیون کودک در جهان، از طریق کارهای خطرناک و اغلب تحت شرایط کشنده امرامعاش می کنند. بیش از یک میلیون از مردم (که بیشتر آنها کودک هستند) از خانه و زندگی محروم هستند و مواردی دیگر.

بنابراین می بینیم که از نظر حقوقی، کودک از کلیه حقوق مدنی برخوردار است و از این جهت فرقی با بزرگسال ندارد اما قانوناً نمی تواند حق خود را اعمال و اجرا کند.

نکته مهم از نظر حقوقی آن است که بدانیم کودکی از چه سنی شروع و به چه سنی خاتمه می یابد؟ گفته می شود کودکی، با تولد آغاز می شود و ماده ۹۵۶ قانون مدنی ایران مقرر می دارد «اهلیت برای دارا بودن حقوق با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می شود».

هم چنین قانون مدنی در تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ که در سال ۱۳۶۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده، اعلام داشته است «سن بلوغ در پسران پانزده سال تمام قمری و در دختران نه سال تمام قمری است». بنابراین از نظر قانون مدنی، پایان کودکی نزد دختر، نه سالگی و نزد پسر پانزده سالگی است و مطابق مقررات و قواعد فقه اسلام، صغیر کسی است که بالغ و رشید نشده است.

کودک از کلیه حقوق مدنی برخوردار است و از این جهت فرقی با بزرگسال ندارد



از طرف دیگر، طبق رویه قضایی موجود در محاکم، کسی که به سن ۱۸ سال تمام رسیده است، نیازی به اثبات رشد خود ندارد، مگر آن که عدم رشدش ثابت شود.

نقض حقوق کودکان در کشورهای در حال توسعه، بیشتر ناشی از فقر است. در حالی که در غرب، مشکل اخلاقی و ضعف بنیان‌های خانواده، ناقض حقوق کودکان است. با این حال، همواره این کشورهای غربی هستند که کشورهای جهان سوم را در ارتباط با نقش حقوق کودکان، تحت فشار قرار می‌دهند. اهمیت این مطلب بر کسی پوشیده نیست که باید حقوق کودکان را شناخت و برای احقاق آن تلاش کرد و بر این اساس در این نوشتار، کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق کودک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### سابقه تاریخی کنوانسیون حقوق کودک

مسئله حقوق کودکان، مسئله جدیدی نیست. شروع آن به دوران بعد از جنگ جهانی اول بازمی‌گردد. پس از جنگ جهانی اول، به سبب پیامدهای جنگ و آسیب‌هایی که از این راه بر کودکان وارد آمد، در سال ۱۹۲۴م «اعلامیه کودک» در ژنو تنظیم شد که بیشتر در زمینه تغذیه، بهداشت و مسکن برای کودکان جنگ‌زده و آواره و حمایت آنان در برابر آسیب‌های جسمی و روانی ناشی از جنگ بود و جنبه توصیه‌ای داشت.

تأسیس صندوق بین‌المللی کودکان (یونیسف) در سال ۱۹۴۶م گام مهمی برای پرداختن به مسائل حقوق کودکان جهان بود. یونیسف براساس قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بعد از جنگ جهانی دوم برای رهایی چهارده کشور اروپایی از بند فقر، گرسنگی، بیماری، بی‌سرپرستی و آوارگی پایه‌گذاری گردید. همچنین اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸م نیز منبع دیگری برای پیمان حقوق کودک بود؛ زیرا این اعلامیه تمام انسان‌ها را بدون توجه به ویژگی‌ها شامل می‌شود که طبقاً کودکان را نیز دربر می‌گیرد.

در سال ۱۹۵۹م اعلامیه حقوق کودک به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید که در واقع، اساس و بنیان کنوانسیون حقوق کودک را پی‌ریزی کرد و همچنین در قرارداد بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی ۱۹۶۵م، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶م و کنوانسیون حداقل سن اشتغال کودکان ۱۹۷۳م، مباحثی در ارتباط با حقوق کودکان بیان شده است.

از طرفی دو پروتکل اختیاری بر کنوانسیون حقوق کودک در سال ۲۰۰۰ تصویب شده است. یکی پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودکان در مورد شرکت کودکان در جنگ و دیگری، پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد فروش فاحشگی و پورنوگرافی کودکان.

طرح کنوانسیون حقوق کودک، به ابتکار کشور لهستان و تلاش پروفیسور آدام لونلیک از این کشور (که

به مناسبت سال بین‌المللی حقوق کودک، اقدام به تهیه پیش‌نویس کنوانسیون کرد) در سال ۱۹۸۹م، به اتفاق آرا تصویب شد که از یک مقدمه و ۵۴ ماده تشکیل یافته است. ۴۱ ماده آن مربوط به حقوق کودک و ۱۳ ماده آن مربوط به نحوه اجرای آن در هر کشور است.

تاکنون ۱۹۱ کشور از ۱۹۳ کشور جهان به آن پیوسته‌اند و فقط کشورهای آمریکا و سومالی هنوز، به این کنوانسیون ملحق نشده‌اند.

هدف اساسی این کنوانسیون ایجاد زندگی بهتر برای کودکان و تلاش در راه رشد هماهنگ و متعادل آنان در زمینه‌های اساسی رشد جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی است و برای دستیابی به این هدف، چهار محور اساسی رشد، بقا، حمایت و مشارکت را مورد توجه قرار داده است.

از نظر کنوانسیون، منظور از کودک، افراد انسانی زیر سن ۱۸ سال است، مگر این که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.

### نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک

۱. منافع کودک، ماده ۱، ۲، ۳، ۴؛ ۲. تحقق کودک، ماده ۴؛ ۳. مسئولیت والدین، ماده ۵، ۴؛ ۴. به رسمیت شناختن ذاتی و طبیعی. ماده ۶؛ ۵. حفظ هویت شخصی کودک، از جمله داشتن نام و تابعیت، ماده ۷؛ ۶. هویت کودکی، ماده ۸؛ ۷. پیوستن به خانواده، ماده ۱۰؛ ۸. منع قاچاق کودکان، ماده ۱۱؛ ۹. آزادی عقیده کودک، ماده ۱۴، ۱۶، ۱۲، ۱۳؛ ۱۰. آزادی اجتماعی، ماده ۱۵؛ ۱۱. حفظ حریم شخصی کودک، ماده ۱۶؛ ۱۲. دسترسی به مطالب و اطلاعات مناسب، ماده ۱۷؛ ۱۳. مسئولیت مشترک والدین، ماده ۱۸؛ ۱۴. منع بدرقتاری با کودک، ماده ۱۹؛ ۱۵. کودکان بی‌سرپرست و محروم از خانواده، ماده ۲۰؛ ۱۶. فرزندخواندگی، ماده ۲۱، ۲۰؛ ۱۷. کودکان آواره و پناهنده، ماده ۲۲؛ ۱۸. آموزش و پرورش و اهداف آن، ماده ۲۸؛ ۱۹. کودکان اقلیت مذهبی و قومی، ماده ۳۰؛ ۲۰. تفریح و فعالیت‌های فرهنگی، ماده ۳۱؛ ۲۱. کار کودکان، ماده ۳۲؛ ۲۲. مواد مخدر، ماده ۳۳؛ ۲۳. منع شکنجه و اصول دادرسی، ماده ۳۷؛ ۲۴. جنگ‌های مسلحانه، ماده ۳۸؛ ۲۵. رعایت عدالت، ماده ۴۰؛ ۲۶. رجحان قوانین مؤثرتر، ماده ۴۱.

### ایران و کنوانسیون حقوق کودک

جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که کنوانسیون حقوق کودک را در ۵ دسامبر ۱۹۹۰ امضا و در آگوست ۱۹۹۴ (اسفند ماه ۱۳۷۲) تصویب کرده است. دولت جمهوری اسلامی ایران در هنگام

امضای کنوانسیون با این شرح، اعلام حق شرط نموده است:

جمهوری اسلامی ایران نسبت به مواد و مقرراتی که مغایر با شریعت اسلامی باشد، حق شرط می نماید و این حق را برای خود محفوظ می دارد که هنگام تصویب، چنین حق شرطی را اعلان نماید.

با توجه به این که اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی، عهدنامه‌ها، مقاله نامه‌ها، قراردادها و موافقت نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس برسد، مجلس شورای اسلامی طی ماده واحده‌ای الحاقی، کنوانسیون را با همین قید ملزم نبودن به مواد مغایر با موازین اسلامی و قوانین داخلی تصویب نمود. متن ماده واحد چنین بود: «کنوانسیون حقوق کودک، مشتمل بر یک مقدمه و ۵۴ ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی به آن داده می شود. مشروط به آن که مفاد آن در هر مورد و در هر زمان که در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد، لازم‌الرعایه نباشد.»

### شرایط پیوستن ایران

مفهوم شرط این است که دولت جمهوری اسلامی ایران با پیوستن به کنوانسیون، درصدد بر نمی آید که قوانین خود را با مقررات کنوانسیون وفق دهد و آن را اصلاح کند، بلکه قوانین خود و در آینده نیز قوانینی را که مناسب‌اند وضع و اجرا می کند و به هر صورت، هر چه مقررات کنوانسیون با قوانین داخلی فعلی یا قوانین مصوب بعدی مغایر تشخیص داده شد، این مقررات برای دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعایه نیست و همین امر است که مورد اعتراض بسیاری از کشورها قرار گرفته و این شرط کلی را غیر قابل قبول و غیر منطقی با کنوانسیون می دانند.

البته برخی در این مورد معتقدند که دولت ایران با گنجانیدن چنین شرطی، در حقیقت قبول و اعتراف کرده است که بین قوانین داخلی و مفاد کنوانسیون، مغایرت اساسی وجود نداشته و نباید داشته باشد و فقط در موارد جزئی، قوانین داخلی و موازین اسلامی ارجح است و استدلال خلاف آن نقش فرض خواهد بود.

این خلاصه‌ای از واقعیت جمهوری اسلامی ایران نسبت به کنوانسیون حقوق کودک بوده ولی ضروری است اشاره شود که تصویب کنوانسیون حقوق کودک در ایران بدین معنی نیست که سابقاً حقوق کودک رعایت نمی شد، بلکه قوانین و مقرراتی قبل از تصویب کنوانسیون مذکور وجود داشت که در جهت حمایت از حقوق کودک تصویب و اجرا شده بود.

### وضعیت برخی کشورها نسبت به کنوانسیون

بسیاری از کشورها قوانینی را به کنوانسیون اضافه کرده یا تغییر داده و در کشور خود اجرا می کنند مانند

فیلیپین، سریلانکا، نپال، ویتنام، فرانسه، برزیل، کلمبیا و پرتغال.

شایان ذکر است برخی از دولت‌ها کنوانسیون کودک را با توجه به ماده ۵۱ کنوانسیون با شرایط خاصی پذیرفته‌اند و با اعلام حق شرط، عدم پایبندی خود را نسبت به برخی موارد اعلان کرده‌اند. مفصل‌ترین حق شرط‌ها، مربوط به آلمان، انگلستان، ایتالیان و بلژیک است.

علاوه بر موارد فوق، کشورهای دیگری وجود دارند که نسبت به کنوانسیون حقوق کودک، اعلان حق شرط کرده‌اند؛ از جمله اردن، مغرب، کویت، الجزایر، عراق، پاکستان، افغانستان، قطر، سوریه و...

اگرچه قواعد حمایت از کودکان در دهه هشتاد میلادی شکل گرفت. ولی اصل آن براساس اسناد تعیین کننده استانداردهای حقوق کودکان به سال‌های طولانی قبل از آن یازمی گردد. اقدامات پیشین بیشتر جنبه اخلاقی داشت و از نظر حقوقی سند مطلوب و قابل اتکایی به شمار نمی رفت. البته این بدان معنا نیست که به مسئله حقوق کودک قبلاً هیچ پرداختی نشده بود.

### تولد حقوق کودک

اولین گام‌ها در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم برداشته شد. در آن زمان، افرادی مانند خانم «لگدن تی تیب» و آقای دکتر «یانوکس گورتزاک» اولین چهره‌هایی بودند که حقوق کودکان را مطرح کردند. در آن زمان دیدگاه سنتی جوامع بر آسیب‌پذیر بودن کودکان و ناتوانی آن‌ها در تصمیم‌گیری حکم کرده و این که مسئولیت آن‌ها با پدران و مادران شان است و طبیعتاً هیچ‌گونه حقوقی نداشته‌اند. به همین دلیل افرادی مانند دکتر گورتزاک، از کودکان یتیم حمایت می کردند. وی دکترای طب داشت، کتاب‌هایی را در لهستان انتشار داد و سندی در ده ماده برای حقوق کودکان تدوین کرد که در آن به مسائلی مانند حق حیات و حق آموزش اشاره کرده بود. با حقوقی که وی برشمرده بود، کمتر کسی تا آن زمان آشنایی داشت؛ چه کودکان و چه بزرگسالان. بعد از این گامی که گورتزاک برداشت، خانم تی تیب انجمنی را برای حمایت از کودکان تأسیس کرد که اولین انجمن حمایت از کودکان در اروپا بود. تی تیب به گورتزاک پیشنهادی مبنی بر تنظیم سندی با عنوان اعلامیه حقوق کودک ارائه داد و با همکاری جامعه ملل، سندی را در ۵ ماده تهیه کردند که مفاد آن بیشتر به مشکلاتی پرداخته بود که در آن زمان کودکان اغلب با آن‌ها روبه‌رو بودند مانند کودکان بی سرپرست، کودکان و پیامدهای جنگ و...

با هر دو نفر آن‌ها جنبش آغاز و پایه‌های اصلی حمایت از کودکان توسط این افراد گذارده شد؛ ولی در سطح بین‌المللی به دلیل وقوع جنگ جهانی دوم

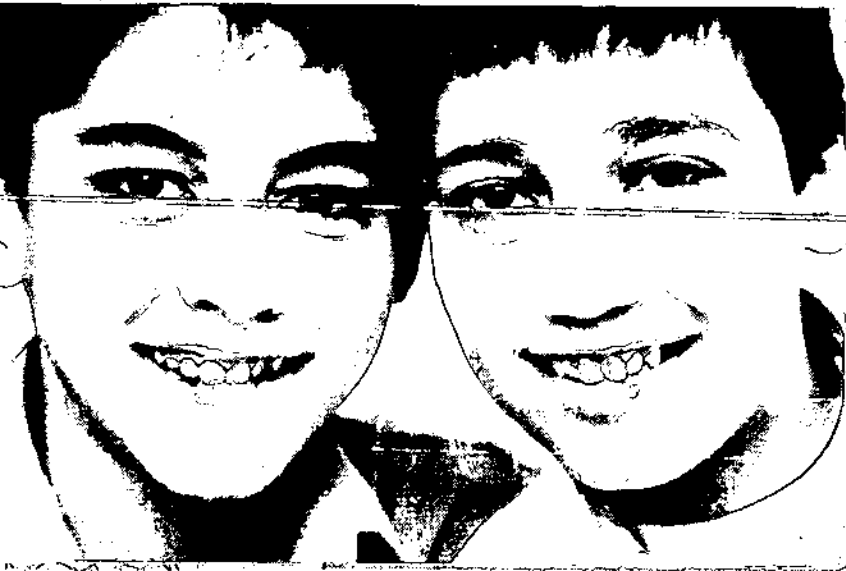
باید حقوق کودکان را شناخت و برای احقاق آن تلاش کرد



به حقوق این قشر عظیم می‌تواند در آینده صدمات جبران‌ناپذیری را برای کشور به همراه داشته باشد.

### ویژگی‌های کنوانسیون در ایران

کنوانسیون حقوق کودک در ایران ویژگی‌های خاص خود را دارد از جمله: امضای آن توسط کشور ایران، انعطاف‌پذیری، جامعیت، حاصل تجربیات کارشناسان، توجه به کودک به عنوان موجودی مستقل، تأکید بر دخالت دولت، گستردگی جریان و توجه به نهاد خانواده و اولویت دادن به منافع کودک، اما عدم رعایت یا عدم توجه به بعضی از ویژگی‌ها در ایران مانع از اجرای کامل این کنوانسیون می‌شود.



و سپس مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ در بسیاری از کشورها و اختلافات، اقدام‌هایی هم صورت گرفت؛ تا سال ۱۹۵۹ که سازمان ملل متحد اعلامیه جهانی حقوق کودک را در ده ماده به تصویب رساند.

متأسفانه اعلامیه‌هایی که توسط مجمع عمومی تصویب می‌شوند، تنها جنبه اخلاقی دارند و تعهدی برای کشورها به وجود نمی‌آورند. بعد از این اعلامیه در بین سازمان‌های بین‌المللی و به خصوص سازمان‌های تخصصی که در این زمینه کار می‌کردند (مانند یونسف که در سال ۱۹۴۹ آغاز به فعالیت کرده بود)، فعالیت به خصوصی انجام نشد. در سال ۱۹۷۸، دولت لهستان برای قدردانی از زحمات یانوکس گورتزاک و کتب او، پیشنهاد تدوین یک معاهده بین‌المللی برای حمایت از کودکان را به سازمان ملل متحد ارائه کرد.

### سازمان ملل و حقوق کودک

این پیشنهاد مورد استقبال سازمان ملل متحد قرار گرفت و نهایتاً کمیته ویژه‌ای در ژنو تشکیل شد و این کمیته همراه با تعدادی از سازمان‌های غیردولتی که برای کودکان کار می‌کردند، آغاز به فعالیت کرد و در نهایت، این معاهده حقوق کودک تدوین شد و در سال ۱۹۸۹ در مجمع عمومی به تصویب رسید. یکی از ویژگی‌های این معاهده حقوق کودک، تکرار برخی حقوقی است که برای بزرگسالان قبلاً در اعلامیه جهانی حقوق بشر با میثاق حقوق مدنی، سیاسی یا میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی پیش‌بینی شده بود.

حدود ۱۳ ماده از ۵۴ ماده کنوانسیون حقوق کودک به صورت مستقیم به وظایف و مسئولیت‌های دولت‌ها در قبال کودکان پرداخته است. هم‌چنین در ۳۰ ماده دیگر هر چند مستقیماً به نقش والدین و دیگر نهادها پرداخته ولی در واقع این ماده‌ها هم تأکیدی بر نقش دولت‌ها در ایجاد شرایط مطلوب برای نهادهای مختلف به منظور مراقبت و پرورش مناسب کودکان بوده است. بنابراین از آن‌جا که حدود ۴۳ ماده از کنوانسیون به صورت مستقیم و غیرمستقیم به نقش دولت در این زمینه پرداخته، نشانگر اهمیت دولت در اجرای این کنوانسیون بوده و بدین علت است که حل بسیاری از مشکلات کودکان از عهده خانواده‌ها یا مؤسسات دیگر برنمی‌آید و توجه به حقوق کودک باید در برنامه‌های رفاهی و اجتماعی هر کشور مورد توجه قرار گیرد. ضرورت رعایت حقوق کودک به علت اهمیت فوق‌العاده دوران کودکی در رشد و پرورش کودکان، آسیب‌پذیری و لزوم حمایت از آنان و متفاوت بودن آنان از بزرگسالان در همه زمینه‌ها، پرداختن به حقوق کودک در ایران، اجتناب‌ناپذیر است و توجه نداشتن

#### منابع

۱. ابوحنسی، سارا. در ارتباط با حقوق کودک در قانون مجله روان‌شناسی امروز.
۲. بهشتی، احمد. اسلام و حقوق کودک. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم.
۳. پورقهرمانی، بابک. فصل‌نامه رونق اندیشه، شماره ۲۸.
۴. سیف، سوسن و دیگران. روان‌شناسی رشد، سمت، تهران، ۱۳۸۰.
۵. سیف، علی‌اکبر. روان‌شناسی پرورشی، آگاه، تهران، ۱۳۶۸.
۶. شرفی، محمدرضا. دنیای نوجوان، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت تهران، ۱۳۷۹.
۷. شریفی درامدی، پرویز. نظریه‌های روان‌شناسی تحولی از کودکی تا بزرگسالی، انتشارات خوشنواز، تهران، ۱۳۸۰.
۸. کاپلان، یاول اس. روان‌شناسی رشد، ترجمه مهرداد فیروزبخت، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۸۱.
۹. نویان، آذین. یونسف و بیمان جهانی حقوق کودک، روزنامه انتخاب، ۱۳۷۸.
10. Ten basic facts about the world's children. [www.rehydrate.org/facts](http://www.rehydrate.org/facts)
11. [www.Ghader.com](http://www.Ghader.com)
12. who has ratified? [www.free.the.children.org](http://www.free.the.children.org)
13. <http://www.Aftabnews.ir/rdej.yetfugemsfzu.htm/>
14. [www.aftabnews.ir/1388/2/10](http://www.aftabnews.ir/1388/2/10)

# تعارضات

## (کشمکش‌ها)

ناسازگاری، خواه یک عدم توافق  
مجزئی باشد یا یک جنگ اساسی،  
علت همیشه یکی است



این، چگونه نوجوانان می‌توانند بدون توسل به خشونت، اختلافاتشان را حل کنند؟

### حل تعارض (کشمکش) چیست؟

حل تعارض (کشمکش) یعنی آموزش روش‌های جدید به افراد تا بتوانند جر و بحث‌های بدون خشونت را حل و فصل کنند.

اکثر برنامه‌های حل تعارض (کشمکش) شامل مراحل زیر می‌شوند: (کراوفورد و بودین ۱۹۹۶)

- تعیین قوانین اولیه، توافق کنید که با هم کار کرده و قوانینی از این قبیل تعیین نمایید: ناسزا گفتن، عیب جویی، فریاد کشیدن و حرف همدیگر را قطع کردن ممنوع است.
- گوش دادن، بگذارید که همه بدون این که حرفشان قطع شود، دیدگاه‌شان را شرح دهند. نکته این است که درک کنیم یک شخص چه می‌خواهد و چرا آن را می‌خواهد.

- یافتن علایق مشترک، واقعیت‌ها و مواردی را بیان کنید که همه می‌توانند درباره آن توافق کنند و تعیین کنید که برای هر شخص چه چیزی حائز اهمیت است.

- برای یافتن راه‌حل‌های ممکن برای مسئله یورش فکری بپردازید، همه گزینه‌ها را بدون این که درباره‌شان به قضاوت بپردازید یا احساس کنید که باید انجام شوند، فهرست نمایید. سعی کنید به راه‌حل‌هایی بیندیشید که در آن همه برنده می‌شوند. (همه چیزی کسب می‌کنند)

- بحث کردن درباره نظر هر یک از اشخاص درباره راه‌حل‌های پیشنهادی، مذاکره کنید و بکوشید به مصالحه‌ای برسید که برای همه افراد درگیر قابل پذیرش باشد.

- رسیدن به توافق، هر شخصی باید تفسیر خودش را از توافق بیان کند. سعی کنید که توافق را بنویسید و

خیلی پیش می‌آید که اختلافات کوچک منجر به خشونتی جدی بین نوجوانان می‌شود. در یک بررسی ملی در امریکا ۳۳ درصد دانش‌آموزان دبیرستانی گفتند که طی یک سال درگیر یک دعوی فیزیکی بودند (۲۰۰۴). تعارضات (کشمکش‌ها) و اختلافات بخشی از زندگی هستند ولی لزوماً نباید به خشونت منجر شوند. با وجود

آن را در زمان دیگری بررسی کنید تا ببینید کارایی آن چگونه است.

ما، به عنوان معلم، به دانش‌آموزان فقط ریاضی، علوم و زبان درس نمی‌دهیم، بلکه به آن‌ها آموزش می‌دهیم که چگونه به بزرگسالانی وظیفه‌مند شوند. یکی از دروسی که هر روز و گاهی هر ساعت آموزش می‌دهیم این است که چگونه با افراد دیگر کنار بیاییم. تعارضات (کشمکش‌ها) اغلب بیرون از کلاس، زمان استراحت یا زمان نهار خوردن رخ می‌دهند ولی در کلاس نیز تأثیر می‌گذارند. اگر چه ممکن است زمان رخ دادن تعارض (کشمکش) حضور نداشته باشیم، می‌توانیم به دانش‌آموزان کمک کنیم تا وقتی به کلاس برمی‌گردند، مشکل‌شان را رفع کنند. در این جا چند پیشنهاد برای تبدیل کردن تعارض (کشمکش) به یک تجربه یادگیری برای همه افراد درگیر ارائه می‌شود.

### تعارض آموزنده

اولین کاری که باید انجام داد این است که دانش‌آموزان درگیر را کنار بکشید و از آن‌ها بخواهید تا به نوبت با شما صحبت کنند تا ببینید چه اتفاقی افتاده است. اگر لازم باشد، ممکن است طرف سوم قابل اعتمادی را فرا بخوانید تا به عمق مسئله پی ببرید. برای هر یک از دانش‌آموزان مهم است که موضع خودشان را بیان کنند. بعد می‌توانید بهترین قضاوت را برای درک آن چه اتفاق افتاده است، ارائه دهید؛ حتی در صورتی که داستان‌های دو طرف هم خوانی نداشته باشند. همین که متوجه شدید چه اتفاقی افتاده است، می‌توانید از دانش‌آموزان بخواهید رفتارشان را توضیح دهند. آن‌ها معمولاً یکی از این دو توضیح را برای رفتارشان دارند؛ یا می‌گویند نمی‌دانند چرا چنین کاری انجام دادند یا طرف دیگر را مقصر می‌دانند که از روی بدجنسی رفتار می‌کنند نسبت به آن‌ها انجام داده است. می‌توانید کار را این طور شروع کنید که دانش‌آموزان را راهنمایی کنید در این باره بحث کنند که چگونه می‌توانستند با این موقعیت به طور متفاوتی کنار بیایند یا از آن‌ها بپرسید چرا انتخاب کردند که آن گونه رفتار کنند، و وادارشان کنید ببینند که چگونه اعمالشان احساسات افراد را جریحه‌دار کرده است.

امید است طرف یا طرف‌های مقصر عذرخواهی کنند. همین که عذرخواهی کردند، حائز اهمیت است که در این باره بحث کنید که در چنین موقعیتی در آینده چه طور باید عمل کرد. بگذارید دانش‌آموزان بگویند که به جای آن رفتار چه کارهایی باید انجام دهند. مهم است که این بحث را دانش‌آموزان هدایت کنند و برای این نوع مسائل به راه‌حل‌های خودشان

برسند. بدین ترتیب، احساس تعلق کرده و برای آن چه انجام می‌دهند و می‌گویند احساس مسئولیت می‌کنند. بعد از این که به شما گفتند که چه طور باید رفتار می‌کردند و در آینده چه طور باید رفتار کنند، می‌توانید ایده‌های‌شان را تحسین کنید؛ ولی حتماً پیامدهای دوباره رخ دادن چنین رفتاری را به آنان یادآور شوید. همین که این کار به اتمام رسید، می‌توانید برای دانش‌آموزان نوعی تکلیف کلاسی تعیین کنید تا بین‌شان پیوند دوستی ایجاد شود. مثلاً می‌توان از دانش‌آموزان خواست درباره یک تعارض (کشمکش) شخصی بنویسند و آن را با هم کلاسی‌هایشان در میان بگذارند یا با الگوی ایفای نقش، درگیر یک رفع تعارض (کشمکش) شوند.

### دلایل تعارض

کشمکش‌ها یا تعارضات کلاس درس یا بین دو دانش‌آموز یا دو گروه دانش‌آموزی مانند مثال بالا و یا بین دانش‌آموز و معلم پیش می‌آید. آن‌چه کشمکش را به وجود می‌آورد، نیازهای دو طرف است. بنابراین می‌گوییم هر دو مشکل دارند. «بیابید نگاهی به وضعیت معلمی بیندازیم که بعد از تعطیلی مدرسه، به دلیل این که دانش‌آموزان کلاس را به هم می‌ریختند، مجبور بود آن را مرتب و تمیز کند. کشمکش بر سر چیست؟ حق قانونی معلم این است که در پایان وقت بدون این که برای جمع و جور کردن کلاس زمانی را صرف نماید، آن‌جا را ترک کند و از طرفی دانش‌آموزان کلاس را به هم می‌ریزند و در تمیز کردن آن‌جا کمکی نمی‌کنند. نیاز هر دو در این مورد مطرح است.»

ناسازگاری، خواه یک عدم توافق جزئی باشد یا یک جنگ اساسی، علت همیشه یکی است: یکی از طرفین یا هر دو می‌گویند: «کاری که تو برای من می‌کنی (یا نمی‌کنی)، زندگی و ارضای نیازهایم را مشکل می‌سازد.» (گوردون، ۱۳۸۴: ۲۱۸)

گوردون معتقد است، از کلمات «مقتدر» و «آسان‌گیر» به قدری در تعلیم و تربیت استفاده یا سوءاستفاده شده که احساسات و هیجانات زیاد و بحث‌های داغی را برمی‌انگیزند. وی در کلاس‌های «فرهنگ تفاهم در مدرسه» از سه روش برای حل کشمکش‌ها صحبت می‌کند. روش‌های ۱ و ۲ روش‌های برد و باختی هستند. در روش ۱ معلم سعی می‌کند با قدرت کشمکش را به نفع خود حل کند (برد با او باشد). (همان، ۲۲۱)

### حل تعارض

برخی از یافته‌های تحقیقات درباره روش ۱ نقل شده

ما، به عنوان معلم، به دانش‌آموزان فقط ریاضی، علوم و زبان درس نمی‌دهیم، بلکه به آن‌ها آموزش می‌دهیم که چگونه به بزرگسالانی وظیفه‌مند شوند

در گیر در کشمکش برای یافتن راه حلی که برای هر دو طرف قابل پذیرش باشد، به هم می پیوندند، راه حلی که لازمه اش باخت هیچ کس نباشد. [همان، ۲۵۸] این روش یک فرایند است، فرایندی گام به گام که در نهایت به حل اختلاف می رسد. گوردون شش مرحله این فرایند را به ترتیب زیر بیان می کند:

۱. مشخص کردن مسئله:

۲. به وجود آوردن راه حل های ممکن:

۳. ارزش یابی راه حل ها:

۴. انتخاب بهترین راه حل:

۵. تصمیم گیری برای به عمل در آوردن آن:

۶. ارزیابی اندازه خوبی حل شدن اختلاف:

توماس گوردون در کتاب «فرهنگ تفاهم در مدرسه» یک نمونه از روش ۳ را به نقل از یک معلم می آورد که مراحل ۱ تا ۴ را به خوبی طی می کند. برای روشن تر شدن استفاده از روش ۳ در عمل این مثال عیناً نقل می شود: «معلم: مسئله ای دارم که نیازمند کمک شماست. صحبت زیاد است و احساس می کنم همیشه مجبورم شما را ساکت کنم. من از این کار خوشم نمی آید. زمان هایی هست که برای تدریس به سکوت احتیاج دارم، اما وقتی شما صحبت می کنید، باید حرف هایم را تکرار کنم و آن چه را گفته ام، دوباره از نو بگویم. در عین حال می دانم شما هم احتیاج به حرف زدن دارید. بیایید در مورد تمام کارهایی که می توانیم انجام دهیم، تا هم من به نیاز خودم برسیم و هم شما. فکر کنیم. من چند پیشنهاد می دهم، و شما هم هر پیشنهادی که به فکر تان می رسد بدهید. من همه را روی تخته می نویسم. تمام پیشنهادها بدون هیچ گونه اظهار نظری نوشته خواهد شد. بعداً روی آن ها بحث خواهیم کرد و آن چه را که شما نمی خواهید یا من نمی خواهم، حذف می کنیم.

(راه حل های متفاوت زیر پیشنهاد و روی تخته سیاه نوشته شد.)

۱. تغییر دادن جاها:

۲. تنبیه:

۳. هر وقت که می خواهیم، حرف بزنیم:

۴. هر روز وقت معینی را برای صحبت کردن بگذاریم:

در کتاب «فرهنگ تفاهم» از قرار زیر است:  
 ○ در وضعیت هایی که لازمه انجام عملی فوری است، این روش می تواند سریع و کافی باشد «زود آن کارد تیز را بگذار زمین!»

○ وقتی عده زیادی در گیر مسئله ای هستند، این روش ممکن است تنها روش قابل انتخاب باشد؛ چون بسیار مشکل است که بتوان با تک تک آن ها به توافق رسید «همایش تمام شده، تا ۱۵ دقیقه دیگر درهای سالن باید قفل شوند، بنابراین همه سالن را سریع ترک کنید.»

○ باعث ایجاد رنجش و اغلب خصومت نسبت به شخص برنده می گردد. هیچ کس حوشش نمی آید به او بگویند چه کند و به حوشش می بخشد.

○ اغلب بازنده، انگیزه های برای عمل به راه حل ندارد و بیشتر تظاهر به انجام آن می کند.

○ برنده اغلب باید به شدت روی انجام عمل تأکید کند. «من نصف وقت کلاس را مثل پلیس ها می گذرانم.» وقتی فرد تأکید کننده حضور ندارد، بازنده ها کار نمی کنند.

○ این روش جلو رشد خود مسئولی و خود جهت دهی را می گیرد و باعث به وجود آمدن وابستگی و نیاز به گفتن آن چه باید انجام شود، می گردد. [همان، ۲۲۴ و ۲۲۵]

به طور کلی استفاده مکرر از روش ۱ که به بازندگی دانش آموزان ختم می شود ممکن است مشکلات روحی و گاه جسمی برای دانش آموزان ایجاد کند. این مشکلات شامل در خود فرو رفتن، بیرون رفتن از جمع و خیال بافی می شود.

در روش ۱ معلم برنده و دانش آموز بازنده است، در حالی که در روش ۲ معلم بازنده است و دانش آموز برنده. «در روش ۲ معلم است که نتیجه مطلوب کمتری نصیبش می شود. اوست که به نیازهایش نمی رسد، رنج می برد و نمی تواند کارش را بکند. تدریس به صورت زجر و حتی کابوس در می آید.» [همان، ۲۴۸] البته وقتی در کشمکشی معلم بازنده می شوند، در پایان با شیوه های دفاعی مخصوص خودشان عمل می کنند: «تلافی کردن یا امتحان کردن بدون اطلاع قبلی، پایین آوردن نمرات برای بد اخلاقی یا اشتباهات کوچک در کار دانش آموز، ... به دست آوردن دل دانش آموزان، سعی در محبوب ترین معلم بودن، «معلم خوبه» شدن! یا سر کیسه نمره را شل کردن. سازش کاری، دست به هیچ کار تازه ای نزدن، انجام حداقل کار مورد انتظار برای گذران اوقات.» [همان، ۲۴۸]

### روش برنده - برنده

گوردون روش ۳ را روش بدون باخت حل تعارض یا کشمکش ها می داند. طبق نظر وی «موضع روش ۳ در مقابل وضعیت کشمکش نیازها، این گونه است که افراد



۵. وقتی صحبت کنیم که دیگران حرف نمی‌زنند؛

۶. اصلاً حرف نزنیم؛

۷. هر بار نصف کلاس را درس بدهید و نصف دیگر

کلاس اجازه حرف زدن داشته باشند؛

۸. زیر لب حرف زدن؛

۹. فقط کار شفاهی داشته باشیم.

معلم: حالا بیایید پیشنهادهایی را که واقعاً دوست

نداریم، حذف کنیم. من شماره‌های ۲، ۳ و ۹ را حذف

می‌کنم چون آن‌ها را دوست ندارم. (چندین نفر از

شاگردان پیشنهاد حذف شماره‌های ۲، ۶ و ۷ را دادند.)

معلم: حالا بیایید به پیشنهادهای باقی‌مانده نگاهی

ببندازیم. شماره ۱ «عوض کردن جاها» چه طور است؟

(دانش‌آموز) مریم: شما قبلاً این کار را کرده‌اید و

تأثیری نداشته. (بعد از یک بحث کوتاه تمام کلاس توافق

کردند آن را حذف کنند.)

معلم: «هر روز زمان خاصی را برای حرف زدن

بگذاریم.» این یکی چه طور؟

(با این راه حل هم هیچ مخالفتی نیست.)

معلم: «زیر لب حرف زدن» در این مورد چه فکری

می‌کنید؟

(با این راه حل هم هیچ مخالفتی وجود ندارد.)

معلم: حالا شماره‌های ۴، ۵ و ۸ باقی ماندند. آیا کسی

می‌خواهد چیزی اضافه کند؟ نه؟ بسیار خوب پس من آن

را روی کاغذ می‌نویسم و همه آن را امضا می‌کنیم. این

همان چیزی است که به آن قرارداد می‌گوییم. این توافقی

است که معلم با کلاس امضا می‌کند. همه ماسعی خواهیم

کرد که قرارداد را محترم بشماریم. سعی می‌کنیم قرارداد

را نشکنیم.»

البته به عقیده گوردون در این مثال، معلم می‌توانست

با طرح این مسئله: «من دوست دارم در مورد نیاز شما به

این همه صحبت بیشتر بدانم. به من بگویید در آن لحظات

چه احساسی دارید؟» دانش‌آموزان را تشویق کند بگویند

چه احتیاجی به حرف زدن دارند و هم چنین بعد از توافق

درباره راه حل‌ها، می‌پرسید که «چه طور می‌توانیم به این‌ها

عمل کنیم؟» [همان، ۲۷۳ و ۲۷۴]

بدیهی است که روش ۳ شرایطی فراهم می‌کند که

دانش‌آموزان رفتاری رشد یافته داشته باشند، متوجه

می‌شوند وقتی رفتارشان مزاحم دیگران است آن را تغییر

دهند، می‌توانند به خود در تصمیم‌گیری و عمل مطابق

تصمیم‌گیری‌هایشان اعتماد کنند.

در انتها چند راهبرد کلی برای حل هر نوع تعارض در

موقعیت‌های گوناگون در اختیاران قرار می‌گیرد:

✓ زمان عصبانیت، خود را از موقعیت جدا کنید و

صبر کنید تا آرام شوید.

✓ به مسئله یورش ببرید نه به شخص. با یک تعریف از

شخص شروع کنید.

✓ احساساتتان را با قدرت بیان کنید نه با حالتی

تجاوزکارانه. احساساتتان را بدون گله کردن از کسی بیان

کنید

✓ متمرکز بر مسئله باشید نه موضع‌گیری خودتان دربارهٔ

مسئله

✓ بپذیرید که ایده‌های افراد ممکن است متفاوت باشند و

این امر را محترم شمارید، سعی نکنید به زور به مقبولیت

برسید، تلاش کنید توافق عمومی ایجاد کنید.

✓ موقعیت را مانند یک مسابقه دوره نکنید طوری که

یک نفر باید برود و نفر دیگر باید بماند. برای یافتن راه‌حلی

تلاش کنید که هر دو طرف بتوانند به بعضی از نیازهایشان

دست یابند.

✓ به جای تمرکز بر حوزه‌های مورد اختلاف و تضاد، بر

حوزه‌های علایق مشترک و توافقات تمرکز کنید.

✓ هرگز دربارهٔ آن چه که دیگری حس یا فکر می‌کند،

سریع نتیجه‌گیری یا پیش‌داوری نکنید.

✓ بدون این که حرف دیگری را قطع کنید، گوش کنید؛

در صورت نیاز برای تضمین درک روشن از مسئله، به

دنبال بازخورد باشید.

✓ به خاطر داشته باشید تا زمانی که در تعارض

(کشمکش) به نیازهای شخص پاسخ گفته نشود، تعارض

(کشمکش) حل نمی‌شود و ادامه می‌یابد.

✓ گذشته را فراموش کنید و در زمان حال بمانید.

✓ «قدرت همراه» با دیگران ایجاد کنید نه «قدرت بر

دیگران».

✓ از شخص مقابل به خاطر گوش دادن به حرفتان تشکر

کنید

#### پی‌نوشت

1. Conflict Resolution Fact Sheet for Teens, National Youth Violence Prevention, www.Safeyouth.org Resource Center.

#### منبع

۱. گوردون، توماس. فرهنگ تفاهم در مدرسه. ترجمهٔ پریچهر فرهادی. انتشارات آیین تفاهم، چاپ سوم، ۱۳۸۴.

2. Jackson Elisa (2010), Conflict Resolution in the Classroom, <http://www.lessonplanet.com/article/teacher-education/conflict-resolution-in-the-classroom>

3. www.khpa.ks.gov/healthquest/download/.../conflictresolution.pdf. Developed by Wholistic Stress Control Institute, Inc. Distributed by the State Wellness Program, a program of the Employee's Benefits Council

3. Conflict Resolution Fact Sheet for Teens, National Youth Violence Prevention, Resource Center, www.Safeyouth.org

4. Developed by Wholistic Stress Control Institute, Inc. Distributed by the State Wellness Program, a program of the Employee's Benefits Council

شماره ۳ آذر ۱۷  
دوره ۲۵

دکتر محمدرضا اسدی یونسی، مرضیه سپاهی



### چه عواملی اثربخشی معلم را بهبود می‌بخشند؟

تدریس امری دوسویه است، در یکسو تلاش و کوشش‌های معلم است و سوی دیگر تلاش‌های دانش‌آموز. برای این که تلاش‌های معلمان کارکرد لازم خود را داشته باشد، نکاتی را در کلاس باید رعایت کرد که امروزه به آن اثربخشی آموزش معلم گفته می‌شود.

#### عوامل مرتبط با اثربخشی معلم

خوشبختانه طی دو سه دهه اخیر یافته‌های پژوهشی همگرا و تأییدکننده یکدیگر در ارتباط با سؤال فوق ارائه شده است (بروفی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱؛ کریمس<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹؛ هی مک بر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰؛ شیرنز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳). برخی از این عوامل تحت عنوان کلی «ویژگی‌های معلم» قرار می‌گیرند. ویژگی‌های معلم صفات نسبتاً ثابتی هستند که با فعالیت‌های حرفه‌ای او مرتبط بوده و بر آن مؤثرند. در جدول شماره ۱، مجموعه‌ای از ۱۲ ویژگی معلم که توسط هی مک بر (۲۰۰۰) طی یک مطالعه گسترده در انگلستان شناسایی شده، ارائه گردیده است. این ویژگی‌ها در چهار شاخه یا مقوله طبقه‌بندی شده است؛ ویژگی‌های حرفه‌ای، تفکر یا استدلال، انتظارات و رهبری.

قابل توجه است که تأثیر ویژگی‌های معلم بر اثربخشی وی به صورت مستقیم نیست، بلکه آن‌ها از طریق اثرشان بر شیوه‌ای که معلمان کلاس‌های خود را سازمان بخشیده و در آن‌ها فعالیت می‌کنند، نقش میانجی یا تعدیل‌کننده بر عهده دارند. به عقیده بلوم<sup>۵</sup> (۱۹۷۲) آن‌چه که معلمان را اثرگذار می‌سازد، کاری است که انجام می‌دهند و آن‌چه که معلمان

انجام می‌دهند بر آن‌چه که دانش‌آموزان یاد می‌گیرند و میزان آن، تأثیر می‌گذارد.

در ادامه فهرستی از فعالیت‌ها و اقداماتی که یک معلم انجام می‌دهد، در قالب یک فهرست وارسی (چک‌لیست) تنظیم گردیده است. هر قدر یک معلم تعداد بیشتری از این فعالیت‌ها و اقدامات را انجام دهد، به همان میزان اثربخشی او بیشتر خواهد بود. این چک‌لیست می‌تواند به عنوان راهنمای معلم و معیاری برای ارزیابی اثربخشی وی باشد. در جدول شماره ۲، جملاتی که توصیف‌کننده عملکرد یک معلم است، آورده شده. لطفاً هر عبارت را با دقت بخوانید، و نظر خود را در خصوص صحت یا مطابقت هر یک درباره خودتان، با گذاشتن علامت x مشخص فرمایید.

نحوه نمره‌گذاری به این صورت است که به پاسخ درست است نمره ۳، تقریباً درست است نمره ۲، تقریباً غلط است نمره ۱، و غلط است نمره ۰ داده می‌شود. سپس نمرات همه سؤال‌ها با هم جمع می‌شود. حداقل و حداکثر نمره به ترتیب برابر با ۰ و ۱۴۴ است. نمره بالا به معنای اثربخشی بیشتر شمامست.

طبقه	ویژگی	توصیف
ویژگی‌های حرفه‌ای	تعهد	تعهد نسبت به انجام هر کار ممکن برای هر یک از دانش‌آموزان و رساندن همه دانش‌آموزان به موفقیت و یا توانا ساختن آن‌ها به کسب موفقیت.
	اعتماد	باور به توانایی خود در مؤثر بودن و مواجهه با چالش‌ها.
	اعتبار	محکم، باثبات و قابل قبول بودن؛ به قول خود عمل کردن.
تفکر/ استدلال	احترام	باور به این که همه افراد مهم بوده و شایسته احترام‌اند.
	تفکر تحلیلی	توانایی تفکر منطقی، تجزیه کردن و تشخیص علت و معلول.
	تفکر مفهومی	توانایی شناسایی الگوها و روابط، حتی زمانی که با امور جزئی سروکار دارد.
انتظارات	انگیزه برای پیشرفت	انرژی معلوم و بی‌پایان برای تعیین و رسیدن به اهداف چالش‌برانگیز برای دانش‌آموزان و مدرسه.
	جستجوگر اطلاعات	انگیزه برای کاوش بیشتر و رسیدن به قلب و درون چیزها؛ کنجکاوی عقلانی.
	ابتکار عمل	انگیزه برای عمل سریع به منظور پیش‌بینی و پیشگیری از حوادث و رویدادها.
رهبری	انعطاف‌پذیری مسئولیت/ پاسخگویی	توانایی و تمایل به سازگاری یا نیازهای یک موقعیت و تغییر تاکتیک‌ها.
	اشتیاق به یادگیری (شور و شوق آموختن)	انگیزه و توانایی برای تعیین انتظارات و ضوابط روشن، و پاسخگو نگه داشتن دیگران برای عمل به آن‌ها.
		انگیزه و توانایی حمایت از دانش‌آموزان در یادگیری‌شان و کمک به آن‌ها که به یادگیرندگان مطمئن و مستقل تبدیل شوند.

آن چه که معلمان را اثرگذار می‌سازد، کاری است که انجام می‌دهند و آن چه که معلمان انجام می‌دهند بر آن چه که دانش‌آموزان یاد می‌گیرند و میزان آن، تأثیر می‌گذارد

ردیف	شماره	درست است	تقریباً درست است	تقریباً غلط است	غلط است	معمولاً
۱	به دانش‌آموزان خود گوش می‌دهم.					
۲	در پایان دو هفته اول سال تحصیلی، دانش‌آموزان خود را با اسم می‌شناسم.					
۳	سعی می‌کنم از زاویه دید دانش‌آموزان خود به مسائل نگاه کنم.					
۴	در کلاس لبخند می‌زنم.					
۵	اعتقاد دارم که دانش‌آموزان قادر به یادگیری درس هستند.					
۶	اشتیاق خود را در آن چه تدریس می‌کنم به کار می‌گیرم.					
۷	به بهبود اثربخشی تدریس خود ادامه می‌دهم.					
۸	انتقادات خود را به دانش‌آموزان به طور شفاف و واضح انتقال می‌دهم.					
۹	اهداف روشنی برای هر درس دارم.					
۱۰	به ارزش آن چه که تدریس می‌کنم اعتقاد دارم.					
۱۱	تلاش می‌کنم که یک محیط (یادگیری) جذاب ایجاد کنم.					
۱۲	در هفته اول سال تحصیلی، برنامه کاری خود را تنظیم می‌کنم.					
۱۳	سعی می‌کنم که ویژگی‌های فردی همه دانش‌آموزان خود را بشناسم.					
۱۴	در کلاس خود به مشارکت، بیشتر از رقابت بها می‌دهم.					
۱۵	در کار با دانش‌آموزان خود، حسی از شوخ طبعی را نشان می‌دهم.					
۱۶	به دانش‌آموزان خود در ازای کارهای خاصی پاداش می‌دهم.					
۱۷	به صورتی منصفانه و مداوم مقررات خود را اعمال می‌کنم.					
۱۸	در کلاس خود بیشتر از بی‌اعتاد و جملات مثبت استفاده می‌کنم تا بیانات منفی.					
۱۹	ترتیب نشستن خود را بر حسب نیاز در حین تدریس تغییر می‌دهم.					

۲۰	پیشرفت‌های مثبت دانش‌آموزان را به والدینشان منتقل می‌کنم.				
۲۱	یادداشت‌های مثبت بر نوشته‌ها و کارهای دانش‌آموزان می‌گذارم.				
۲۲	به دانش‌آموزان خود اجازه اشتباه کردن می‌دهم.				
۲۳	از بزرگ‌نمایی و واکنش افراطی در برابر رفتارهای نادرست جزئی اجتناب می‌کنم.				
۲۴	درس‌ها را چنان جذاب می‌کنم که دانش‌آموزان را به طور فعال درگیر نمایم.				
۲۵	دانش‌آموزان را تشویق می‌کنم که چنانچه بخش‌هایی از درس من را متوجه نمی‌شوند سؤالی بکنند.				
۲۶	فرصت‌های یادگیری خودبده‌خودی را، چنانچه رخ دهند، تقویت می‌کنم.				
۲۷	در کارگاه‌ها یا کلاس‌هایی که مهارت‌های تدریس من را بهبود بخشد شرکت می‌کنم.				
۲۸	از دانش‌آموزان به صورت فردی یا گروهی تعریف و تمجید می‌کنم.				
۲۹	میزان مشغولیت به کار را در کلاس خود حداقل ۸۰ درصد حفظ می‌کنم.				
۳۰	احساس این که همه عضو یک خانواده هستیم را در بین دانش‌آموزان خود ایجاد می‌کنم.				
۳۱	از وقت کلاس بهره‌مناسبی می‌برم.				
۳۲	سعی می‌کنم دروس فعلی را به دانش‌قبلی دانش‌آموزان پیوند دهم.				
۳۳	برای همه دانش‌آموزان زمانی برای بازخورد و تأمل فراهم می‌آورم.				
۳۴	به دانش‌آموزان تمرین هدایت شده می‌دهم.				
۳۵	سرعت و نواخت مناسبی برای دروس خود فراهم می‌کنم (نه خیلی آرام و نه خیلی سریع).				
۳۶	در برنامه‌ریزی دروس خود، تنوع سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان خود را در نظر می‌گیرم.				
۳۷	سؤالات و نظرات دانش‌آموزان را در دروس خود دخالت می‌دهم.				
۳۸	زمانی که دروس کارایی ندارند، آن‌ها را براساس موقعیت هماهنگ می‌کنم.				
۳۹	فرصت‌هایی برای دانش‌آموزان فراهم می‌نمایم که چنانچه عقب افتاده باشند از کمک‌های اضافی بهره ببرند.				
۴۰	به توانایی خود در مدیریت چالش‌هایی که در کلاس درس با آن مواجه می‌شوم، اعتماد دارم.				
۴۱	به هنگام ورود دانش‌آموزان به کلاس به آن‌ها خوشامد می‌گویم.				
۴۲	در تعامل با دانش‌آموزان از طعنه زدن و دست برداشتن آن‌ها اجتناب می‌کنم.				
۴۳	صبح‌ها که وارد ساختمان مدرسه می‌شوم آمادگی انجام هر کاری را دارم.				
۴۴	بدون این که دغدغه کنترل کلاس را داشته باشم کلاس در کنترل است.				
۴۵	قدر هستم که مشکلات رفتاری را در همان ابتدا و قبل از این که تشدید شوند، خنثی نمایم.				
۴۶	به طور مرتب از آن‌چه که در کلاس اتفاق می‌افتد از طریق نظارت مستمر آگاه هستم.				
۴۷	سعی می‌کنم که حواس پرتی، آشفتگی و ایجاد وقفه در درس را به حداقل برسانم.				
۴۸	تدریس را دوست دارم.				
<b>جمع امتیاز (نمره کل)</b>					

**پی‌نوشت**

1. Brophy
2. Creemers
3. Hay Meber
4. Scheerens
5. Bloom

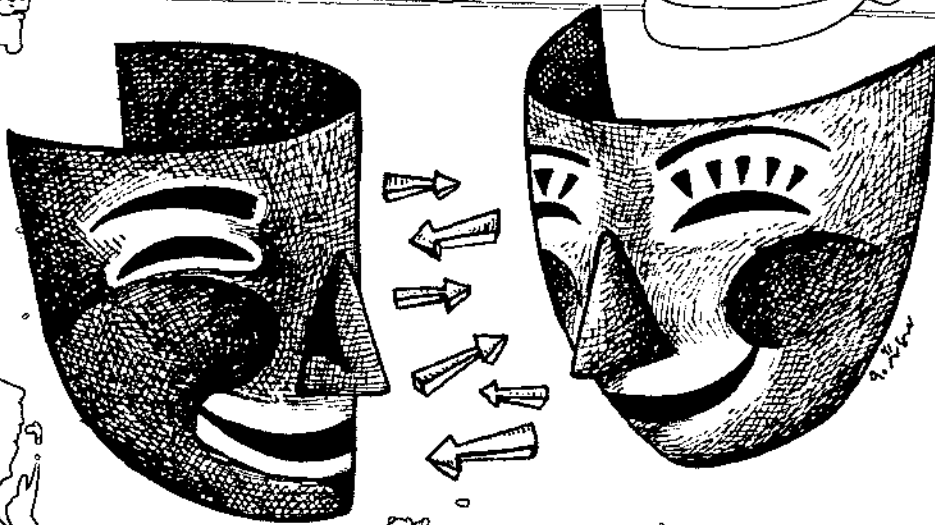
**منابع**

1. Anderson, Lonn W. (2004). Increasing teacher effectiveness. International Institute for Educational Planning. <http://www.unesc.org/ieep>.
2. Effective Teacher Checklist [www.edinboro.edu/Assets/100746.pdf](http://www.edinboro.edu/Assets/100746.pdf) Similar.

موسسه تخصصی آموزش عالی



# طلوع گفت و گو و فریاد



## مجردها بخوانند، متأهل‌ها حتماً حتماً بخوانند

### تعارضات زناشویی

نخواهند بود، بلکه سمی مهلک می‌گردند که اساس زندگی فردی، خانوادگی و شغلی را به خطر می‌اندازند. حال اگر طرفین تعارض هر دو در بیرون از خانه مشغول به کار باشند، دامنه‌ی اثرات مخرب حل نشدن مشکلات به محیط شغلی گسترش یافته و اثربخشی و کارایی فرد را دستخوش تأثیرات منفی می‌کند.

اگر بپذیریم که هیچ زندگی مشترکی، بدون تعارضات قابل تصور نیست، آن‌گاه می‌توان خود را از چرایی به وجود آمدن مشکل رهانید و به جای تحمل فشار، به حل مشکل فکر کرد. همه در زندگی کم و بیش نظاره‌گر مشاجره بین پدر و مادر خود بوده‌اند یا به عنوان همسر گاهی با شریک زندگی‌شان به مشاجره پرداخته‌اند. حتماً شنیده‌اید که قدیمی‌ها می‌گفتند دعوا، نمک زندگی است. شاید منظور آن‌ها این بوده که هیچ زندگی بدون دعوا و تعارض نمی‌شود، اما مهم این است که اگر تعارضات در زندگی مشترک حل و فصل نشوند، دیگر نه تنها نمک زندگی

### مدرسه و بازتاب تعارض

در محیط‌های آموزشی به ویژه مدارس به لحاظ نوع اهداف آموزشی - پرورشی و ذی‌نفعان (دانش‌آموزان،

موضوع ارتباط زوجین را، کمک به اولیا دانش‌آموزان در حل مسائل خانوادگی و تقویت بهداشت روانی کارکنان مدرسه عنوان نمود.

در فاصله برگزاری جلسه شورا، خانم گلستان ارتباط خود با همکارش خانم فروغ را از طریق اهدای یک جلد کتاب «همسر یک دقیقه‌ای» محکم‌تر کرد و آرزو نمود که مطالب کتاب برایش سودمند واقع گردد.

### شورای مدرسه، کلاس مشاوره

روز برگزاری شورای کارکنان مدرسه فرا رسید. طبق معمول، جلسه با تلاوت آیاتی از قرآن مجید و سپس حوسه‌مدکوبی مدیر مدرسه، سر شد. بایست دبیران به ارائه برخی از نظرات همکاران پیرامون امور جاری مدرسه پرداخت. با حضور خانم روان‌شناس در دفتر مدرسه و آغاز بحث، شورای کارکنان رنگ و بوی دیگری پیدا کرد. توانمندی و احاطه سخنران به موضوع و کاربردی بودن سخنانش باعث شده بود که حاضران گوش جان به وی سپرده و مشتاقانه صحبت‌هایش را دنبال کنند. پس از مدتی، دو تن از معلمان با شوخی و خنده به ایشان یادآوری کردند که بخش شیرین و جذاب، ارتباط زوجین، فراموش نشود. وی از این یادآوری ابراز خرسندی نموده و پس از جمع‌بندی بحث ارتباط با دانش‌آموزان به نقش ارتباط زوجین در حل تعارضات زناشویی پرداخت.

یکی از حاضران پرسید، با توجه به این که شما در بخش قبلی اشاره داشتید که یکی از راه‌های مهم تقویت ارتباط، گفت‌وگوست، چرا برخی زن و شوهرها در ایجاد فضای مناسب گفت‌وگو، عاجز و ناتوانند؟ سال‌ها با هم زندگی می‌کنند ولی دریغ از یک گفت‌وگوی سازنده و بدون درگیری مجدد!

### گفت‌وگو برای تفاهم نه تفاسم

کارشناس جلسه سؤال را برای شروع بحث بسیار مناسب ارزیابی کرده و گفت: «درست است، یکی از راه‌های مهم نزدیک شدن زوج‌ها به یکدیگر، گفت‌وگوست. در واقع گفت‌وشنودن از نمادهای ابراز محبت است، البته اگر درست هدایت شود. اگر به همسرمان صریح بگوییم «می‌خواهم با تو صحبت کنم»، ممکن است باعث به وجود آمدن یک واکنش دفاعی در او گردد. واکنش خودکار وی این خواهد بود که «باز چی شده؟»، «چه اشتباهی از من سر زده؟»، «خدا رحم کنده!» و... دیدن طرف مقابل به عنوان یک فرد انتقادی و نکوهش‌کننده باعث می‌شود به سختی بتوانیم با ذهنی آزاد و دلی باز، در مورد مشکل

والدین، جامعه و حکومت) مشکلات حل نشده کارکنان اثرات منفی مضاعفی از خود به جای می‌گذارد. همان‌گونه که در شماره قبل آمده «خانم فروغ» به دلیل تعارضات زناشویی دچار مشکلات شغلی از جمله عدم رعایت نظم در ورود و خروج به مدرسه شده که خود پیامدهای منفی دیگری نیز به همراه دارد. خانم گلستان، مدیر مدرسه، با مشاهده تغییرات نامطلوب رفتار شغلی خانم فروغ بر آن شد که به همکار خود جهت رفع مشکل یاری رساند. با مشورتی که با دوست هم‌دانشگاهی انجام داده بود، تصمیم گرفت در کنار مطابقت شخصی پیرامون روان‌شناسی خانواده از تخصص و مهارت وی نیز در جلسات شورای کارکنان بهره گیرد. بنا بر دوست روان‌شناس خود دعوت کرد تا در یکی از جلسات کارکنان در شورای عمومی مدرسه حاضر شده و در زمینه نقش ارتباط در بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان صحبت نموده و بخشی از بحث را نیز به «راه‌های تقویت ارتباط زوجین» اختصاص دهد. در پی قبول دعوت از طرف دوست خانم گلستان، وی یک هفته قبل از موعد برگزاری جلسه شورا، اطلاعیه‌ای را تنظیم و بر روی تابلو اعلانات دفتر دبیران نصب نمود و موضوع جلسه را به همکاران یادآوری کرد؛ علت تخصیص بخشی از زمان جلسه به



مجله  
آموزش و پرورش

به وجود آمده بحث کنیم. بهتر است به جای این عبارت که «می‌خواهم با تو حرف بزنم» از جملاتی مانند «کاش می‌تونستی امروز چند دقیقه برای شنیدن حرف‌هام وقت بذاری!» یا «می‌تونی به من کمک کنی حالم بهتر بشه؟» استفاده نمود.

در این لحظه یکی از حاضران با خنده گفت: «ببخشید دکتر، این حرف‌ها را خانم‌ها باید به شوهرشان بگویند یا شوهرها به خانم‌هایشان؟»

با طرح این پرسش، افراد دیگر نیز به اظهار نظر پرداختند که: معلوم است ما زن‌های بدبخت! دیگری گفت به ما چه مربوط است، هر کسی دعوا را شروع کرده باید این‌جا هم شروع کند و...

در پاسخ به این پرسش، خانم روان‌شناس گفت که تفاوتی نمی‌کند. درست است که این راهکارها در جمع خانم‌ها مطرح می‌شود اما این بدان معنا نیست که مردان نمی‌توانند از این رهنمودها بهره‌گیرند. اصل بر این است که هر کس زندگی‌اش را بیشتر دوست دارد و آگاه‌تر است باید آغازگر نیز باشد.

یکی از حاضران گفت مشکل این‌جاست که دو طرف نمی‌دانند که چگونه باید گفت‌وگو کنند، به چه مواردی باید توجه کنند تا گفت‌وگو به قهر مجدد و تعارضی دیگر ختم نشود؟!

این پرسش توجه خانم فروغ را به بحث دو چندان کرد؛ با دقت بیشتر دست به قلم برد تا پاسخ کارشناس جلسه را یادداشت کند.

### مهارت‌های گفت‌وگو

چند نکته بسیار مهم است:

● به خاطر داشته باشید در گفت‌وگو هرگز از گذشته مثال نزنید. وقتی مثالی از گذشته می‌زنید، مشکلی به مشکل فعلی‌تان اضافه می‌کنید و آن مشکل، این است که خاطره کدما تان درست‌تر و حافظه کدما تان قوی‌تر است.

● اگر موضوع مورد بحث، مسئله‌ای است که بارها تکرار می‌شود، مثلاً همسر تان همیشه دیر به خانه برمی‌گردد، باز هم به آخرین مورد اشاره کنید (دیشب دیر آمدی) شما می‌توانید احساساتان را بیان کنید و اجازه دهید وی از نقطه نظر تان آگاه شود.

● هرگز در بحث‌هایتان به قطع رابطه اشاره نکنید و همسر تان را تهدید به جدایی ننمایید. حتی اگر تصمیم به انجام آن دارید. بدانید هرگاه کسی تهدید به جدایی شود، حس اضطراب و سرخوردگی به وی دست می‌دهد و گاهی تنها هدف او تلاش برای حفظ رابطه و نگه داشتن طرف مقابل به هر قیمتی می‌شود.

● یکی از اشتباهات موجود در گفت‌وگوهای زناشویی برای حل مسئله این است که زوج‌ها به سرعت بعد از به نتیجه رسیدن در موضوعی، به سراغ موضوع و مشکل دیگر می‌روند. هرگاه در مورد مسئله‌ای با موفقیت به نتیجه رسیدید، دست همدیگر را بفشارید و بگویید «متشکرم».

● بعد از رسیدن به نتیجه مطلوب، هر قدر هم که نتیجه کوچک باشد، برای همدیگر هدیه بگیرید. یادداشتی بنویسید و در محلی مناسب نصب کنید. این کار تجدید قوا نام دارد و همسر تان را برای تلاش به منظور حل مشکلات زندگی تشویق می‌کند.

● از نقش ارتباط غیر کلامی در حین گفت‌وگو غافل نشوید

یکی از حاضران پرسید منظور از رفتار و ارتباط غیر کلامی چیست؟

### زبان بدن

خانم روان‌شناس این چنین پاسخ داد: «ارتباط و رفتارهای غیر کلامی مانند حالت‌های گوناگون چهره، نحوه نشستن، ژست‌های بدن می‌تواند نگرش و احساسات افراد را به دیگران منتقل کند و در بسیاری موارد حتی مؤثرتر از پیام‌های کلامی باشد. به نظر می‌رسد که زنان در این مورد از مردان قوی‌ترند. لذا باید توجه داشت که از نگاه خصمانه، قهرآلود، بی‌تفاوتی در رفتار یا عملی که تهاجم را القا می‌کند، پرهیز نمود. نگاه مهربان و عاشقانه می‌تواند به گوینده کمک کند تا سخت‌ترین و تلخ‌ترین مطالب را بر زبان آورد و باعث تنفر و تهاجم نشود.»

عقربه‌های ساعت روی دیوار، پایان زمان جلسه را نشان می‌داد. هر چند که کارکنان حاضر در جلسه مشتاقانه ادامه بحث را طلب می‌کردند اما روان‌شناس خوش سخن ضمن تشکر از توجه وافر و همکاری مخاطبان ختم جلسه را اعلام نمود. رضایت همکاران از موضوع، محتوا و تبحر کارشناس برنامه، سبب دلگرمی خانم گلستان جهت برنامه‌ریزی برای ادامه بحث در جلسات آتی را فراهم آورد. برق امیدوی که در چشمان خانم فروغ موج می‌زد و تشکر بی‌دری سایرین از حضور خانم روان‌شناس، امیدواری خانم گلستان را در نتیجه‌بخش بودن جلسه شورای همکارانش صد چندان ساخت. او در ذهنش اقدام به طراحی جلسات آموزش خانواده با موضوع ارتباط زوجین نمود و به دنبال راه‌حل‌های بهتر برای حل مشکل خانم فروغ و فروغ‌های دیگری بود که هنوز مشکل خودشان را به او نگفته بودند.

### منابع

۱. میلانی‌فر، بهروز، ۱۳۷۶. بهداشت روانی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات قومس.
2. Amato, Paul R. 2008. "The Consequences of Divorce of Adults and Children." *Journal of Marriage and Family* 62(4): 1269- 1287.



# آزمون با همگان جهانی تیمز و پرلز

گفت و گو: زهرا شعبانی



عکس: عبدالعظیم کریمی

موضوع مطالعه انجمن بین‌المللی ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی IEA، صرفاً «رقابت» و «برتری جویی» آن هم در سطح بین‌المللی نیست! بلکه یک آینه تمام‌نما فراهم شده است تا هر کشوری بتواند چهره نظام آموزش و پرورش خود را در زمینه وضعیت نظام آموزشی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزانش در آن ببیند؛ آن هم در کنار تصویر نظام آموزش و پرورش سایر کشورها. شاید بگویید چرا موضوع را می‌پیچانی؟ این که همان «رقابت» است!

وقتی با فرایند کاملاً علمی - پژوهشی مطالعه تیمز و پرلز آشنا شوید، آن وقت راحت‌تر می‌شود به قضاوت نشست و شاید این موضوع دغدغه ذهنی شما هم بشود که ای کاش از نتایج این مطالعه سراسری به بهترین شیوه ممکن استفاده گردد.

یکی از فعالیت‌های علمی دکتر عبدالعظیم کریمی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش و هماهنگ‌کننده مطالعات تیمز و پرلز، همین نکته است.

گفت‌وگو با ایشان نیز یکی از فرصت‌هایی است که ما را در یک تعامل فکری چند جانبه با شما قرار می‌دهد.

شنیده‌ایم که نتایج آزمون‌های تیمز و پرلز از اعتبار و روایی چنان بالایی برخوردارند که می‌توان از نظر علمی و پژوهشی به آن‌ها استناد کرد. با توجه به این که مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی در سال تحصیلی ۹۰ می‌خواهد در فرایند مشاوره دو جانبه با مخاطبانش باشد، بررسی این دو آزمون را دست‌مایه قرار دادیم تا در جست‌وجوی یک راهکار دیگر جهت بالا بردن توانایی‌های معلم ایرانی بر آییم.

### تیمز و پرلز

اگر بدانید که تیمز و پرلز فراتر از یک آزمون هستند و در واقع یک مطالعه همه جانبه تلقی می‌شوند، بیشتر می‌توانید به نتایج آن استناد کنید. از این که از این زاویه به این مطالعه مهم می‌نگرید، خوشحالم. از کجا شروع کنیم؟

○ طبق قاعده، منطقی است که از یک تعریف ساده از زبان کسی که یک دهه هماهنگ‌کننده ملی این دو مطالعه بوده شروع کنیم؛ موافقید؟

بله. مطالعه تیمز TIMSS<sup>۱</sup>، (مطالعه بین‌المللی روندهای آموزش ریاضیات و علوم) و مطالعه پرلز PIRLS<sup>۲</sup>، (مطالعه بین‌المللی پیشرفت سواد خواندن) از مهم‌ترین و وسیع‌ترین مطالعات تطبیقی در قلمروی ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی است که تحت نظر انجمن بین‌المللی ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی انجام می‌شود.

### انجمن بین‌المللی ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی

○ هویت این انجمن چیست؟

یک نهاد مستقل و معتبر پژوهشی در سطح جهان است که با هدف بهبود و ارتقای وضعیت آموزشی کشورهای شرکت‌کننده توانسته است تاکنون دهها مطالعه تطبیقی در زمینه پیشرفت تحصیلی ارائه کند؛ تیمز و پرلز دو مطالعه از این مطالعات هستند. یافته‌ها و اطلاعات به دست آمده از مطالعات این انجمن یک منبع مهم جهت کشف و شناسایی نقاط ضعف و قوت نظام‌های آموزشی کشورها در مقیاس ملی و بین‌المللی و ارائه راهکارهای علمی و مؤثر در بهبود فرایند یاددهی و یادگیری است.

در واقع هدف این انجمن با سابقه بیش از نیم قرن مطالعات بین‌المللی را می‌توان ارتقای کیفی عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان جهان دانست.

○ بازتاب نتایج و یافته‌های تیمز و پرلز پیشرفته در کشورهای شرکت‌کننده چگونه بوده است؟

حساسیت‌ها و واکنش‌های متفاوتی را به همراه داشته است. از یک اطلاع‌یابی صرف تا اهتمام همه جانبه برای انجام اصلاحات آموزشی و فراتر از آن، تغییر سیاست‌ها و راهبردهای کلان و ملی بوده است.

○ ایران از چه سالی در این دو مطالعه شرکت کرده؟  
از سال ۱۳۷۰ برابر با ۱۹۹۱ میلادی ایران رسماً همکاری خود را با این انجمن شروع کرده است. هر چند قبل از انقلاب نیز ایران در دو یا سه مطالعه شرکت داشته است.

○ ایران تاکنون در چند مطالعه تیمز و پرلز شرکت داشته؟

با توجه به این که مطالعه تیمز هر چهار سال یک بار و پرلز هر پنج سال یک بار برگزار می‌شود، ایران تاکنون در شش مطالعه تیمز در سال‌های ۱۹۹۵، ۱۹۹۹، ۲۰۰۳، ۲۰۰۷، ۲۰۱۱ و تیمز پیشرفته ۲۰۰۸ و سه مطالعه پرلز در سال‌های ۲۰۰۱، ۲۰۰۶ و ۲۰۱۱ حضور داشته است. ویژگی مطالعه همزمانی تیمز و پرلز ۲۰۱۱ این است که نتایج آن با توجه به امکان مقایسه عملکرد سواد خواندن دانش‌آموزان پایه چهارم با عملکرد علوم و ریاضیات همان پایه قابل تأمل خواهد بود.

○ مطالعات فوق در کدام درس‌ها و پایه‌ها صورت می‌گیرد؟

مطالعه تیمز، ارزیابی و نظارت بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در دروس ریاضیات و علوم پایه چهارم ابتدایی و سوم راهنمایی است. و تیمز پیشرفته، (TIMSS Advanced) ۲۰۰۸ در حوزه فیزیک و ریاضیات پیش دانشگاهی بود. مطالعه پرلز نیز بر سنجش توانایی سواد خواندن دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی تمرکز دارد.

برنامه‌ریزی آزمون

○ چگونه انجمن IEA برای بیش از شصت کشوری که همه داوطلبانه در این مطالعه شرکت می‌کنند، برنامه‌ریزی می‌کند؟ در واقع می‌خواهم بپرسم دانش‌آموزان ما به پرسش‌هایی پاسخ می‌دهند که با توجه به شرایط نظام آموزش و پرورش و فرهنگ‌های بومی کشورشان طراحی شده است؟

این انجمن تمام کشورهای شرکت‌کننده را در تهیه و تدوین سؤال‌ها مشارکت می‌دهد. در نهایت هماهنگ‌کنندگان ملی<sup>۳</sup> مطالعه در هر کشور فرصت دارند تا نمونه سؤال‌های پیشنهادی خود را به همراه معیارهای نمره‌گذاری ارائه دهند و اطمینان حاصل کنند که این پرسش‌ها، در قالب اهداف و چهارچوب درسی کشور مورد نظر طراحی شده است.

○ آیا سؤالات تیمز بر اساس برنامه درسی کشورهاست؟  
بله. مطالعه تیمز همواره بر اساس این سه پرسش در برنامه درسی اجرا شده است: ۱. از دانش‌آموزان هر کشوری انتظار می‌رود چه چیزهایی یاد بگیرند؟ (برنامه قصد شده توسط نظام آموزش و پرورش آن کشور) ۲. چه کسانی با چه شرایطی و امکاناتی و با چه نوع سازمان‌دهی و روش‌هایی این آموزش‌ها را ارائه می‌دهند؟ (برنامه اجرا شده در نظام آموزش و پرورش آن کشور) ۳. دانش‌آموزان تا چه اندازه آن‌چه را که انتظار می‌رفته، در مراحل و حیطه‌های مختلف یاد گرفته‌اند؟ (برنامه کسب شده)

○ به نظر شما این مطالعه می‌تواند با به کارگیری صدها متغیر پیشینه‌ای مانند یک آینه تمام‌نما، عملکرد ما را به خودمان نشان دهد؟

البته. در مورد سؤالات آزمون مرکز بین‌المللی ISC تیمز و پرلز مستقر در دانشگاه بوستون ابتدا سؤالات پیشنهادی را از هر کشوری دریافت می‌کند و با توجه به شاخص‌های

مطالعات تیمز و پرلز  
آینده‌ای شفاف و تمام‌نما  
برای دین و وضعیت  
نظام‌های آموزشی  
کشورهای شرکت‌کننده  
است

روند عملکرد ایران در  
تیمز و پرلز در مجموع  
رو به بهبودی است

این انجمن تمام  
کشورهای شرکت‌کننده  
را در تهیه و تدوین  
سؤال‌ها مشارکت  
می‌دهد



اگر معلم، عاشق معلمی نباشد و برای معلمی ساخته و آماده نشده باشد، هر قدر بر روی او سرمایه گذاری شود نه تنها سودی ندارد بلکه بعضاً نتیجه معکوس دارد



مجموعه سوال های علوم و ریاضیات تیمز TIMSS (۹۹ نهم ناسیونالی)

به همراه:

- ۱۰۰ سوال تستی و ۱۰۰ سوال تشریحی
- ۱۰۰ سوال تستی و ۱۰۰ سوال تشریحی
- ۱۰۰ سوال تستی و ۱۰۰ سوال تشریحی

پیدا و راهنمای تصحیح و نمره گذاری سوال ها

روان‌سنجی و ارزش‌یابی و متغیرهای مهمی مانند برنامه درسی ملی و آن‌چه که اجرا می‌شود، پس از انجام یک مرحله مقدماتی برای تعیین درجه دشواری و قوه تشخیص، سؤال‌ها را انتخاب می‌کند.

سه نوع برنامه

○ این سه برنامه از سوی انجمن چگونه تعریف شده‌اند؟

در واقع مطالعه‌های مانند تیمز تصویر جامع و روشنی از عملکرد نظام‌های آموزشی کشورها را در قالب «برنامه درسی قصد شده»، «برنامه درسی اجرا شده» و «برنامه درسی کسب شده» در آموزش ریاضیات و علوم نشان می‌دهد. بررسی تحلیلی و مقایسه‌ای در یک از این مؤلفه‌ها می‌تواند سهیم عوامل مؤثر بر فرایند یاددهی-یادگیری دانش‌آموزان را در دوره‌های مختلف تحصیلی مشخص کند.

«برنامه قصد شده» معطوف به مجموعه هدف‌هایی است که در قالب «درون‌داد»های آموزشی (خط مشی‌ها، کتاب‌های درسی، آزمون‌ها، ...) تعیین شده و «برنامه اجرا شده»، ناظر بر «فرایند»های آموزشی است که مشخص می‌کند معلم چه چیز را با چه امکانات و روش‌هایی به دانش‌آموزان ارائه می‌دهد. به عبارت دیگر «برنامه اجرا شده» از متغیرها و بافت‌های آموزشی جامعه و مدرسه نظیر جو سازمانی، ویژگی‌های محیط آموزش، انگیزه‌ها و نیازها تأثیر می‌پذیرد. «برنامه کسب شده» یا «برون‌داد»ها، آن‌چه را که دانش‌آموزان در کارنامه تحصیلی و درسی خود کسب کرده‌اند مورد سنجش قرار می‌دهد.

در واقع دانش‌آموزان به پرسش‌هایی پاسخ می‌دهند که متعلق به خودمان است. در تیمز ۲۰۰۷ حدود هفتاد درصد پرسش‌ها تحت تعالیم درسی ایران بود. در برخی کشورها این هم‌پوشانی تا ۸۰ درصد هم رسیده است. آن ۲۰ درصدی که به ظاهر در چهارچوب نظام آموزش و پرورش ایران نبوده بیشتر به خاطر نظام حفظ مطلب درسی و عدم درک درست مطلب در کشورمان است. برای مثال همیشه به دانش‌آموز گفته‌ایم «مساحت این مستطیل را حساب کن» اما در مطالعه تیمز گفته می‌شود «مساحت این اتاق را به دست بیاور».

○ در ایران برنامه درسی یا همان «برنامه قصد شده» با برنامه اجرا شده و آن‌چه توسط دانش‌آموز کسب شده، بسیار مغایر است. این نکته در مطالعه‌های تیمز و پرلز در نظر گرفته می‌شود؟

بله. آن‌چه که در نظام آموزش و پرورش در برنامه درسی قصد می‌شود، دارای ابعاد مختلف است ولی البته با آن‌چه که به دانش‌آموز آموخته می‌شود و آن‌چه که او کسب می‌کند، تفاوت بزرگی دارد.

عوامل مؤثر در مطالعه تیمز و پرلز

در مطالعه تیمز و پرلز علاوه بر سؤال‌های آزمون، در پرسش‌نامه‌های پیشینه‌کاوی که به طور اختصاصی برای دانش‌آموز، معلم، والدین، مدیر مدرسه و مؤلف کتاب‌های درسی طراحی می‌شوند، رابطه بسیاری از متغیرها با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان اندازه‌گیری می‌گردد. فرض کنید از

دانش‌آموز پرسیده می‌شود معلم شما تا چه اندازه از کتاب‌های کتاب‌خانه در تدریس بهره می‌برد و از معلم هم می‌پرسد که آیا از کتاب‌خانه مدرسه در تدریس استفاده می‌کنید. همین پرسش به شکل دیگر از والدین و مدیر مدرسه پرسیده می‌شود.

شهری یا روستایی بودن دانش‌آموز، قبل از مدرسه در خانه به چه زبانی صحبت می‌کرده، آیا در خانه کامپیوتر دارد، آیا میز تحریر دارد، تحصیلات پدر و مادر، مدرسه در چه موقعیت شهری قرار دارد، تجهیزات رفاهی و علمی مدرسه در چه سطحی است و دهها پرسش دیگر از این چند گروه پرسیده می‌شود تا در تحلیل نهایی رابطه بین این متغیرهای پیشینه‌ای با نمره دانش‌آموز در درس مربوطه مشخص شود. تیمز حدود ۱۴ دفترچه آزمون در هر ماه و چهار نامه سشنه‌کاوی برای مدیران، معلمان، دانش‌آموزان و والدین آن‌ها دارد و پرلز حدود ۱۳ دفترچه در دو بخش متون ادبی و اطلاعاتی.

دفترچه‌های آزمون ممکن است برای دو دانش‌آموز در یک کلاس با توجه به انتخاب تصادفی برنامه نرم‌افزاری متفاوت باشد؛ یعنی به عنوان مثال ممکن است یک دانش‌آموز دفترچه شماره ۱۰ را بگیرد و آن دیگری دفترچه شماره ۷ را. البته درجه دشواری پرسش‌ها تقریباً یکی است.

○ آیا انجمن بین‌المللی ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی (IEA) به عنوان مرکزی که دو مطالعه مهم تیمز و پرلز، هسته مطالعات آن را تشکیل می‌دهند، یک انجمن متمرکز است؟

خیر. IEA بخش‌های مختلف این مطالعات به مرکز علمی معتبر جهانی توزیع شده است از جمله این که مسئولیت هدایت و مدیریت این دو پروژه را به مرکز بین‌المللی مطالعه تیمز و پرلز در دانشگاه بوستون (دانشگاه علوم تربیتی) آمریکا محول کرده است. و بخش داده‌پردازی آن در مرکز داده‌پردازی هامبورگ آلمان، و نمونه‌گیری آن در مرکز آمار کانادا<sup>۱</sup> در اتاوا انجام می‌گیرد.

جایگاه جمهوری اسلامی ایران در تیمز و پرلز

○ از این که با دقت و وسواس روند مطالعات انجمن را توضیح دادید، سیاست‌گذارم، اجازه می‌دهید با توجه به این که شما در تمام دوره‌هایی که ایران در دو مطالعه تیمز و پرلز شرکت داشته مسئول و هماهنگ‌کننده ملی بودید، نگاهی به جایگاه و روند عملکرد دانش‌آموزان ایران در این مطالعات داشته باشیم. البته اگر اجازه بدهید در این مجال کمتر از اعداد و ارقام استفاده کنیم.

البته عملکرد دانش‌آموزان ایران در تمام دوره‌های تیمز و پرلز پایین‌تر از میانگین عملکرد بین‌المللی بوده است؛ اما اگر بخواهیم درس‌ها را تفکیک نکنیم از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۸ روند پیشرفت تحصیلی ایران سیر صعودی پیدا کرده است. گامی حرکت زیگزاگی داشته‌ایم اما آن‌چه برای این کار با تیم بین‌المللی و هماهنگی فعالیت‌های درون کشوری ضروری می‌نماید، این است که هر کشوری که از نتایج تیمز و پرلز بهره‌برداری کرده، تأثیر آن را در مطالعه بعدی تیمز و پرلز مشاهده کرده است.



معلم علاقه‌مند به شغل معلمی، یک هنرمند خلاق است که پیوسته می‌تواند موج یادگیری را در دانش‌آموزان به جریان بیندازد

هدف انجمن بین‌المللی ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی، ارتقای کیفی عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان جهان است



برخی از پژوهشگران شاخص‌های توسعه‌یافتگی را عامل پیشرفت می‌دانند اما این فرضیه همه جا صادق نیست. مثلاً کشور نروژ علی‌رغم این‌که به عنوان یک کشور توسعه‌یافته شناخته شده است در اغلب مطالعات تیمز در زیر میانگین و در پرلز ۲۰۰۶ در رتبه ۲۵ جدول قرار می‌گیرد. برای کشف عوامل و علل واقعی باید مطالعه بیشتری انجام بگیرد. یک نمونه جالب در مورد نتایج پرلز ۲۰۰۶ در مقایسه با پرلز ۲۰۰۱ است که برخی از کشورها با روند صعودی و نزولی قابل توجهی مواجه شدند.

باید دید چه اتفاق بزرگی در نظام آموزشی کشورهایی نظیر روسیه، هنگ کنگ و سنگاپور رخ می‌دهد که از مقام‌های میانی جدول در پرلز ۲۰۰۱ جهش می‌کنند و در پرلز ۲۰۰۶ در صدر جدول قرار می‌گیرند و برعکس کشورهایی چون انگلیس، سوئد و بلغارستان با یک روند کاهشی از صدر جدول در پرلز ۲۰۰۱ به میانه جدول در پرلز ۲۰۰۶ سقوط می‌کنند. پاسخ این پرسش را باید با مطالعه علمی پژوهشی داد. اما آن‌چه که می‌توان از مطالعات استنباط کرد، توجه به چند عامل مهم است: نخست، رضایت درونی معلم و آموزش حرفه‌ای او و سپس انگیزه و پشتکار دانش‌آموز در یادگیری. این دو عامل را مطرح کردم و اگر اجازه بدهید به نکته مهم‌تری اشاره نمایم.

#### بایدها و نبایدها

در مقاله‌ای تحت عنوان «آن‌چه باید و نباید از نتایج تیمز و پرلز بیاموزیم» به این مهم پرداخته‌ایم که می‌تواند نتایج این تحقیقات را بدون ملاحظات فرهنگی و الزامات بومی‌سازی به شکل صوری تعمیم دهیم.

#### در این مورد بیشتر توضیح می‌دهید؟

بله؛ مثلاً در بررسی‌هایی که کشور آمریکا از نظام آموزشی سنگاپور تحت عنوان «آن‌چه آمریکا باید از سنگاپور بیاموزد» انجام داده است، مشخص کرده که مهم‌ترین عامل موفقیت سنگاپور در دوره‌های مختلف تیمز غیر از عوامل فرهنگی و اجتماعی، رضامندی درونی و شغلی معلمان و مهارت‌های بالای حرفه‌ای در شغل معلمی بوده است و عامل بعدی یعنی

سرمایه‌های فرهنگی صرف حصول اطمینان از پایایی، رویایی<sup>۱</sup> و مقایسه‌پذیری داده‌ها از طریق برنامه‌ریزی دقیق و مستندسازی و هم‌چنین جلب همکاری کشورهای شرکت‌کننده و اجرای شیوه‌های استاندارد می‌شود. اطلاعات طبق استانداردهای علمی که جزئیات آن‌ها در دستورالعمل‌ها و راهنماها توضیح داده شده است، جمع‌آوری می‌شوند و کشورها قدم به قدم آموزش می‌بینند.

جمع‌آوری اطلاعات به روش پرسش‌نامه در ایران از دقت کمی برخوردار است. گفته می‌شود دلیل آن به ریشه‌های فرهنگی ما بازمی‌گردد. آیا می‌توان از انجمن خواست تا به روش دیگری این مرحله از پژوهش را اجرا کند؟ شاید یکی از دلایل موقعیت ایران در این دو مطالعه، دقتی بر گزار نشدن این قسمت از طرح باشد.

انجمن با حمایت مالی و علمی از منتقدین این فضا را فراهم کرده است که هر کشوری نقدهای خود را به صورت مستند به انجمن ارائه کند تا مطالعه‌های تیمز و پرلز با دقت بالاتری اجرا شود. تمام نقدها به روش علمی بررسی و از نتایج آن استفاده می‌گردد. چنان‌که از تحلیل‌های نهایی استنباط می‌شود وضعیت رو به رشد است.

با توجه به توضیحات قبلی شما صدها متغیر در این دو مطالعه بررسی می‌شوند. به نظر شما کدام عامل در نتیجه مطالعه تیمز و پرلز در ایران بیشترین تأثیر را دارد؟

این سؤالی است که هر کشوری بعد از اعلام نتایج مطالعه در پی پاسخ دادن به آن است. پاسخ علمی به این سؤال از طریق پژوهش‌های متعدد و تحلیل ثانوی داده‌ها براساس مدل‌های چند وجهی امکان‌پذیر است و نمی‌توان بدون تعیین سهم هر یک از عوامل، پاسخ روشنی به آن داد.

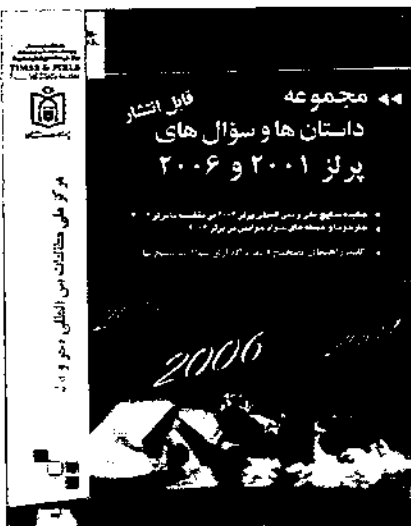
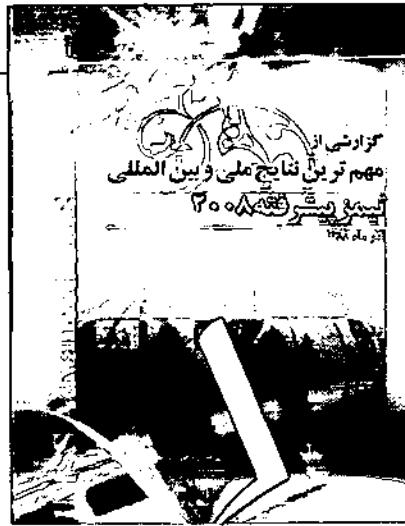
#### آیا چنین پژوهشی صورت گرفته است؟

در سطح تز دکترا و پایان‌نامه‌های مقطع کارشناسی ارشد پژوهش‌هایی صورت گرفته است. در پژوهشگاه نیز چندین طرح پژوهشی مرتبط با نتایج تیمز و پرلز انجام شده و یا در حال انجام است که به بخشی از این سؤالات پاسخ داده است. در واقع هر کدام از یک زاویه به این موضوع نگاه کرده‌اند. از طرفی طرح پژوهش اصلی نیز در حال اجراست که امکان دارد چند سال طول بکشد.

#### مهم‌ترین عامل

اگر بخواهید از دیدگاه شخصی خودتان در مورد تعیین‌کننده صحبت کنید، کدام عامل را مهم‌تر می‌دانید؟

در مقایسه کشورها وقتی مقیاس رتبه‌ای به فاصله‌ای تبدیل می‌شود. گاهی می‌بینیم چند کشور که در رتبه‌های خیلی پایین‌تر قرار داشتند با یک جهش با اختلاف نمره بالا در صدر جدول قرار می‌گیرند و کشورهایی که سال‌ها مقام نخست داشته‌اند به میانه جدول سقوط می‌کنند. در این مواقع این پرسش اساسی مطرح می‌شود که کدام عامل باعث این تغییر فاحش در عملکرد نظام آموزشی کشورها می‌شود.



انگیزه و پشتکار دانش آموزان سنگاپوری به درس و پیشرفت تحصیلی نیز نقش مهمی داشته است. حال اگر ما بدون توجه به بافت اجتماعی و زمینه‌های فرهنگی و نگرشی و اقتصادی آن کشور بخواهیم این نتایج را به شکل صوری در کشور خودمان پیاده کنیم، خواهیم دید که جواب نخواهد داد. چرا که معنی دار شدن یک عامل موفقیت در یک کشور با کشور دیگر متفاوت است. این موضوع مثل رابطه کشت یک بذر و زمین مستعد در کشاورزی است. در واقع اگر ما بهترین بذر را داشته باشیم اما زمین مستعد پذیرش بذر را نداشته باشیم، با شکست و ناکامی مواجه می‌شویم.

#### توجه به عوامل درونی

لذا گاهی اوقات برخی از مسئولان بدون توجه به عوامل درونی صرفاً طرح‌های بیرونی را به داخل نظام آموزشی تعمیم می‌دهند. آن‌ها بدون این که این عامل را در فرهنگ ایران بومی‌سازی کنند و بعد برای آن برنامه‌ریزی نمایند، به دنبال افزایش رضامندی شغلی معلمان با ملاک‌های مادی و معیشتی و بیرونی برمی‌آیند که گرچه لازم است اما کافی نیست. و یا برای آموزش معلمان سرمایه‌گذاری میلیاردی می‌شود بدون آن که نیاز واقعی و کیفیت آموزش و بازده عملی آن مشخص باشد. از مطالعه تیمز ۲۰۰۳ ما به این نتیجه رسیدیم که در برخی موارد عملکرد معلم‌هایی که دوره‌های آموزش ضمن خدمت را گذرانده‌اند بهتر از معلم‌هایی است که دوره دیده‌اند. این نتیجه‌گیری معکوس به خاطر اقدام کلیشه‌ای در باب آموزش ضمن خدمت است. و یا مثلاً در مطالعه پرلز مشخص شد تعداد کتاب‌هایی که موضوع آن‌ها کودکان است با پیشرفت سواد رابطه معنادار دارد. آیا این نتیجه را می‌توان دست‌مایه قرار داد و به شیوه‌های گوناگون به خانواده‌ها فقط کتاب هدیه کرد؟ توسعه فرهنگ مطالعه یک رغبت درونی در تعامل با کتاب را می‌طلبد. پس نتایج را تعمیم ندهیم. جهانی فکر کنیم اما محلی عمل کنیم. اگر سنگاپور با نظام آموزشی متمرکز توانسته است به همان نتیجه مطلوب برسد که استرالیا یا غیرمتمرکزترین نظام آموزشی رسیده، به این خاطر است که نظام‌های موجود به بهترین شیوه اجرا شده‌اند. پس متمرکز یا غیرمتمرکز بودن همه آن‌ها

عامل اصلی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نبوده است. در واقع عواملی که در یک کشور موجب پیشرفت بوده است قابل تعمیم به کشور دیگر نیست.

کیمیای انگیزه و عشق به کار

○ اگر قرار باشد فقط به یک عامل اشاره کنید که می‌تواند در پیشرفت دانش‌آموزان ایران بیشترین تأثیر را داشته باشد، آن عامل کدام است؟

بحث اصلی این است که اگر معلم، عاشق معلمی نباشد و برای معلمی ساخته و آماده نشده باشد، هر قدر بر روی او سرمایه‌گذاری شود نهنه‌تپا سودی ندارد بلکه بعضاً نتیجه معکوس دارد. به همین دلیل است که کمنیوس فیلسوف بزرگ تعلیم و تربیت معتقد است که اگر معلم از جان و دل عشق به کار خویش نداشته باشد هر قدر بیشتر آموزش معلمی ببیند خطرناک‌تر می‌شود. معلم علاقه‌مند به کار خویش، یک هنرمند خلاق است که پیوسته می‌تواند موج یادگیری را در دانش‌آموزان به جریان بیندازد.

در یکی از آزمون‌های پرلز که در یک مدرسه دولتی انجام گرفته بود متوجه شدیم که اغلب دانش‌آموزان نمره بالا کتب کردند. کنجکاو شدیم تا دلیلش را پیدا کنیم. دیدیم عامل اصلی در آن مدرسه عشق و علاقه و پشتکار معلمان در کیفیت تدریس بوده است؛ یعنی عشق معلمی کیمیاگری کرده. در سنگاپور که در اغلب مطالعات تیمز در صدر جدول قرار دارد، نقش معلم بسیار مهم و تعیین‌کننده قلمداد شده است. در آن‌جا نگرش به شغل معلم مانند نگرش ما به پزشک است. عامل معلم و انگیزه‌های او انکارنشدنی است.

حرف آخر این که به جای سرمایه‌گذاری کور و بی‌حاصل در زمینه‌های ناشناخته و ناآزموده باید به کیفیت نیروی انسانی و انگیزه درونی دانش‌آموزان به تحصیل توجه داشت. بقیه عوامل از جمله امکانات و برنامه و محتوای کتاب و روش‌ها و منابع آموزشی فرع بر این دو عامل محسوب می‌شوند.

باید در سیستم‌گزینش، نگهداشت و به‌سازی معلمان تجدیدنظر کرد. پس از این مرحله مهم و تعیین‌کننده، گام‌های بعدی مانند محتوا، روش، منابع، تجهیزات، و... معنادار و مؤثر خواهند شد.

#### پی‌نوشت

1. Trends in International Mathematics and Science Study (Tims)
2. Progress in International Reading Literacy Study (Pirls)
3. International Association for the Evaluation of Educational Achievement (IEA)
4. National Research Coordinator (NRC)
5. International Study Center (ISC)
6. Data Processing Center (DPC)
7. Statistics Center (SC)
8. Reliability
9. Validity



# عشق زندگی

محمدعلی قربانی



فرشتگان در محاسبات خود اشتباه کردند و درویشی را ناخواسته به جهنم فرستادند. پس از اندک زمانی، شیطان نزد مفریان آمد و گفت: «قرار نبود جاسوس بفرستید! مدتی است کسی را به جهنم فرستاده‌اید که نظام آنجا را بر هم زده. او ساکنان جهنم را دور خود جمع می‌کند و برایشان به موعظه می‌پردازد.» درویش را آوردند. درویش گفت: «من کاری نکردم جز این که گفتم با چنان عشقی زندگی کنید که اگر اشتباهی به جهنم افتادید، شیطان شما را به بهشت برگرداند.»



دفتر انتشارات کمک آموزشی

## با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

### مجله‌های دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد کودک (برای دانش آموزان آمادگی و پایه اول دوره دبستان)
- رشد نوجوان (برای دانش آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره دبستان)
- رشد دانش آموز (برای دانش آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره دبستان)
- رشد نوجوان (برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)
- رشد جوان (برای دانش آموزان دوره متوسطه و پیش دانشگاهی)

### مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد آموزش ابتدایی • رشد آموزش راهنمایی تحصیلی • رشد تکنولوژی آموزشی • رشد مدرسه فردا • رشد مدیریت مدرسه • رشد معلم

### مجله‌های بزرگسال و دانش آموزی تخصصی

(به صورت فصلنامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)
- رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره متوسطه)
- رشد آموزش قرآن • رشد آموزش معارف اسلامی • رشد آموزش زبان و ادب فارسی • رشد آموزش هنر • رشد مشاور مدرسه • رشد آموزش تربیت بدنی • رشد آموزش علوم اجتماعی • رشد آموزش تاریخ • رشد آموزش جغرافیا • رشد آموزش زبان • رشد آموزش ریاضی • رشد آموزش فیزیک • رشد آموزش شیمی • رشد آموزش زیست شناسی • رشد آموزش زمین شناسی • رشد آموزش فن و حرفه‌ای • رشد آموزش پیش دبستانی

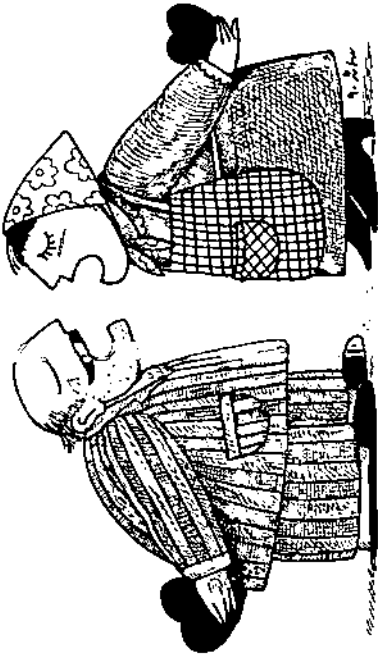
مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانشجویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

• نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

• تلفن و نمابر: ۸۸۲۰۱۴۷۸ - ۰۲۱

گردآوری: علی اصغر جعفریان

چرا ما وقتی عصبانی هستیم داد می‌زنیم؟



استادی از شاگردانش پرسید: چرا ما وقتی عصبانی هستیم داد می‌زنیم؟ چرا مردم هنگامی که خشمگین هستند صدایشان را بلند می‌کنند و سر هم داد می‌کشند؟... شاگردان فکری کردند و یکی از آن‌ها گفت: چون در آن لحظه، آرامش و خون سردی مان را از دست می‌دهیم. استاد پرسید: این که آرامشمان را از دست می‌دهیم درست است، اما چرا با وجودی که طرف مقابل کنارمان قرار دارد، داد می‌زنیم؟ آیا نمی‌توان با صدای ملایم صحبت کرد؟ چرا هنگامی که خشمگین هستیم، داد می‌زنیم؟ شاگردان هر کدام جواب‌هایی دادند، اما پاسخ‌های هیچ‌کدام استاد را راضی نکرد... سرانجام او چنین توضیح داد: هنگامی که دو نفر از دست یکدیگر عصبانی هستند، قلب‌هایشان از یکدیگر فاصله می‌گیرد. آن‌ها برای این که فاصله را جبران کنند، مجبورند داد بزنند. هر چه میزان عصبانیت و خشم بیشتر باشد، این فاصله بیشتر است و آن‌ها باید صدایشان را بلندتر کنند. سپس استاد پرسید: هنگامی که دو نفر عاشق همدیگر باشند، چه اتفاقی می‌افتد؟ آن‌ها سر هم داد نمی‌زنند، بلکه خیلی به آرامی با هم صحبت می‌کنند. چرا؟ چون قلب‌هایشان خیلی به هم نزدیک است. فاصله قلب‌هایشان بسیار کم است. استاد ادامه داد: هنگامی که عشقشان به یکدیگر بیشتر شد، چه اتفاقی می‌افتد؟ آن‌ها حتی حرف معمولی هم با هم نمی‌زنند. فقط در گوش هم نجوا می‌کنند و عشقشان باز هم به یکدیگر بیشتر می‌شود. سرانجام، حتی از نجوا کردن هم بی‌نیاز می‌شوند و فقط به یکدیگر نگاه می‌کنند! این هنگامی است که دیگر هیچ فاصله‌ای بین قلب‌های آن‌ها باقی نمانده باشد...



جهاد اقتصادی

برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه همراه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افستا، از دوروشی زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد: نشانی: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir) و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگه‌دارید).

• نام مجلات درخواستی:

• نام و نام خانوادگی:

• تاریخ تولد:

• میزان تحصیلات:

• تلفن:

• نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان: خیابان:

شماره فیش: مبلغ پرداختی:

پلاک: شماره پستی:

• در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را ذکر کنید:

امضا:

• نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

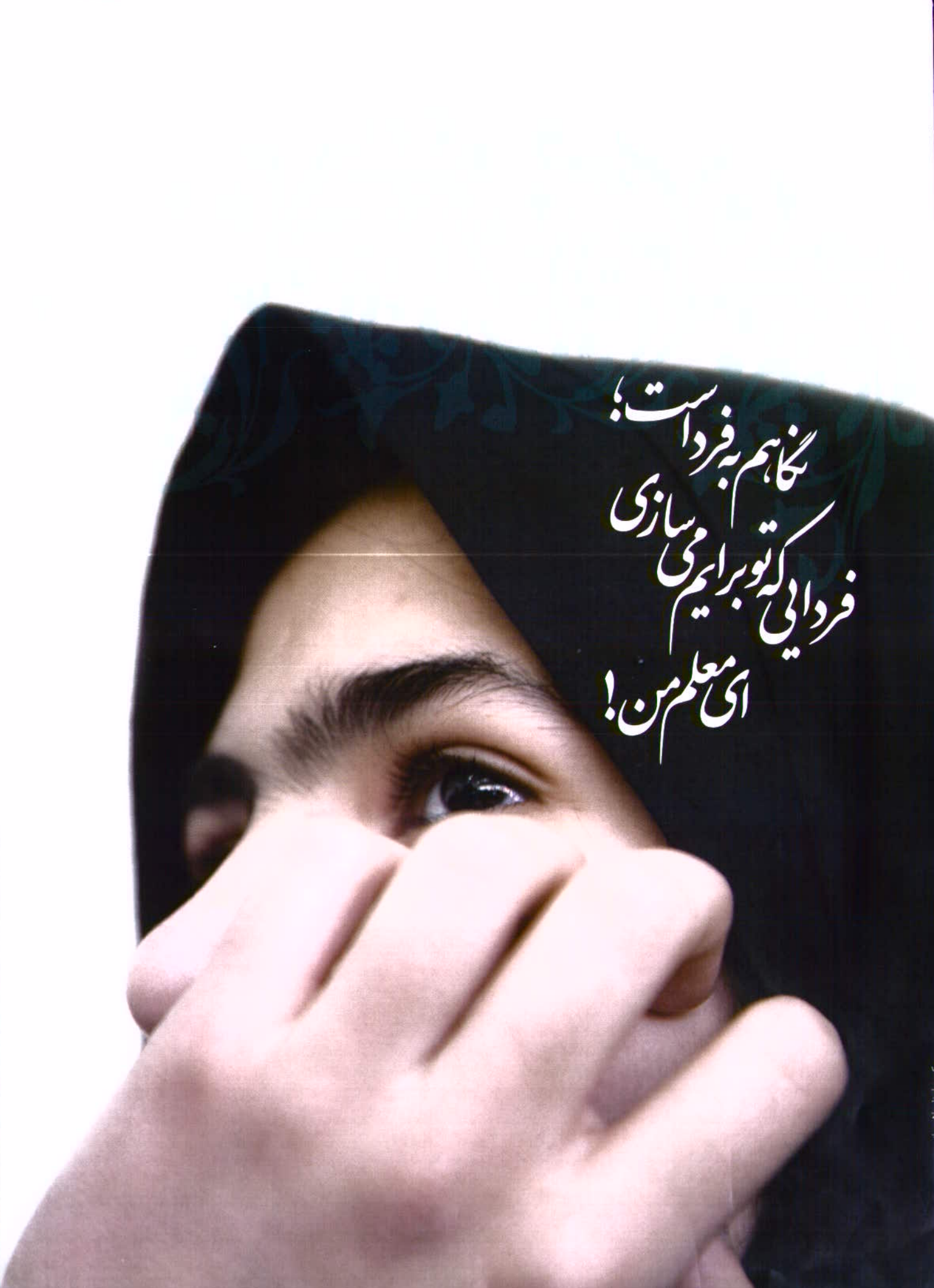
[www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)

• وبگاه مجلات رشد:

• اشتراک مجله: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۹۷۱۲-۱۴

- هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۹۶۰۰۰ ریال
- هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۶۰۰۰۰ ریال

رشد  
مجله تخصصی  
اقتصادی و اجتماعی



نگاهم به فرداست  
که تو برای منی  
فردایی  
ای معلم من!

مرکز برنامه ریزی و آموزش نیروی انسانی

بাহمکاری دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

برگزار می کند:



دفتر انتشارات  
کمک آموزشی  
سازمان پژوهش و  
برنامه ریزی آموزشی



مرکز برنامه ریزی و آموزش  
نیروی انسانی

# دوره های آموزشی کوتاه مدت تخصصی غیر حضوری

دکتر حاجی بابایی، وزیر آموزش و پرورش:

اهداف مجلات رشد باید در خدمت رسانی و تربیت انسان و جامعه رشید باشد.



مجلات رشد  
در خدمت آموزش فرهنگیان

برای ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر به واحد آموزش نیروی انسانی

[www.tstc.medu.ir](http://www.tstc.medu.ir)

اداره آموزش و پرورش خود مراجعه کنید.

[www.rosdmag.ir](http://www.rosdmag.ir)